



چکیده مقاله‌های

دومین همایش دوسالانه بین‌المللی انجمن علمی باستان‌شناسی ایران

باستان‌شناسی، مردم‌مدیریت میراث فرهنگی در ایران و ایران

به کوشش:

دکتر محمد اسماعیل اسمعیلی جلودار

دکتر مرتضی خانی‌پور

دکتر سعید امیرحاجلو



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چکیده مقاله‌های

دوین همایش دوسالانه بین‌المللی انجمن علمی باستان‌شناسی ایران باستان‌شناسی، مردم‌مدیریت میراث فرهنگی در ایران و ایران

به کوشش:

دکتر محمداسماعیل اسمعیلی جلودار (عضو هیأت علمی دانشگاه تهران)

دکتر مرتضی خانی‌پور (دانش‌آموخته دکتری باستان‌شناسی از دانشگاه تهران)

دکتر سعید امیرحاجلو (عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس)

حامیان حمایتش



ISC
Islamic World science
Citation Center
کد ISC: ۰۰۲۱۰-۳۲۹۵۶

سرشناسه: همایش دوسالانه بین‌المللی انجمن علمی باستان‌شناسی ایران؛ «باستان‌شناسی، مردم و مدیریت میراث فرهنگی در ایران و انیران» (دومین: ۱۴۰۰؛ تهران)

عنوان و نام پدیدآور: چکیده مقاله‌های دومین همایش بین‌المللی انجمن علمی باستان‌شناسی ایران؛ باستان‌شناسی، مردم و مدیریت میراث فرهنگی در ایران و انیران / به کوشش دکتر محمداسماعیل اسمعیلی جلودار، دکتر مرتضی خانی‌پور، دکتر سعید امیرحاجلو؛ [برای] انجمن علمی باستان‌شناسی ایران و دانشگاه تربیت مدرس.

مشخصات نشر: تهران، نگارستان اندیشه، ۱۴۰۱.

مشخصات ظاهری: ۱۲۳ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۲۷۳-۰۶-۱

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

موضوع: باستان‌شناسی -- ایران -- کنگره‌ها

موضوع: Archaeology -- Iran -- Congresses

شناسه افزوده: اسمعیلی جلودار، محمداسماعیل، ۱۳۵۲ -، گردآورنده.

شناسه افزوده: خانی‌پور، مرتضی، ۱۳۶۴ -، گردآورنده.

شناسه افزوده: امیرحاجلو، سعید، ۱۳۶۲ -، گردآورنده.

شناسه افزوده: انجمن علمی باستان‌شناسی ایران.

شناسه افزوده: دانشگاه تربیت مدرس.

شناسه افزوده: Tarbiat Modares University

رده‌بندی کنگره: DSR44

رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۰۴۳

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۸۹۸۸۷۴۲

اطلاعات رکورد کتاب‌شناسی: فیبا



انجمن علمی باستان‌شناسی ایران



دانشگاه تربیت مدرس

چکیده مقاله‌های دومین همایش بین‌المللی انجمن علمی باستان‌شناسی ایران؛ باستان‌شناسی، مردم و مدیریت میراث فرهنگی در ایران و انیران

به کوشش: محمداسماعیل اسمعیلی جلودار، مرتضی خانی‌پور، سعید امیرحاجلو

انتشارات: نگارستان اندیشه

نوبت و سال نشر: چاپ نخست، زمستان ۱۴۰۱

شمارگان: ۱۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۲۷۳-۰۶-۱

انجمن علمی باستان‌شناسی ایران و دانشگاه تربیت مدرس

فهرست اعضاء ايراني كميته علمي همایش به ترتیب حروف الفبا

- دکتر علی آزادی، پژوهشکده باستان‌شناسی کشور
دکتر احمدعلی اسدی، استادیار دانشگاه هنر شیراز
دکتر محمداسماعیل اسمعیلی جلودار، دانشیار دانشگاه تهران
دکتر محمدامین امامی، دانشیار دانشگاه هنر اصفهان
دکتر سعید امیرحاجلو، استادیار دانشگاه تربیت مدرس
دکتر حسن باصفا، دانشیار دانشگاه نیشابور
دکتر مسعود باقرزاده کثیری، استادیار دانشگاه هنر اسلامی تبریز
مهندس فرانک بحرالعلومی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری
دکتر محسن جاوری، دانشیار دانشگاه کاشان
دکتر اردشیر جوانمردزاده، دانشیار دانشگاه محقق اردبیلی
دکتر حمیده چوبک، دانشیار پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری
دکتر کریم حاجی‌زاده، دانشیار دانشگاه محقق اردبیلی
دکتر جواد حسین‌زاده ساداتی، استادیار دانشگاه کاشان
دکتر سامان حیدری گوران، بنیاد پژوهش‌های پارینه‌سنگی دیارمهر
دکتر محمود حیدریان، دانشیار دانشگاه شهرکرد
دکتر مرتضی خانی‌پور، دکترای باستان‌شناسی
دکتر علیرضا خسروزاده، دانشیار دانشگاه شهرکرد
دکتر حجت دارابی، دانشیار دانشگاه رازی کرمانشاه
دکتر مصطفی ده‌پهلوان، دانشیار دانشگاه تهران
دکتر شاهرخ رزمجو، استادیار دانشگاه تهران
دکتر هوشنگ رستمی، دکترای باستان‌شناسی
دکتر مهدی رهبر، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری
دکتر محمدابراهیم زارعی، استاد دانشگاه بوعلی سینا همدان
دکتر علی زارعی، استادیار دانشگاه بیرجند
دکتر حسین سرحدی دادیان، دانشیار دانشگاه زابل
دکتر علیرضا سرداری، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری
دکتر منصور سیدسجادی، دکترای پیشکسوت باستان‌شناسی و رئیس هیأت کاوش‌های باستان‌شناسی شهر سوخته
دکتر میثم شهسواری، استادیار دانشگاه جیرفت
دکتر روح‌الله شیرازی، دانشیار دانشگاه سیستان و بلوچستان و رئیس پژوهشکده باستان‌شناسی کشور
دکتر علی صدراپی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری
دکتر حسین صدیقیان، استادیار دانشگاه لرستان
دکتر محمدرحیم صراف، استادیار دانشگاه تهران

دکتر ابوالفضل عالی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری
دکتر رحمت عباس نژاد، دانشیار دانشگاه مازندران
دکتر حسنعلی عرب، استادیار دانشگاه هنر شیراز
دکتر محمدحسین عزیزی خراقی، موزه ملی ایران
دکتر وحید عسکریپور، استادیار دانشگاه هنر اسلامی تبریز
دکتر مرتضی عطایی، استادیار دانشگاه مازندران
دکتر سجاد علی بیگی، استادیار دانشگاه رازی کرمانشاه
دکتر امید عودباشی، دانشیار دانشگاه هنر اصفهان
دکتر بهروز عمرانی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری
دکتر حسن فاضلی نشلی، استاد دانشگاه تهران
دکتر محمد قمری فتیده، استادیار دانشگاه مازندران
دکتر حسن کریمیان، استاد دانشگاه تهران
دکتر هایده لاله، استادیار دانشگاه تهران
دکتر میثم لباف خانیکی، دانشیار دانشگاه تهران
دکتر عباس مترجم، دانشیار دانشگاه بوعلی سینا همدان
دکتر کوروش محمدخانی، استادیار دانشگاه شهید بهشتی
دکتر یعقوب محمدی فر، استاد دانشگاه بوعلی سینا همدان
دکتر محمد مرتضایی، دانشیار پژوهشکده باستان‌شناسی کشور
دکتر عباس مقدم، پژوهشکده باستان‌شناسی کشور
دکتر کاظم ملازاده، دانشیار دانشگاه بوعلی سینا همدان
دکتر حکمت‌الله ملاصالحی، استاد دانشگاه تهران
دکتر سیدرسول موسوی حاجی، استاد دانشگاه مازندران
دکتر سیدمهدی موسوی، استاد دانشگاه تربیت مدرس
دکتر رضا مهرآفرین، استاد دانشگاه مازندران
دکتر رضا نصری، استادیار دانشگاه زابل
دکتر حسن نامی، استادیار دانشگاه نیشابور
دکتر رضا نوری شادمهانی، استادیار دانشگاه کاشان
دکتر جبرئیل نوکنده، رییس موزه ملی ایران
دکتر کمال‌الدین نیکنامی، استاد دانشگاه تهران
دکتر حامد وحدتی نسب، استاد دانشگاه تربیت مدرس
دکتر مهسا ویسی، استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
دکتر حسن هاشمی زرج‌آباد، دانشیار دانشگاه مازندران
دکتر علیرضا هژبری نوبری، استاد دانشگاه تربیت مدرس

فهرست اعضاء غيرايرانى كميته علمى همائش به ترتيب حروف الفبا

- Dr. John Curtis, (British Museum)
Dr. Barbara Helwing, (University of Sydney)
Dr. Lorenz Korn, (Bamberg University)
Dr. Roger Matthews, (University of Reading)
Dr. Wendy Matthews, (University of Reading)
Dr. Kyle Gregory Olson, (University of Pennsylvania)
Dr. Holly Pittman, (University of Pennsylvania)
Dr. Seth Priestman, (Durham University)
Dr. Markus Ritter, (University of Vienna)
Dr. Arkadiusz Soltysiak, (University of Warsaw)
Dr. Giacomo Tabita, (University of Turin)
Dr. Judith Thomalsky, (Institute of Archaeology of Germany in Iran)
Dr. Massimo Vidale, (University of Padua)
Dr. Donald Whitcomb, (University of Chicago)
Dr. Eberhard Wolfram Sauer, (University of Edinburgh)

محورهای همایش

محورهای دومین همایش بین‌المللی انجمن علمی باستان‌شناسی ایران عبارتند از:

- باستان‌شناسی و مردم
- باستان‌شناسی و توسعه پایدار
- باستان‌شناسی و چالش‌های معاصر
- باستان‌شناسی و هویت‌های ملی و منطقه‌ای
- پیوندهای فرهنگی بر پایه داده‌های باستان‌شناسی
- حفاظت و مدیریت میراث فرهنگی؛ تجارب جهانی
- مدیریت محوطه‌های باستانی با چشم‌انداز گردشگری فرهنگی

ارکان همایش

دبیران علمی همایش: دکتر سیدمهدی موسوی و دکتر محمداسماعیل اسمعیلی جلودار

دبیر اجرایی همایش: دکتر مرتضی خانی‌پور

شورای سیاست‌گذاری همایش: دکتر سیدمهدی موسوی، دکتر محمداسماعیل اسمعیلی جلودار، دکتر سعید امیرحاجلو، دکتر شاهین آریامنش، دکتر جواد حسین‌زاده، دکتر مرتضی خانی‌پور، دکتر مرتضی عطایی، دکتر مصطفی ده‌پهلوان، دکتر مجید منتظرظهوری، دکتر هوشنگ رستمی.

جدول سخنرانان روز اول همایش؛

زمان	آیین گشایش همایش روز نخست: چهارشنبه؛ ۱۴۰۰/۸/۱۲
۹:۰۵ تا ۹:۰۰	قرائت قرآن و سرود جمهوری اسلامی ایران
۹:۱۵ تا ۹:۰۵	گزارش دبیر اجرایی همایش دکتر مرتضی خانی پور
۹:۲۰ تا ۹:۱۵	سخنرانی رییس موزه ملی ایران دکتر جبرئیل نوکنده
۹:۲۵ تا ۹:۲۰	پخش کلیپ
۹:۳۰ تا ۹:۲۵	سخنرانی رییس پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری دکتر مصیب امیری
۹:۳۵ تا ۹:۳۰	سخنرانی رییس پژوهشکده باستان‌شناسی دکتر مرتضی حصاری
۱۰:۰۰ تا ۹:۳۵	پخش فیلم تقدیر از یک باستان‌شناس: دکتر سیامک سرلک
۱۰:۱۰ تا ۱۰:۰۰	سخنرانی و خوشامدگویی دبیر علمی همایش و رئیس انجمن دکتر اسمعیلی جلودار
نشست ویژه همایش	
روز چهارشنبه ۱۴۰۰/۸/۱۲، نشست نخست رئیس جلسه: دکتر محمداسماعیل اسمعیلی جلودار	
۱۰:۱۵ تا ۱۰:۴۵	دکتر حکمت‌الله ملاصالحی (استاد گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران) نامعاصر بودگی، سرگشتگی تاریخی و آشفته‌گی هویتی
۱۱:۱۵ تا ۱۰:۴۵	دکتر سیدمنصور سیدسجادی (سرپرست کاوش‌های بین‌المللی شهر سوخته و دهانه غلامان) بیان کوتاهی از مدیریت ۱۸ فصل کاوش و پژوهش در شهر سوخته
۱۱:۴۵ تا ۱۱:۱۵	دکتر عباس علیزاده (موسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو) چند نکته در راستای باستان‌شناسی و جامعه و اهمیت فلسفه در باستان‌شناسی اخلاقی
استراحت ۱۱:۴۵ تا ۱۴:۰۰	
روز چهارشنبه ۱۴۰۰/۸/۱۲، نشست دوم دبیر نشست: دکتر جواد حسین‌زاده ساداتی	
۱۴:۲۵ تا ۱۴:۰۰	دکتر حسن فاضلی نشلی (دانشگاه تهران) از زاگرس تا البرز و جهان نوسنگی شدن...
۱۴:۵۰ تا ۱۴:۲۵	دکتر رحمت عباس‌نژاد (دانشگاه مازندران) آموزش عالی، یادگیری فناورانه و اشتغال در باستان‌شناسی
۱۵:۱۵ تا ۱۴:۵۰	دکتر علی سرداری زارچی (پژوهشکده باستان‌شناسی) مروری بر کاوش‌های نجات‌بخشی در ایران؛ دستاوردها و چالش‌ها
۱۵:۴۰ تا ۱۵:۱۵	دکتر سجاد علی‌بیگی (دانشگاه رازی کرمانشاه) روند تغییرات و تخریبات در چشم‌انداز باستانی سرپل ذهاب در چند دهه اخیر
میان‌برنامه و پخش کلیپ ۱۵:۴۰ تا ۱۶:۰۰	
روز چهارشنبه ۱۴۰۰/۸/۱۲، نشست سوم دبیر نشست: دکتر سعید امیرحاجلو	
۱۶:۲۵ تا ۱۶:۰۰	دکتر ابرهارد سوئر (دانشگاه ادینبرو اسکاتلند) از دیوار گرگان تا دروازه‌های کاسپین در قفقاز: انتشارات پس از کاوش‌های مشترک ایران و اسکاتلند در دیوار دفاعی شمالی ساسانیان From the Gorgan Wall to the Caspian Gates in the Caucasus: Post-excavation work and publication of our joint project on the northern defences of the Sasanian Empire
۱۶:۵۰ تا ۱۶:۲۵	دکتر حمید فدایی (پایگاه میراث جهانی تخت‌جمشید) مدیریت حفاظت و مرمت در محوطه‌های میراث جهانی تخت‌جمشید و پاسارگاد: مروری بر تجارب مشترک جهانی
۱۷:۱۵ تا ۱۶:۵۰	دکتر حسنعلی عرب (دانشگاه هنر شیراز) تپه پوستچی شیراز؛ قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها با چشم‌انداز توسعه پایدار شهری
۱۷:۴۰ تا ۱۷:۱۵	فرهاد شمال (دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه تهران) جستاری بر رابطه مردم و میراث فرهنگی در افغانستان

جدول سخنرانان روز دوم همایش؛

روز دوم: چهارشنبه ۱۳/۸/۱۴۰۰، نشست نخست	
دکتر شاهی: دکتر شاهین آریامنش	
۹:۳۰ تا ۹:۵۵	دکتر جواد علانی مقدم (دانشگاه زابل) آسیب شناسی محوطه‌های باستانی پهن‌دشت سیستان
۱۰:۲۰ تا ۹:۵۵	دکتر رقیه رحیمی سرخنی (دانشگاه مازندران) بررسی الگوی روند تخریب محوطه‌های دالمایی در غرب ایران: ضرورت آگاهی بخشی و لزوم نجات بخشی
۱۰:۲۰ تا ۱۰:۴۵	روکو رانته (موزه لوور فرانسه) موقعیت راهبردی ری؛ بحث‌هایی درباره تعاملات فرهنگی آن Ray and its Strategic Location; Discussion on its Cultural Interactions
استراحت ۱۰:۴۵ تا ۱۱:۰۰	
روز چهارشنبه ۱۳/۸/۱۴۰۰، نشست دوم	
دبیر نشست: دکتر سعید امیرحاجلو	
۱۱:۱۵ تا ۱۱:۰۰	کایل اولسون (پژوهشگر پسادکتری در مؤسسه ANAMED استانبول) گذشته و آینده همکاری‌های مشترک باستان‌شناختی آمریکا و ایران The Past and Future of American-Iranian Archaeological Cooperation
۱۱:۴۰ تا ۱۱:۱۵	کوزاد احمد (دانشگاه سلیمانی کردستان عراق) فعالیت‌های باستان‌شناختی در کردستان عراق Archaeological work in Iraqi Kurdistan
۱۲:۰۵ تا ۱۱:۴۰	دکتر حسین مرادی (معاون کاوش‌های شهر سوخته و سرپرست کاوش‌های منطقه مسکونی شهر سوخته) باستان‌شناسی سیاسی: پژوهش‌های شهر سوخته و نقدی به رویکردهای باستان‌شناسی پسااستعماری در ایران
ناهار و نماز ۱۲:۰۵ تا ۱۴:۰۰	
روز چهارشنبه ۱۳/۸/۱۴۰۰، نشست سوم	
دبیر نشست: دکتر مرتضی خانی‌پور	
۱۴:۲۵ تا ۱۴:۰۰	دکتر جواد حسین‌زاده ساداتی (دانشگاه کاشان) مدیریت میراث باستان‌شناختی؛ تجربیاتی از سیلک
۱۴:۵۰ تا ۱۴:۲۵	دکتر نادر علی‌دادی سلیمانی (اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان کرمان) تجارب مرمت و احیاء بقایای معماری کاوش باستان‌شناختی محوطه شهر قدیم جیرفت و قلعه منوجان
۱۵:۱۵ تا ۱۴:۵۰	تبسم ایلخان، جووانا تربیکا، جواد حسین‌زاده، علی شجاعی اصفهانی، بابک رفیعی علوی، حسنعلی عرب، علیرضا سرداری و آرکادیوس سولتشیاک الگوی پوسیدگی دندان‌ها در بخش غربی فلات مرکزی ایران
استراحت ۱۵:۱۵ تا ۱۵:۳۰	
روز چهارشنبه ۱۳/۸/۱۴۰۰، نشست چهارم	
دبیر نشست: دکتر مرتضی عطایی	
۱۵:۵۵ تا ۱۵:۳۰	عاطفه رشنو (مدیر پایگاه میراث جهانی چغازنبیل) تجارب و اقدامات حفاظتی در چغازنبیل و چشم‌انداز گردشگری فرهنگی آن در آینده
۱۶:۲۰ تا ۱۵:۵۵	دکتر رضا نوری شادمهانی (دانشگاه کاشان) گردشگری فرهنگی از منظر باستان‌شناسی...
۱۶:۴۵ تا ۱۶:۲۰	دکتر حسین صبری (پژوهشگر مستقل) مالکیت گذشته؛ نگاهی به چالش‌های پیش روی باستان‌شناسان در تقابل یا همراهی با سکه‌شناسان
۱۷:۱۰ تا ۱۶:۴۵	محمد یاری (مدیرعامل شرکت میراث آرکا) دسترسی و مدیریت منابع دیجیتال میراث فرهنگی
اختتامیه و قرائت بیانیه پایانی همایش ۱۷:۱۰ تا ۱۸:۰۰	

بیانیه پایانی همایش

در بیانیه پایانی شرکت کنندگان در این همایش، رابطه دوسویه میان باستان‌شناسان و مردم را به عنوان وارثان اصلی میراث فرهنگی مهم دانستند و بر تأثیر آن در معرفی، نگهداری و بهره‌برداری از میراث باشکوه این سرزمین تأکید داشتند. همچنین، برگزارکنندگان و شرکت کنندگان در همایش با توجه به سخنرانی‌ها و مباحث علمی مطرح شده در دومین همایش، بر اجرای بندهای زیر تأکید نمودند؛

۱. توجه جدی وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی به موضوع باستان‌شناسی و مردم و پیشنهاد تهیه سند راهبردی با همکاری متخصصان این حوزه در دانشگاه، پژوهشگاه و پژوهشکده‌های مرتبط.
۲. حفاظت و حراست از موارث فرهنگی و آثار تاریخی با استفاده از تعامل باستان‌شناسان با نهادهای دولتی و مردم‌نهاد.
۳. استفاده از مدیران متخصص در سطوح مختلف مدیریتی وزارتخانه، استفاده از متخصصان، کارشناسان خبره، نخبگان و ظرفیت‌های موجود در دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی.
۴. تأکید و الزام بر تدوین پیوست تخصصی میراث فرهنگی برای کلیه طرح‌های توسعه‌ای دستگاه‌های اجرایی کشور، مطابق با ماده ۱۰۰ برنامه پنج‌ساله ششم توسعه و بخشنامه مصوب ۱۳۸۲/۷/۹ هیأت وزیران.
۵. به‌روز کردن قوانین و مقررات برای مقابله با تخریب‌کنندگان آثار تاریخی و برخورد قانونی قاطع با مروجان حفاری‌های غیرمجاز و تخریب‌گران آثار تاریخی.
۶. درخواست گنجاندن رده شغلی کارشناس و کارشناس ارشد باستان‌شناسی در تشکیلات سازمان اداری و استخدامی کشور به ویژه در وزارت آموزش و پرورش و سایر وزارتخانه‌ها و بازتعریف دوباره از توانایی و خدمات شغلی این رشته تحصیلی.
۷. پیشنهاد توجه دانشگاه‌ها به رویکرد باستان‌شناسی برای مردم، گردشگری فرهنگی و حفاظت میراث فرهنگی از طریق آموزش، پژوهش، پایان‌نامه و رساله‌های دانشجویی و واحدهای درسی.
۸. آگاهی بخشی عمومی درباره نقش باستان‌شناسی در جامعه و ارتباط آن با مردم از طریق رسانه‌های شنیداری و دیداری با مشارکت و مشاوره مستقیم باستان‌شناسان. زیرا امروزه ارائه اطلاعات نادرست خطرات زیادی را برای جامعه خواهد داشت و چالش‌های متعددی را در مسائل فرهنگ اجتماعی رقم خواهد زد. تنوع مخاطب در برنامه‌های تلویزیونی و فضای مجازی بستری مهم را برای تحقق وحدت ملی به همراه دارد و عدم توجه به اطلاع‌رسانی دقیق و عدم نظارت دستگاه‌های متولی می‌تواند این موضوع را تحت تأثیر خود قرار دهد.

۹. تسهیل نمودن همکاری‌های علمی میان استادان دانشگاه‌های معتبر باستان‌شناسی کشور و پژوهشگران مستقل باستان‌شناسی از یک سو و از سوی دیگر با وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری و پژوهشکده باستان‌شناسی
۱۰. گسترش ارتباط و تعامل باستان‌شناسان داخلی با مراکز علمی پژوهشی بین‌المللی به‌منظور روزآمد شدن دانش متخصصان این حوزه و استفاده از آخرین و به‌روزترین دستاوردها و تکنیک‌های علمی دنیا در انجام پژوهش‌ها و فعالیت‌های مشترک

فهرست

صفحه	عنوان مقاله
الف	مقدمه
۱	بررسی نقش مطالعات باستان‌شناسی در اتمام منازعات سیاسی منطقه‌ای و حراست از میراث ملی (مطالعه موردی: مسأله خلیج فارس) سمیرا ابدالی و سکینه طهماسی
۲	مطالعات باستان‌شناسی؛ راهی برای افزایش پیوندهای فرهنگی در استان سیستان و بلوچستان راضیه ابراهیمی و جواد علایی‌مقدم
۳	آشوری کردن زاگرس در دانش مدرن کوزاد احمد
۴	فعالیت‌های باستان‌شناسی در کردستان عراق کوزاد احمد
۵	از آشیان شاهی تا بیابان تباهی؛ ضرورت و راهکارهای حفظ محوطه و اقامتگاه شاهی دولت‌آباد بُرخوار در اصفهان سعید امیرحاجلو
۶	مجموعه آثار ایرانی در آمریکا؛ وضعیت حاضر و امکانات آینده کایل اولسون
۷	بررسی تأثیر و تأثرات فرهنگی ایران و یونان در دوران هخامنشی بر پایه مطالعات تطبیقی و تاریخی رضوانه اویسی و جواد علایی‌مقدم
۸	الگوی پوسیدگی دندان‌ها در بخش غربی فلات مرکزی ایران تبسم ایلخان و همکاران
۹	باستان‌شناسی صنعتی؛ رویکردی در جهت حفظ میراث صنعتی شهرها (نمونه موردی کارخانه نساجی پارس سمنان) حمیده بنیادی و سیدمصطفی نبوی چاشمی
۱۰	مدیریت محوطه‌های باستانی با چشم‌انداز گردشگری و فرهنگی کناپون پلاسعیدی و محمد تهماش‌خان
۱۱	بررسی و معرفی محوطه‌های پیش‌ازتاریخی پس‌کرانه‌های شمالی خلیج فارس (مطالعه موردی: شهرستان لامرد) خلیل تریزان

- ۱۲ پدیدارشناسی نقاشی ایرانی در دوره ساسانی؛ با تکیه بر نقش مانی
مارال توشه اصل، بهروز افخمی و زینب خسروی
- ۱۳ تحلیلی بر نمادشناسی تصویر گیلگمش در هنر مفرغ لرستان
زهرا چراغی و همکاران
- ۱۴ ارزیابی شاخصه‌های اقتصادی و اجتماعی توسعه پایدار در بناهای مسکونی قاجاری در آنتیایان
نیر حاجی طاهر و سعید امیرحاجلو
- ۱۵ ویژگی‌های شاخص معماری هورامان؛ با تأکید بر ایوان‌ها و پنجره‌ها
زریان سالار حمه عارف و شوان محمدصابر هورامی
- ۱۶ در جستجوی پیوندهای فرهنگی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در معماری اشکانی
الهه حیدری کرباسکی و زهره جوزی
- ۱۷ بررسی تأثیر میزان آگاهی تاریخی و فرهنگی مردم در حفظ و نگهداری محوطه‌های باستانی (مطالعه موردی: محوطه‌های باستانی شهرستان محلات)
ندا خراسانی و جواد علایی مقدم
- ۱۸ بررسی چشم‌انداز گردشگری سنگ‌نگاره‌های تنگ غرقاب - گلپایگان
محمدرضا خوانساری و همکاران
- ۱۹ بررسی عوامل مؤثر در تخریب و فرآیند حفاظت از سنگ‌نگاره‌ها (مطالعه موردی: منطقه گشت سراوان)
نسیم دادمهر، بهروز برجسته دلفروز و زهره جوزی
- ۲۰ بازیابی هویت منطقه‌ای یا چالش‌های مطالعاتی معاصر: ماهیت سلسله‌های تاریخی هزاره اول ق.م ایران در شمال شرق و خراسان بزرگ
محمدصادق داوری و حسن باصفا
- ۲۱ بررسی الگوی روند تخریب محوطه‌های سنت دالمایی در غرب ایران؛ ضرورت آگاهی‌بخشی و لزوم نجات‌بخشی
رقیه رحیمی سرخنی
- ۲۲ نگاهی اقلیمی - جغرافیایی به پوشش گیاهی ایالت کرمان با استناد به کتیبه کاخ آپادانای داریوش اول هخامنشی در شوش
الما رحیمی صادق، ابراهیم رایگانی، میثم شهسواری
- ۲۳ تجارب و اقدامات حفاظتی در چغازنبیل و چشم‌انداز گردشگری فرهنگی آن در آینده
عاطفه رشنویی و مهرنوش زاده‌دباغ
- ۲۴ باستان‌شناسی و توسعه پایدار؛ مطالعات میراث فرهنگی و کاوش‌های نجات‌بخشی در ایران
علیرضا سرداری

نقش موزه‌ها در هویت‌بخشی فرهنگی جامعه

۲۶

بیبا سودایی

بیان کوتاهی از مدیریت ۱۸ فصل کاوش و پژوهش در شهر سوخته

۲۷

سیدمنصور سیدسجادی

بررسی ابعاد مسأله دیاژنز در بافت اسکلت‌های باستانی در راستای حفاظت و مدیریت میراث فرهنگی و محوطه‌های باستان‌شناختی؛ با تکیه بر تجارب جهانی: مطالعه موردی دندان‌های باستانی ساکنان گورستان باستانی گوهر تپه

۲۹

فهیمة شیخ‌شعاعی

مالکیت گذشته؛ نگاهی به چالش‌های پیش روی باستان‌شناسان در تقابل یا همراهی با سکه‌شناسان

۳۰

حسین صبری

بحثی پیرامون گذار از دوره کوشانی به ساسانی در شرق ایران بر پایه داده‌های باستان‌شناختی

۳۱

بهزاد صداقتی

آموزش عالی، یادگیری فناورانه و اشتغال در باستان‌شناسی

۳۲

رحمت عباس‌نژاد سرستی

تپه پوستچی شیراز؛ قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها با چشم‌انداز توسعه پایدار شهری

۳۴

حسنعلی عرب و علیرضا سرداری

مطالعه تطبیقی معماری، سفال و معیشت دوره نوسنگی حاجی فیروز در شمال غرب ایران با بین‌النهرین شمالی و فرهنگ حسونا

۳۵

سیده راضیه عطیمی

جستاری در آسیب‌شناسی محوطه‌های باستانی سیستان

۳۶

جواد علایی مقدم

آموزش باستان‌شناسی و نهادینه نمودن ارزش‌های آثار باستانی در کودکان از طریق تئاتر پداگوژی

۳۷

جواد علایی مقدم و طاهره ابوعلی‌زاده

روند تغییرات و تخریبات در چشم‌انداز باستانی سرپل زهاب طی چند دهه اخیر؛ چه بر سر میراث باستانی ما می‌آید؟

۳۸

سجاد علی‌بیگی

چند نکته در راستای باستان‌شناسی و جامعه و اهمیت فلسفه در باستان‌شناسی اخلاقی

۳۹

عباس علیزاده

از زاگرس تا البرز و جهانی شدن نوسنگی

۴۰

حسن فاضلی‌نشلی

- مدیریت حفاظت و مرمت در محوطه‌های میراث جهانی تخت جمشید و پاسارگاد: مروری بر تجارب مشترک جهانی
حمید فدایی
۴۱
- تأثیر زیست محیط منطقه سیستان بر معماری محوطه هخامنشی دهانه غلامان
کتابون کیان‌پور
۴۳
- ارتباطات فرهنگی میان حوضه رودخانه دامن در بلوچستان ایران با مناطق هم‌جوار در عصر مفرغ؛ بر مبنای گونه‌شناسی سفال‌های محوطه شهردراز
محمد کیخا و همکاران
۴۴
- بررسی و مطالعه تطبیقی منظر کشاورزی در سه باغ جهانی اکبریه، فین و شاهزاده سعیده مرزاده، سیدمحمدرضا خلیل‌نژاد و سامان فرزین
۴۶
- باستان‌شناسی سیاسی: پژوهش‌های شهرسوخته و نقدی به رویکردهای باستان‌شناسی پسااستعماری در ایران
حسین مرادی
۴۷
- پیوند فرهنگی ایلامیان و هخامنشیان بر پایه داده‌های باستان‌شناسی
علیرضا مس‌فروش
۴۸
- نامعاصر بودگی، سرگشتگی تاریخی و آسفتگی هویتی
حکمت‌الله ملاصالحی
۴۹
- باستان‌شناسی و قرن وحشت
سیدحسن موسوی شرقی
۵۰
- سدسازی و چالش‌های حفظ آثار باستانی
حامد مولایی کردشولی و حمید طباطبایی محمدی
۵۱
- اقتصاد معیشتی، میراث باستانی؛ چالش‌ها و فرصت‌ها
سیدمصطفی نبوی چاشمی و حمیده بنیادی
۵۲
- رسانه‌های بر بستر اینترنت در خدمت باستان‌شناسی برای مردم: بررسی قابلیت‌ها و ارائه راهکار جهت تعامل اصولی و اثربخش با مخاطبان برخط
زینب نظری تهرانی
۵۳
- معناکاوی آماری در تفسیر یافته‌های باستان‌شناسی؛ هم‌بستگی ویژگی‌های سفالی
ساره نعمت‌اللهی‌نیا و احسان اسفندیاری راد
۵۴
- گردشگری فرهنگی از منظر باستان‌شناسی
رضا نوری شادمهانی
۵۵
- غارت میراث فرهنگی و تمدنی سوریه در جریان جنگ با داعش و راهکارهای حقوق بین‌الملل برای مقابله با این جنایت جنگی
سعیده هدایتی‌زاده و سامان فرزین
۵۶

Higher Education, Technological Learning, and Employment in Archaeology Rahmat Abbasnejad Seresti	58
Examining the Role of Archaeological Studies in the Completion of Regional Political Quarrels and Security of National Heritage (Case Study: Persian gulf's Issue) Samira Abdali and Sakineh Tahmasbi	60
Assyrianizing the Zagros in Modern Scholarship Kozad M. Ahmed	61
Archaeological Activities in Iraqi Kurdistan Kozad M. Ahmed	62
An Investigation into Pathology of Sistan Ancient Sites Javad Alaei Moghadam	63
Archaeological Education and Institutionalizing the Values of Antiquities in Children through Theater Pedagogy Javad Alaei Moghadam and Tahereh aboalizadeh	64
From the Royal Residence to a Ruin in the Desert; Necessity and Strategies for Preserving the Royal Residence of Dowlatabad-e Borkhar in Isfahan Saeed Amirhajloo	65
Shiraz Poustachi Tepe; Strengths, weaknesses, opportunities and threats with a vision of sustainable urban development Hassanali Arab and Alireza Sardari	66
Genesis and the Formation of the Dalma Tepe Culture Veli Bakhshaliyev	67
An Analysis of the Symbolism in Gilgamesh Image in Lorestan Bronze Art Zahra Cheraghi et al.	68
Recovering Regional Identity or Contemporary Study Challenges: The Nature of Historical Dynasties of the First Millennium BC in Northeast Iran and Greater Khorasan Mohammad Sadegh Davari and Hassan Basafa	69
Archaeological Studies as a Way to Increase Cultural Ties in Sistan and Baluchestan Province Razieh Ebrahimi and Javad Alaei Moghadam	70
Evaluation the Economic and Social Characteristics of Sustainable Development in the Residential Buildings of Qajar Period in Ashtiyan Nayyer Hajitaher and Saeed Amirhajloo	71
Studying Regional and Transregional Cultural Ties in the Parthian Architecture Elahe Heydari Karbaski and Zohreh Jozi	72
Archaeological Heritage Management: Some Experiences from Sialk, Iran Javad Hoseinzadeh Sadati	73

Temporal Pattern of Dental Caries at the Western Flank of the Central Plateau of Iran	
Tabasom Ilkhan et al.	74
Cultural Connections Between Daman River Basin in Baluchistan of Iran and Adjacent Regions in the Bronze Age Based on the Typology of Pottery in the Site of Shahr-e Deraz	
Mohammad Keikha et al.	75
Tourism Perspective of the Site - Museum of Tang Gharghab Petroglyphs	
Mohammad Reza Khansari et al.	77
Investigating the Effect of People's Historical and Cultural Awareness on the Preservation of Ancient Sites (Case study: Archaeological sites of Mahallat city)	
Neda Khorasani and Javad Alaei moghadam	78
The Impact of the Environment of Sistan Region on the Architecture of the Achaemenid Site of Dahaneh-Gholaman	
Katauon kianpour	79
Archaeological Discoveries in the Surên Mountain and its Foothills (Preliminary Report from 2016-2021 Fieldworks)	
DLshad A. Marf Zamua and Amanj M. Amin	80
Cultural connection between Elamites and Achaemenids based on archaeological data	
Alireza Mesforoush	81
Minarets in the Kurdistan Region (An archaeological Comparative Study)	
Ali Hijran Mohammad and Zryan Salar Hama Aref	82
Dams and Challenges of Preserving Archaeological Monuments	
Hamed Molaei Kordshouli and Hamid Tabatabaee Mohammadi	83
Chinese - Iranian Trade Interactions: A Study Based on the Celadon Distribution in Iran during Islamic Period	
Majid Montazer Zohouri	84
A Comparative Study of the Agricultural Landscape in the Three Gardens of Akbari, Finn and Shahzadeh	
Saeedeh Morad Zadeh Mirzaee, Seyyed Mohammad Reza Khalilnezhad, and Saman Farzin	85
Political Archaeology: Shahr-i Sokhta Excavations and Some Critics on Postcolonial Implications of Archaeology in Iran	
Hossein Moradi	86
Archaeology and the Century of Horror	
Hassan Musavi-Sharghi	87
Iranian Archaeological Collections Stored in the United States: Current Conditions and Future Prospects	
Kyle Olson	88

Garmaser (Garmasser) During the Post-Kassite Period from 1162-911 B.C Rafida A. Abdelsamad Al-Qaradaghi and Aram Ali Hama Amin	89
An Investigating on the Pattern of Destruction of Dalma Sites in Western Iran: The Importance of Awareness and the Necessity of Salvation Roghayeh Rahimi Sorkhani	90
Preservation Experiences and Actions at the Chogha Zanbil World Heritage Site and Cultural Tourism Perspectives in the Future Atefe Rashnui and Mehrnoush Zade Dabagh	91
The Lost City of Helwan Shwan Mohammad Saber, Zryan Salar Hama Aref, and Mohammad Masoomian	92
The Characteristics of Architecture in hawraman; Porches (Eyvan) and Windows as a Case Study Zryan Salar Hama Aref and Shwan Mohammad Saber	93
A Discussion about the Transition from the Kushan to Sassanid Periods in Eastern Iran Based on Archaeological Data Behzad Sedaghati	94
Investigation of the Dimensions of Diagenesis Challenge in the Tissue of Ancient Skeletons in Order to Protect and Manage Cultural Heritage and Archaeological Sites; Relying on Global Experiences: Case Study of Ancient Teeth of the Inhabitants of the Ancient Cemetery of Gohar Tappeh Fahime Sheikhshoae	95
The Role of Museums in the Cultural identity of Society Bitasodaei	96
From the Gorgan Wall to the Caspian Gates in the Caucasus: Post-Excavation Work and Publication of our Joint Project on the Northern Defenses of the Sasanian Empire Eberhard W. Sauer, Jebrael Nokandeh, and Hamid Omrani Rekavandi	97
Archaeology Museums and Their Visitors (Iraqi Kurdistan as a Case Study) Othman Tawfeeq Fattah	99

مقدمه

در ابتدای این نوشتار درود خواهیم فرستاد به روان پاک درگذشتگان باستان‌شناسی کشور به ویژه زنده یاد استاد میرعبیدین کابلی از پژوهشکده باستان‌شناسی، استاد دکتر مسعود گلزاری و زنده‌یاد استاد دکتر حسن طلایی و استاد بزرگ کشور و مَلکِ مَلکِ باستان‌شناسی ایران، روان‌شاد دکتر ملک شه‌میرزادی. نبود این عزیزان که در زمان آغاز به کار هیأت مدیره جدید انجمن علمی باستان‌شناسی ایران رخ داد، غم بزرگی را بر جانمان نشانده، اما چه بایست کرد! تنها این پیام ایزد یکتاست که مایه آرامشمان است که فرمود: «هرگاه مصیبتی به شما وارد آمد بگویید ما از او بییم و به سوی او باز میگردیم...»^۱

دومین همایش دوسالانه بین‌المللی انجمن علمی باستان‌شناسی ایران با حضور پژوهشگران، دانشجویان، پیشکسوتان و استادان محترم باستان‌شناسی دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی سراسر کشور، نخبگان محترم عرصه فرهنگ در رشته‌های معماری، مرمت، گردشگری و سایر علوم میان رشته‌ای و نیز باستان‌شناسی از کشورهای همجوار؛ عراق، افغانستان و آذربایجان و دیگر کشورهای دنیا از امریکا، انگلستان، فرانسه، لهستان، و نیز باستان‌شناسان دانشگاه سلیمانی کردستان عراق در روزهای سه‌شنبه و چهارشنبه به تاریخ ۱۲ و ۱۳ آبان‌ماه سال ۱۴۰۰ با عنوان «باستان‌شناسی، مردم و مدیریت میراث فرهنگی در ایران و انیران» در دانشگاه تربیت مدرس و به صورت مجازی برگزار شد.

به رسم ادب، نخست از همه شرکت‌کنندگان محترم و نیز نهادهای دانشگاهی، مسئولان، کارشناسان و اعضاء هیات علمی وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی کشور، پژوهشگاه میراث فرهنگی و صنایع دستی، پژوهشکده باستان‌شناسی کشور و دیگر نهادهای پژوهشی و علمی کشور تشکر و قدردانی بعمل می‌آید. همچنین از اعضاء فرهیخته انجمن علمی باستان‌شناسی کشور و اعضاء محترم هیأت مدیره‌های قبلی آن که بستر لازم را برای فعالیت دور پنجم انجمن فراهم کردند و نیز از جناب آقای استاد دکتر سید مهدی موسوی کوهپیر، به عنوان بنیان‌گذار انجمن علمی باستان‌شناسی که همواره در باستان‌شناسی ایران منشاء خیر و اقدامات علمی ارزنده هستند، کمال تشکر را داریم.

^۱ - وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ (سوره بقره، آیه ۱۵۶)

انجمن علمی باستان‌شناسی ایران، نخستین همایش دوسالانه خود را در آذر ۱۳۹۸ با عنوان «نخستین همایش دوسالانه بین‌المللی انجمن علمی باستان‌شناسی ایران؛ برهم‌کنش‌های فرهنگی، پیوست و گسست» برگزار کرد. در نخستین همایش انجمن، شمار زیادی از استادان، دانشجویان و دانش‌پژوهان ایرانی و ایرانی به منظور آگاهی از آخرین دستاوردهای علمی و پژوهشی باستان‌شناسی و بررسی چالش‌ها، آسیب‌ها و فرصت‌های پیش روی باستان‌شناسی ایران گرد هم آمدند. در همایش نخست بر محورهایی همچون «تعاملات و برهم‌کنش‌های درونی ایران»، «برهم‌کنش‌های ایران، قفقاز و آسیای کهن»، «برهم‌کنش‌های ایران و میان‌رودان»، «نویافته‌های باستان‌شناختی ایران»، «برهم‌کنش‌های منطقه خلیج فارس»، «برهم‌کنش‌های ایران و دره سند» و «برهم‌کنش‌های ایران و فرارودان» تأکید شده بود.

اما درباره این همایش بایست نکاتی را برای تشریح دلایل، ضرورت و اهداف آن اشاره کرد. با توجه به اهمیت مدیریت و حفاظت میراث فرهنگی و لزوم توسعه رویکرد «باستان‌شناسی برای مردم» و آگاه‌سازی عموم مردم درباره ضرورت‌ها و اهداف باستان‌شناسی و حفاظت میراث فرهنگی، عنوان «**باستان‌شناسی، مردم و مدیریت میراث فرهنگی در ایران و انیران**» برای همایش دوم انجمن برگزیده شد. باید تأکید کرد که انجمن در این همایش تلاش نموده تا زمینه هم‌افزایی و همکاری میان باستان‌شناسان و مردم و به ویژه متخصصان علوم دیگر در جهت حفاظت از آثار ارزشمند میراث فرهنگی کشور را با رویکردهای مختلف، از طریق ارائه سخنرانی از زبان دانشمندان و دانش‌پژوهان عزیز فراهم آورد.

در طی دو روز تلاش شد تا با استفاده از تجارب همکاران پیشکسوت و باستان‌شناسان داخلی و خارجی و نیز متخصصان میان‌رشته‌ای مرتبط، آخرین نتایج تحقیقات انجام شده پیرامون محورهای همایش بیان گردد. بر این اساس توجه به رابطه میان باستان‌شناسی و مردم به عنوان محور اول در همایش مورد توجه قرار گرفت. ارتباط باستان‌شناسی و مردم یک رابطه دوطرفه و مبتنی بر تبادل اطلاعات و آگاهی‌بخشی عمومی از سوی باستان‌شناسان است و ثمره آن منتفع کردن مردم از منظر فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی است. در این محور مقالات ارزشمندی در همایش عرضه شد. بایست توجه داشت که ما چه بخواهیم و چه نخواهیم مردم متولی اصلی آثار فرهنگی هر کشوری بوده و همچنان خواهند بود. لذا توجه به این موضوع به ویژه در کشور ما ایران اهمیتی دوچندان دارد. مشکل اصلی در این بخش به نظر در عدم آگاهی در بخشی از مردم جامعه ایرانی است که همین مسأله متأسفانه خطرات جدی برای میراث فرهنگی به وجود آورده است. آگاهی‌بخشی از سنین کودکی به همراه آموزش درست بدون در نظر داشتن باستان‌شناسان باعث شده تا تصور گنج از گذشته بر بینش عمیق فرهنگی و آثار باستانی ایران چیره شود و حتی برای تبلیغات کالاها در رسانه ملی بدون توجه به عواقب آن به شکل مستقیم گنج‌یابی ترویج شود.

محور دوم همایش بر توسعه پایدار از طریق صنعت پاک انتخاب شد که گردشگری فرهنگی یکی از این موارد است. اما بستر این گردشگری را در کشوری با فرهنگ چند هزارساله و تمدنی جهانی، چه کسانی بایست در جامعه ایجاد کنند؟ حذف باستان‌شناسی از چرخه گردشگری فرهنگی باعث شده تا هزینه‌های سنگینی بر کشور وارد شود. از طرفی از بین بردن پیشینه درخشان و کمتر توجه شده مهندسی منابع آب و توسعه آنها بدون توجه به هویت فرهنگی و باستان‌شناسی آن، از جمله در قنات و بندها و سدهای تاریخی کهن که همچنان در حال بهره‌برداری هستند و مرمت و احیاء آنها ضروری است، باعث شد تا بار دیگر بدون حضور باستان‌شناسان، تصمیمی

منطقی در جهت حفظ هویت فرهنگی این آثار گرفته نشود و این مسأله زمینه نابودی بخش عظیمی از آثار تاریخی را فراهم نموده یا حتی از بین برده است! چالش‌های باستان‌شناسی امروز در مواجهه با جامعه از یک سو و در خطر قرار گرفتن محوطه‌های مهم در پروژه‌های بزرگ و کوچک بدون توجه به ارزش آنها و فرسوده خواندن بافت‌های تاریخی کشور از سوی بالاترین مراجع فرهنگی کشور! از سوی دیگر، جامعه باستان‌شناسی، مرمتگران و معماران را شگفت‌زده کرده است!

اما محور مهم باستان‌شناسی و هویت‌های ملی و منطقه‌ای از یک سو و پیوندهای فرهنگی بر پایه داده‌های باستان‌شناختی از سوی دیگر، بدون فراهم شدن بستر لازم برای فعالیت‌های فرهنگی، «آب در هاون کوبیدن» است. مشکلات نام جعلی خلیج فارس و کاوش‌های گسترده و فرهنگ‌سازی در کشورهای منطقه که از آن به دزدی فرهنگی یاد می‌شود و از بین بردن بسیاری از سوابق درخشان تاریخی سواحل با گسترش تشکیلات پتروشیمی و نفت که نمونه بارز آن ساخت کارخانه پتروشیمی روی بقایای بندر باستانی نجیرم آنهم با نام کهن سیراف! انجام شده، بسیار شگفت‌انگیز است!

نامحرم دانستن باستان‌شناسان در تشکیلات کلان کشور و پنداشتن این که «جامعه باستان‌شناسی مانع است» و «بایست صدای آن را نشنید!» فاجعه‌ای بزرگ را رقم زده است. در شگفتیم از مسئولان فرهنگی که روز را شب می‌پندارند و بدون توجه به راهکارهای تخصصی، به دنبال حذف صورت مسأله هستند! از یک سو نمادهای کهن ایرانی اسلامی را در شهرها بازسازی می‌کنند و از سوی دیگر خود این نمادها و محوطه‌ها و شناسنامه‌های ایرانی را با بی‌توجهی نابود!

امروزه حفاظت و مدیریت محوطه‌های باستانی در دنیا تجارب گران‌سنگی را رقم زده است که با اندکی تغییر، می‌تواند در این پهنه فرهنگی به کمک باستان‌شناسان با محوریت متخصصان دیگر علوم از آنها استفاده نمود. امری که متأسفانه کم به آن توجه می‌شود. گردشگری فرهنگی بر پایه آگاهی‌های محوری و اصولی باستان‌شناسانه و البته با کمک سایر علوم، مغفول دیگری در زمینه فرهنگی کشور است. پاسخ به این پرسش‌ها، چالش‌ها و راهکارهای مقابله با آن، بخشی از نتایج پژوهش سخنوران و شرکت‌کنندگان در این همایش است که در محور خود بدان پرداخته شد.

در آخر بایست متذکر شوم به عکس گسترش باستان‌شناسی در دانشگاه‌های کشور و مراکز آموزشی آن در بیش از ۲۵ دانشگاه دولتی و آزاد و علمی کاربردی، جایگاه این رشته در میان مردم هنوز نه به سطح خوب خود! و بلکه به سطح مطلوب هم نرسیده است! این چالش با فراچالش دیگری به نام مدیرنماهایی که پست‌های تخصصی را در اختیار دارند! باعث شده وضعیت در این حوزه دچار بحران و آشفتگی تصمیم‌گیری گردد. تازه‌واردان در این حوزه، به جای خویشتن‌داری و استفاده از مشورت پیشکسوتان و متخصصان این رشته که سال‌ها خاک فرهنگ را خورده‌اند، با انجام مصاحبه‌ها و صدور دستورالعمل‌ها و قوانین حتی گاهی نامرتب که در آن سطح عملیاتی متولیان فرهنگی یا نادیده گرفته شده یا در پایین‌ترین حق رأی قرار گرفته! هزینه‌های سنگینی را بر میراث بزرگ فرهنگی ایران به عنوان تنها «*افتخار تمام بومی ایرانی و غیرقابل تکرار است*» تحمیل کرده‌اند!

این تصمیمات باعث شد تا انجمن علمی باستان‌شناسی در ادامه فعالیت‌های پیشین، ضمن رصد وقایع، از طریق بیانیه، نامه و دیگر اقدامات قانونی، پیگیری امور را انجام و زنگ خطر را برای متولیان فرهنگی کشور به

صدا در آورد! امروز ناچاریم علی‌رغم میل باطنی‌مان، این هشدار را بدهیم که اگر توجهی به بدنه کارشناسی وزارتخانه میراث و کارشناسان مستقل و استادان دانشگاه نشود، متولیان جدید فرهنگی کشور همان راه کسانی را خواهند رفت که پیش از این رفتند و وضعیتشان معلوم و هزینه‌های سنگینی را متوجه نظام مقدس اسلامی ایران کردند. امید که چنین نباشد!

در پایان بار دیگر به مدیران فرهنگی کشور تأکید خواهم داشت که ایجاد قوانین دست و پاگیر و نامحرم پنداشتن باستان‌شناسان کشور در مطالعه و تحقیق آثار باستانی که نزدیک‌ترین محرم به آن و خود متولی و کاشف هستند و ایجاد مانع میان تحقیق و پژوهش، خسران بزرگی را متوجه فرهنگ این سرزمین خواهد کرد! پژوهش درباره این آثار که انعکاس‌دهنده فرهنگ گذشته مردمان این سرزمین است، وظیفه ذاتی باستان‌شناسی و باستان‌شناسان با کمک سایر علوم است و این امری بدیهی است. امید است که بار دیگر شور و اشتیاق در تحقیق، معرفی و حفاظت از این آثار ارزشمند که اساس و بن‌مایه کاخ رفیع فرهنگ ایرانی و اسلامی است با کمک متولیان امر فراهم و زمینه اشتغال انبوه باستان‌شناسان فارغ‌التحصیل دانشگاه در مقاطع کارشناسی و تحصیلات تکمیلی در دستگاه‌های اجرایی کشور و به ویژه وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، آموزش و پرورش و دیگر نهادهای اداری فراهم و قوانین استخدامی پیشین و محدودیت‌های آن مورد بازنگری قرار گیرد.

محمد اسماعیل اسمعیلی جلودار

رئیس و عضو هیأت مدیره انجمن علمی باستان‌شناسی ایران

و دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران

بررسی نقش مطالعات باستان‌شناسی در اتمام منازعات سیاسی منطقه‌ای و حراست از میراث ملی (مطالعه موردی: مسأله خلیج فارس)

سمیرا ابدالی

(دانش‌آموخته باستان‌شناسی دانشگاه بیرجند، Samiraabdali24@gmail.com)

سکینه طهماسبی

(دانش‌آموخته باستان‌شناسی دانشگاه شهرکرد)

چکیده

منطقه خاورمیانه به دلیل موقعیت استراتژیک و خاص، همواره مورد توجه دولت‌ها و قدرت‌های بزرگ بوده است. علاوه بر آن، وجود منابع انرژی فسیلی بر اهمیت آن افزوده است. البته اهمیت این منطقه تنها به علت منابع انرژی نیست، بلکه این منطقه از هزاره‌های قبل از میلاد و از زمان شکل‌گیری اولین شهرها در بین‌النهرین و شروع تجارت با مناطق دوردست، آب‌های خلیج فارس و تجارت دریایی از طریق آن، همواره مورد توجه ساکنان منطقه قرار داشته است. خلیج فارس از هزاره‌های پیش، بخشی از سرزمین ایران محسوب می‌شد و قدیمی‌ترین نام رسمی آن گواه این مطلب است. به طوری که در تمام منابع و نقشه‌های کهن از آن با عنوان دریای پارس یا شاخاب پارس یاد شده است. در سده اخیر و پس از تشکیل دولت‌های جوان عرب در جنوب و غرب خلیج فارس، یکی از منازعات سیاسی - فرهنگی منطقه، در پی تحریف نام خلیج فارس، با عناوینی چون «خلیج عرب» و «خلیج» شکل گرفته است و همسایگان عرب‌زبان با صرف هزینه‌های گزاف سعی بر این تحریف بزرگ تاریخی نموده‌اند. هر چند این مسأله در دهه‌های گذشته و با تلاش محققان و باستان‌شناسان ایرانی و خارجی حقیقت‌جو بررسی شده و خط بطلانی بر چنین تحریف تاریخی کشیده شده است، لیکن این ادعا که از حمایت سیاسی چندین کشور برخوردار بود، زنگ خطری است برای حراست از میراث فرهنگی، ملی و تاریخی کشور. در این میان، مطالعات باستان‌شناسی نقش انکارناپذیری دارد. در این مقاله که از پژوهش‌های بنیادی است، با روش توصیفی - تحلیلی و تاریخی، به بررسی مطالعات باستان‌شناسی منطقه خلیج فارس و تأثیر آن‌ها در حفظ و حراست از ارزش‌های میراث فرهنگی و ملی پرداخته شده است و سپس با تحلیل داده‌های موجود و نقد علمی برخی فعالیت‌ها، پیشنهادهای علمی به منظور هدفمند نمودن مطالعات باستان‌شناسی منطقه ارائه شده است.

واژگان کلیدی: مطالعات باستان‌شناسی، باستان‌شناسی سیاسی، خلیج فارس، هویت ملی، اصالت تاریخی.

مطالعات باستان‌شناسی؛ راهی برای افزایش پیوندهای فرهنگی در استان سیستان و بلوچستان

راضیه ابراهیمی

(دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه مازندران، Raziyehe.ebrahimi70@gmail.com)

جواد علایی مقدم

(استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه زابل)

چکیده

ایران سرزمینی متشکل از اقوام گوناگون است که هر یک با به اشتراک گذاشتن میراثی گران‌بها از خود، فرهنگ ایرانی را شکل داده‌اند؛ فرهنگی که در طی هزاران سال و با وجود هجوم‌های حکومت‌های دیگر، ایستایی و انسجام خود را حفظ نموده است. در سده‌های گذشته، با بی‌کفایتی برخی حکومت‌های ایرانی و هم‌زمان نفوذ استعمار غربی که در راستای استیلای خود بر سرزمین پهناور ایران، سعی در ایجاد اختلاف‌های قومی و مذهبی نمود، هجده‌هایی بر وحدت ملی ایران شد که با وجود قطع دست دولت‌های استعمارگر در سده اخیر، آثار و تبعات برخی اقدامات آن‌ها هنوز به چشم می‌خورد. یکی از مناطق ایران که این مسأله در آن دیده می‌شود، استان سیستان و بلوچستان است. این استان متشکل از دو قوم اصلی بلوچ و سیستانی است که در حال حاضر از سه منظر قومی، زبانی و مذهبی با یکدیگر دارای تفاوت‌هایی هستند. این تفاوت‌ها که در طی قرن‌ها به‌صورت ارتباط تنگاتنگ فرهنگی و اقتصادی آثار مخرب چندانی نداشت، امروزه به یکی از معضلات فرهنگی منطقه و عاملی برای اختلافات تبدیل شده است. این معضل، ریشه در فراموشی ارتباطات فرهنگی و سازنده این دو منطقه دارد. در این مقاله نگارندگان بر آنند تا با استفاده از شیوه توصیفی - تحلیلی و مطالعات تاریخی و باستان‌شناسی و با استناد به داده‌های گردآوری شده به روش کتابخانه‌ای، به مطالعه شباهت‌ها و ارتباطات فرهنگی و اجتماعی دو منطقه سیستان و بلوچستان همت گماشته و به تبیین مفهوم هویت و نشان فرهنگی و اهمیت آن در بین این اقوام بر اساس مطالعات باستان‌شناسی و نقش سازنده این ارتباط در اعتلای فرهنگی هر دو قوم بلوچ و سیستانی بپردازند.

واژگان کلیدی: مطالعات باستان‌شناسی، سیستان و بلوچستان، پیوندهای فرهنگی، اشتراکات تاریخی، توسعه فرهنگی.

آشوری کردن زاگرس در دانش مدرن

کوزاد احمد

(رییس بخش باستان‌شناسی دانشگاه سلیمانیه، کردستان عراق، kozad.ahmad@univsul.edu.iq)

چکیده

منطقه زاگرس در مرکز خاور نزدیک باستان قرار گرفته و از زمان‌های بسیار قدیم خانه اقوام مختلفی بوده است. اما در هزاره اول قبل از میلاد عمدتاً اقوام هندو ایرانی در آن ساکن شده‌اند. این ناحیه به‌عنوان هدف اصلی قدرت‌های بزرگ همسایه، به‌ویژه از بین‌النهرینی‌ها، در معرض ایجاد مستعمرات (در هزاره‌های سوم و دوم پیش از میلاد) و استان‌های اداری در هزاره اول توسط آشوری‌ها قرار گرفت. این موضوع باعث شده برخی به این نتیجه برسند که در پی الحاق ناحیه زاگرس به امپراتوری آشوری و گاه تحت حکومت فرمانروایان آشوری، بخش‌هایی از این ناحیه، آشوری شده است. با این حال، بر پایه داده‌های مکتوب و مادی که از کتیبه‌ها و کاوش‌های باستان‌شناسی به‌دست می‌آید، پذیرش این موضوع دشوار است. این مقاله کوتاه سعی در اصلاح این دیدگاه دارد.

واژگان کلیدی: دانش نوین، زاگرس، استان‌های آشوری، بین‌النهرین.

فعالیت‌های باستان‌شناسی در کردستان عراق

کوزاد احمد

(رئیس بخش باستان‌شناسی دانشگاه سلیمانی، کردستان عراق، kozad.ahmad@univsul.edu.iq)

چکیده

فعالیت‌های باستان‌شناسی در کردستان عراق با حضور شرق‌شناسان غربی و نمایندگان سیاسی آنها شروع شد و سپس با حضور باستان‌شناسان غربی تداوم یافت. پس از آن، باستان‌شناسان بومی و دانشگاه‌های منطقه‌ای، این مطالعات را گسترش دادند. نخستین کسی که از آثار این منطقه بازدید کرد، سرهنری راولینسون بود. در رابطه با منطقه کردستان عراق، هرتسفلد چند کتاب در سال‌های ۱۹۱۱ و ۱۹۲۴ منتشر کرد. همچنین دروتی گارود در سال ۱۹۲۸، کتابی را دربارهٔ کاوش‌های باستان‌شناسی غار هزار مرد و زارزی منتشر کرد. در فاصله سال‌های ۱۹۴۰ تا ۱۹۶۰ نیز کتاب‌هایی با موضوع پروژه جارمو توسط بریدوود و تیمش نوشته شد. همچنین رالف سوالکی دربارهٔ پروژه غار شانیدار کتاب‌ها و مقاله‌های متعددی را منتشر کرد. در ادامه و از سال‌های ۱۹۹۰ به بعد، فعالیت باستان‌شناسان بومی گسترش یافت و بعد از سال ۲۰۰۳، فعالیت‌هایی همچون کاوش‌های باستان‌شناسی و نجات‌بخشی به شکل مستقل یا مشترک با هیأت‌های خارجی ادامه پیدا کرد. این مطالعات بیشتر توسط باستان‌شناسان و دانشگاه‌های بومی و با همکاری گروه‌های مشترک خارجی همچنان ادامه دارد.

از آشیان شاهی تا بیابان تباهی ضرورت و راهکارهای حفظ محوطه و اقامتگاه شاهی دولت‌آباد بُر خوار در اصفهان

سعید امیرحاجلو

(استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس، s.amirhajloo@modares.ac.ir)

چکیده

حمایت شاهان صفوی به‌ویژه شاه عباس اول از شهرسازی و فعالیت‌های عمرانی، نقطه عطفی در تاریخ شهرسازی و معماری ایران بود. شاه عباس اول افزون بر گسترش شهرها و روستاهای پیشین و ساخت شهرها یا شهرک‌های جدید با اهداف اقتصادی، سیاسی و دینی، به برنامه‌های سازندگی مهمی همچون ساخت بهسازی راه‌ها و بناهای میان‌راهی اقدام کرد. ساخت راه شاهی کویر از جمله این برنامه‌ها بود و شماری منزل میان‌راهی در مسیر آن پایه‌گذاری شد. قریه دولت‌آباد در شمال اصفهان یکی از این منازل میان‌راهی بود که مورد استفاده سلاطین صفوی قرار می‌گرفت؛ اما بیش از یک سده قبل متروک شد و امروزه، عرصه و حریم محوطه در معرض نابودی است. مسئله اصلی این مقاله، چگونگی گسترش و افول دولت‌آباد و ضرورت و راهکارهای حفظ آن است. بر این اساس، هدف از این مقاله معرفی دولت‌آباد به‌عنوان روستا یا شهرکی نوین در دوره صفوی، تبیین تحولات آن در ارتباط با رخدادهای سیاسی و اجتماعی و بررسی راهکارهای حفظ این محوطه تاریخی کمتر شناخته‌شده است. داده‌ها به روش‌های میدانی و اسنادی گردآوری شده و ضمن توصیف و مستندنگاری شواهد باستان‌شناسی محوطه، تلاش شده بر پایه وضعیت و شرایط اجتماعی و فرهنگی، راهکارها و ضوابط حفظ محوطه تبیین شود. نتایج نشان می‌دهد دولت‌آباد به‌عنوان روستا یا شهرکی که فضا و بافت آن تلفیقی از کارکرد عناصر شاهانه و جامعه عوام است، نقش مهمی در شبکه راه‌های شمال اصفهان در دوره صفوی داشت. حفظ و شناخت این محوطه تاریخی، دانسته‌های افزون‌تری درباره طبقات اجتماعی عصر صفوی، نقش و کارکرد روستاهای حاشیه‌ای شهر اصفهان و پیوند آن با پایتخت در اختیار قرار می‌دهد؛ بنابراین باید «تشخیص؛ ارزیابی وضعیت فعلی و پیشین محوطه»، «مداخله؛ بهسازی» و «پایش؛ تأثیر مداخلات، نگهداری و شرایط حفاظت» به‌عنوان فرایند حفظ محوطه مورد توجه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: روستای تاریخی، دوره صفوی، شاه عباس اول، دولت‌آباد، اقامتگاه شاهی.

مجموعه آثار ایرانی در آمریکا: وضعیت حاضر و امکانات آینده

کایل اولسون

دانشگاه پنسیلوانیا، بخش مردم‌شناسی
(kols@sas.upenn.edu)

چکیده

مجموعه‌های بزرگی از آثار باستانی ایران در موزه‌های دائمی در ایالات متحده آمریکا از جمله موزه‌های دانشگاهی، موزه‌های هنرهای زیبا، موزه‌های تاریخ طبیعی و مجموعه‌های خصوصی نگهداری می‌شوند. بزرگ‌ترین این مجموعه‌ها در پی کاوش‌های باستان‌شناسی با بودجه آمریکا کشف شد. در واقع، این آثار نتیجه تقسیم اشیاء حاصل از کاوش‌هایی است که میان سال‌های ۱۹۳۰ و ۱۹۶۰ مطابق با لایحه حفاظت از آثار ملی سال ۱۳۰۹ ایران به دست آمد. مطالعات قابل توجهی در ایالات متحده برای تحلیل و انتشار این مجموعه‌ها، چه به صورت چاپی و چه به شکل دیجیتال یا برخط در حال انجام است. این مقاله به وضعیت فعلی مجموعه‌های باستان‌شناسی ایرانی نگهداری شده در ایالات متحده می‌پردازد و این سوال را مطرح می‌کند که نیازهای محققان ایرانی که می‌خواهند به این مجموعه‌ها دسترسی داشته باشند، چیست و باستان‌شناسان آمریکایی چگونه می‌توانند برای رفع این نیازها تلاش کنند؟ مطمئناً این یک پرسش بزرگ است و در یک مقاله نمی‌توان به آن پاسخ داد، اما هدف اصلی این است که گفتگوی بین‌المللی آغاز یابد و تداوم داشته باشد.

واژگان کلیدی: باستان‌شناسی، ایران، مجموعه‌های باستان‌شناختی، آمریکا.

بررسی تأثیر و تأثرات فرهنگی ایران و یونان در دوران هخامنشی بر پایه مطالعات تطبیقی و تاریخی

رضوانه اویسی

(دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه مازندران، oveisirezvaneh@gmail.com)

جواد علایی مقدم

(استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه زابل)

چکیده

ارتباطات فرهنگی یکی از شاخصه‌های اصلی جوامع بشری است که در طول هزاران سال شکل گرفته، تغییر نموده و بر ساختار جوامع مختلف تأثیرات گوناگونی گذاشته است. میزان و جهت غالب این ارتباطات از جنبه‌های مختلف، یکنواخت نیست و تحت تأثیر عوامل گوناگون اجتماعی، سیاسی و اقتصادی قرار دارد. یکی از دوره‌های طلایی ایران، عصر امپراتوری هخامنشی است که برای اولین بار، حکومتی گسترده مشکل از ملل مختلف شکل گرفت. این امپراتوری بیش از دو قرن بر بیشتر ملل متمدن روزگار خود حکومت نمود و تأثیر بسیاری از هنر و فرهنگ آن‌ها گرفت و فرهنگ خاص خود را عرضه داشت. یکی از این ملل که در برخورد مستقیم با هخامنشیان بود و ارتباط آن‌ها در جنبه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دارای فراز و نشیب‌های فراوان شد، یونانیان بودند. تعامل و تقابل هخامنشیان و یونانیان تأثیر مستقیمی بر فرهنگ و تمدن هر دو گذاشت به نحوی که نمود آن را می‌توان در آثار معماری و هنری هر دو دید. هدف از این مقاله، بررسی نتایج این تأثیر و تأثرات فرهنگی در طول بیش از دو قرن، از نیمه سده ششم ق.م تا اواخر سده چهارم ق.م و همچنین تغییرات حاصل از فرآیند تغییر جهت نفوذ ارتباطات فرهنگی و علل آن است. این پژوهش که بر اساس هدف از نوع پژوهش‌های بنیادی و از نظر ماهیت و روش، پژوهشی توصیفی - تحلیلی و تاریخی است، بر داده‌های اسنادی و مطالعات تطبیقی تکیه دارد. نتایج این مقاله بیانگر تغییر مداوم در جهت انتقال فرهنگ میان هخامنشیان و یونانیان، تحت تأثیر روابط سیاسی و اقتصادی است.

واژگان کلیدی: ارتباطات فرهنگی، تمدن هخامنشی، یونانیان، عوامل سیاسی، بازخورد هنری.

الگوی پوسیدگی دندان‌ها در بخش غربی فلات مرکزی ایران

تبسم ایلخان

(دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه سایمون فریزر، tabasom_ilkhan@sfu.ca)

یوانا تربیکا (مرکز تحقیقات جنوب شرقی اروپا، دانشگاه ورشو)

جواد حسین زاده (استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه کاشان)

علی شجاعی اصفهانی (استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه هنر اصفهان)

بابک رفیعی علوی (استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه هنر اصفهان)

حسنعلی عرب (استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه هنر شیراز)

علیرضا سرداری (استادیار باستان‌شناسی پژوهشکده باستان‌شناسی کشور)

آرکادیوش سولتشیباک (دانشگاه ورشو، لهستان)

چکیده

پوسیدگی دندان یک بیماری عفونی است که در اثر تعامل میان میکروبیوتای اسیدوفیلیک (اسید دوست) در حفره دهان و رژیم غذایی غنی از کربوهیدرات‌های قابل تخمیر در انسان ایجاد می‌شود. معمولاً بررسی فراوانی و الگوی پوسیدگی دندان به‌عنوان شاخص‌هایی در تفسیر رژیم غذایی و رفتار گروه‌های انسانی در گذشته مورد استفاده قرار می‌گیرند. در این پژوهش، فراوانی کلی و الگوهای میان - دندانی پوسیدگی دندان در سه محوطه باستانی واقع در غرب فلات مرکزی ایران مقایسه می‌شوند: تپه پوستچی (قبرستان متأخر اسلامی)، استرک (گورستان اواخر عصر مفرغ و عصر آهن) و کفرود - ورزنه (مجموعه محوطه‌های عصر مفرغ قدیم). تفاوت قابل توجهی در فراوانی کلی الگوی پوسیدگی دندان در میان این سه محوطه مشاهده نشده، اما استرک از نظر الگوی میان - دندانی و محل اولیه تخریب (اکلوژن در مقابل اینتر پروکسیمال) با دو محل دیگر متفاوت است. این نتیجه می‌تواند بر اثر تفاوت‌ها در رژیم غذایی و شیوه جویدن متفاوت میان دامپروران در استرک و کشاورزان در دو مکان دیگر باشد. در نهایت، این مطالعه نشان می‌دهد بررسی فراوانی کلی پوسیدگی دندان، نمی‌تواند به‌تنهایی به عنوان فاکتوری برای مشخص کردن شیوه معیشتی در نظر گرفته شود، بلکه شاخصه‌های دیگری همچون الگوهای میان - دندانی باید مورد بررسی و توجه قرار گیرند.

واژگان کلیدی: پوسیدگی دندان، الگوهای میان - دندانی، کفرود - ورزنه، استرک، تپه پوستچی.

باستان‌شناسی صنعتی؛ رویکردی در جهت حفظ میراث صنعتی شهرها (نمونه موردی کارخانه نساجی پارس سمنان)

حمیده بنیادی

(دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه تهران، hamideh.bonyadi@ut.ac.ir)

سید مصطفی نبوی چاشمی

(دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه تهران)

چکیده

شهر در بستر جغرافیا متولد می‌شود و با گذر زمان بر اساس نیازهای انسان شکل و هویت می‌گیرد و خاطرات جمعی در بستر آن رقم می‌خورد. ماندگاری این خاطرات و هویت در گرو حفظ و نگهداری آثار و فضاهایی است که از گذشته باقی مانده‌اند و همواره با مطالعه آن‌ها می‌توان به حافظه تاریخی آن شهر دسترسی پیدا کرد. در راستای این اهداف، رویکردهای باستان‌شناسی به کمک پژوهشگران آمده‌اند. از جمله این رویکردها می‌توان به باستان‌شناسی نظام صنعتی اشاره کرد که از سال ۱۹۵۰ آغاز شده است. در این رویکرد به مطالعه میراث صنعتی یک شهر پرداخته می‌شود و با مطالعه بقایای فیزیکی صنایع، اطلاعات تاریخی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی متأثر از صنعت شهری را در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد. در این پژوهش به مطالعه موردی کارخانه نساجی پارس سمنان پرداخته شده و تأثیراتی که این کارخانه بر تاریخ شهر سمنان رقم زده است، با کمک باستان‌شناسی نظام صنعتی بررسی شده است. از آنجا که این رویکرد نوپاست و اطلاعات مکتوب درباره محوطه‌های صنعتی کشور به‌ندرت در دسترس قرار دارند، در این پژوهش سعی شده با کمک منابع مکتوب، مصاحبه حضوری و همچنین تاریخ شفاهی این کارخانه، مسیر پژوهش در راستای هدف اصلی تعیین شود.

واژگان کلیدی: باستان‌شناسی نظام صنعتی، سمنان، انقلاب صنعتی، کارخانه، شهر.

مدیریت محوطه‌های باستانی با چشم‌انداز گردشگری و فرهنگی

کتایون پلاسعیدی

(دکتری باستان‌شناسی، استاد دانشگاه فرهنگ و هنر (sk.pelasaecedi@gmail.com)

محمد تهماش‌خان

(پژوهشگر، گروه باستان‌شناسی دانشگاه هزاره منبهره، پاکستان)

چکیده

از آنجا که صنعت توریسم و گردشگری با رشدی بی‌سابقه وارد هزاره سوم شده و در سیستم اقتصاد جهانی بر اهمیت آن روز به روز افزوده می‌شود، تردیدی نیست که همه کشورهای جهان تلاش کنند تا در رقابتی تنگاتنگ در پی بهره‌گیری بیشتر از مزایای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی برآمده و سهم بیشتری از درآمد و بالا بردن سطح اشتغال ناشی از بهینه‌سازی این صنعت خدماتی در کشور خود داشته باشند. سرزمین کهن ایران با توجه به پیشینه درخشان، غنای فرهنگی و تنوع و گستردگی شرایط اقلیمی و جغرافیایی سرشار از عناصر جذاب برای گردشگران فرهنگی است. این ویژگی‌ها، آن را در زمره معدود کشورهایی با ظرفیت بالای جذب توریسم فرهنگی قرار داده است. تبیین و توصیف این ویژگی در حیطه شناخت تمدنی ایران میسر نمی‌شود و بی‌تردید یک مدیریت پایدار و برنامه‌ریزی کلان مورد نیاز است. این برنامه‌ریزی در راستای نگرشی به موضوع سرمایه‌گذاری و هدایت سرمایه در آن امکان‌پذیر خواهد بود. چرا که سرمایه‌گذاری در محوطه‌های باستانی علاوه بر اینکه در ایجاد اشتغال و مقصد توسعه منطقه کمک می‌نماید، می‌تواند در رشد فرهنگی و شناخت هویت ملی نیز مفید واقع شود. از جمله نتایج این مقاله، ارائه راهکارها و نحوه آموزش مدیران، ارائه راهکارهایی برای جذب سرمایه‌گذاران و گردشگران ایرانی و خارجی، با الگو قرار دادن کشورهای موفق در صنعت گردشگری است.

واژگان کلیدی: مدیریت، گردشگری، محوطه‌های باستانی، سرمایه‌گذاران فرهنگی.

بررسی و معرفی محوطه‌های پیش از تاریخی پس کرانه‌های شمالی خلیج فارس (مطالعه موردی: شهرستان لامرد)

خلیل ترزبان

(کارشناس ارشد باستان‌شناسی، گرایش پیش از تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت،

Kh_tarzaban@yahoo.com)

چکیده

از شاخص‌ترین فرهنگ‌های پیش از تاریخ فارس می‌توان به فرهنگ روستانشینی در هزاره‌های پنجم و چهارم پیش از میلاد اشاره کرد که دوره تحولات فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی در این جوامع یکجانشین است. تاکنون بیشترین مطالعات این دوره درباره محوطه‌های دشت مرودشت بوده و دیگر محوطه‌های جنوبی و پس کرانه‌های شمالی خلیج فارس مهجور مانده است. در این مقاله، آثار هزاره‌های پنجم و چهارم پیش از میلاد در شهرستان‌های لامرد و مهر در جنوب استان فارس و در پس کرانه‌های شمالی خلیج فارس، مطالعه و بررسی شده‌اند. با توجه به نتایج بررسی‌های گذشته و اخیر می‌توان به هفت محوطه مربوط به دوران مس و سنگ (روستانشینی) در بردارنده فرهنگ باکون اشاره کرد که نیمی از آن در دشت و حوزه آبریز رودخانه علامرودشت و نیم دیگر در دشت لامرد و مهر در حوزه آبریز رودخانه مهران قرار دارد. بر این اساس، در این مقاله با توجه به عوامل جغرافیایی و زیست‌محیطی، نحوه پراکنش محوطه‌ها، اندازه آنها، مراتع، آب مناسب و مسیرهای طبیعی به بررسی و معرفی این محوطه‌ها پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: پیش از تاریخ، لامرد و علامرودشت، روستانشینی، فرهنگ باکون.

پدیدارشناسی نقاشی ایرانی در دوره ساسانی؛ با تکیه بر نقش مانی

مارال توشه اصل

(کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، mtosheasl@gmail.com)

بهر روز افخمی

(دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی)

زینب خسروی

(دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی)

چکیده

آنچه امروزه به‌عنوان سبک نقاشی ایرانی شناخته می‌شود، در زمان ساسانیان و با تأثیر از هنر مانویان شکل گرفت. مسأله اصلی این پژوهش بررسی نقاشی ایرانی با رویکردی پدیدارشناسانه است. در این نوع بررسی، هدف مراجعه به خود آثار و درک بی‌واسطه اثر هنری توسط مخاطب بدون در نظر گرفتن پیش‌فرض‌های تاریخی مدنظر است. بدین ترتیب مخاطب معاصر با رجوع به خود آثار و فارغ از تاریخ و هنرمند به وجود آورنده اثر، حسی را درک می‌کند که از دیدن این آثار پدیدار می‌شود و بی‌واسطه، افق جهان زیسته مخاطب با افق زیست جهان هنرمند ترکیب شده و دیالکتیک مخاطب و اثر هنری شکل می‌گیرد و در نهایت به آگاهی می‌انجامد. برای رسیدن به این نوع از آگاهی، روش پژوهش پدیدارشناسی، بیش از هر روش دیگری جوابگو است. پژوهش حاضر با رویکردی پدیدارشناسانه، سعی در فهم هر چه بیشتر سبک نقاشی ایرانی و پدیداری آن دارد و در پی پاسخ به این پرسش‌هاست: چه بستر فکری و اعتقادی در قرن سوم میلادی باعث شکل‌گیری دین و هنر مانوی شد و این هنر چه تأثیراتی بر هنر ساسانیان، امپراتوری حاکم بر ایران آن زمان، گذاشت؟ چرا این سبک از نقاشی توانست قرن‌ها به سبک نقاشی مختص ایرانی تبدیل شود و هنرمند ایرانی با این سبک با مخاطب خود ارتباط برقرار کند؟ یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که سبک نقاشی ایرانی که در دوره ساسانی با ترکیب هنر ساسانی و مانوی پدیدار شد، سبکی است که هم باورهای مانوی، هم زرتشتی و هم حتی اسلامی را می‌توان با آن بیان کرد. طوری که مخاطب پس از قرن‌ها با دیدن این آثار هم می‌تواند به سهولت پیام هنرمند را درک کند و هم جهان آرمانی خودش و خالق اثر را در یک قاب ببیند.

واژگان کلیدی: نقاشی ایرانی، پدیدارشناسی، مانی، هنر مانوی، نقاشی ساسانی.

تحلیلی بر نمادشناسی تصویر گیلگمش در هنر مفرغ لرستان

زهرا چراغی

(دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه محقق اردبیلی zahracheraghi751@gmail.com)

سید مهدی حسینی‌نیا

(دانش‌آموخته دکتری تخصصی دانشگاه محقق اردبیلی)

رضا رضالو

(دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی)

محمد اسکندری پویا

(دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه محقق اردبیلی)

محمد رضا چگنی

(دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه بوعلی‌سینا همدان)

چکیده

یکی از اشیاء تاریخی منطقه لرستان که هم اکنون، موزه‌های داخلی و خارجی را زینت بخشیده، اشیاء مفرغی است که از نظر نمادشناسی به چهار دسته نقوش حیوانی، گیاهی، انسانی و هندسی تقسیم می‌شوند. مطالعه این اشیاء نشانگر تداوم این نقوش به صورت سینه‌به‌سینه و نسل به نسل تا به امروز در آثار و صنایع امروز است. این نقوش به صورت هنرمندانه و با مهارت بیشتر ترسیم شده و هر یک از آن‌ها دارای بار معنایی و مفهومی بوده‌اند. شناخت و مطالعه این اشیاء اعتقادات و باورهای مردمان آن دوره را آشکار می‌سازد. هنر مفرغ‌سازی لرستان علاوه بر این که یک هنر بومی به شمار می‌رود، از هنر دیگر فرهنگ‌ها همچون بین‌النهرین، آشور و قفقاز نیز تأثیر گرفته است. تصاویر متعددی روی مفرغ‌های منطقه منعکس شده که یکی از آن‌ها نقش گیلگمش است. در این مقاله، تصویر گیلگمش از نظر نمادشناسی مورد مطالعه و ارتباط آن با باورهای منطقه مورد تحلیل قرار گرفته است. روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی و گردآوری مطالب با استفاده از منابع کتابخانه‌ای است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که نقش گیلگمش بر گردن زنان و آرايه‌ها، بیانگر نوعی طلسم در برابر چشم‌زخم و نیروی شر بوده است. این نقش در اشیای تزئینی مانند سرسناجق‌ها، اشیاء نذری و روی سلاح‌ها به کار رفته است.

واژگان کلیدی: اشیاء مفرغی، لرستان، نقش گیلگمش، نمادشناسی نقش گیلگمش.

ارزیابی شاخصه‌های اقتصادی و اجتماعی توسعه پایدار در بناهای مسکونی قاجاری در آشتیان

نیر حاجی طاهر

(دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس)

سعید امیرحاجلو

(استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس، s.amirhajloo@modares.ac.ir)

چکیده

توسعه پایدار به معنای تأمین نیازهای افراد جامعه، بدون از بین بردن قابلیت‌ها و منابع نسل‌های آینده است. بدین معنا که در توسعه پایدار، نیاز اکنون به گونه‌ای برآورده می‌شود که توان نسل‌های بعد را برای تأمین نیازهایشان کاهش ندهد و برابری در دسترسی به منابع برای نسل‌های امروز و آینده تحقق یابد. پایداری توسعه در هر جامعه و سرزمین، از طرق مختلف محقق می‌شود. یکی از آن‌ها، پایداری اقتصادی و اجتماعی جامعه است و امنیت اقتصادی و اجتماعی در یک عصر را می‌توان از شاخص‌های توسعه‌یافتگی آن دوران دانست. بناهای مسکونی به‌عنوان فراوان‌ترین و مهم‌ترین عناصر شهری، در کنار سایر گونه‌های معماری در تحقق توسعه پایدار از منظر اقتصادی و اجتماعی نقش دارند. معماری مسکونی در آشتیان نیز از این قاعده مستثنا نیست. بر این اساس، هدف از مقاله حاضر، مطالعه نحوه عینیت یافتن مؤلفه‌ها و شاخصه‌های اقتصادی و اجتماعی توسعه پایدار در بناهای مسکونی قاجاری در آشتیان است. پرسش این است که شاخصه‌های اقتصادی و اجتماعی توسعه پایدار چگونه در عناصر کلان و خرد معماری مسکونی عصر قاجار در آشتیان نمود یافته و چه درس‌هایی برای امروز دارد؟ روش گردآوری داده‌ها، اسنادی و میدانی و روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی است. در نهایت، در این مقاله، اهمیت شاخصه‌های اقتصادی و اجتماعی توسعه پایدار و مصداق‌های آن در معماری مسکونی آشتیان در دوره قاجار تبیین شده است.

واژگان کلیدی: توسعه پایدار، باستان‌شناسی دوران اسلامی، معماری قاجار، بناهای مسکونی آشتیان.

ویژگی‌های شاخص معماری هورامان؛ با تأکید بر ایوان‌ها و پنجره‌ها

زریان سالار حمه عارف

(دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه سلیمانیه، سلیمانیه، اقلیم کردستان عراق،

(zryan.hama@univsul.edu.iq

شوان محمد صابر هورامی

(دانشجوی دکتری دوره اسلامی دانشگاه سلیمانیه، سلیمانیه، اقلیم کردستان عراق)

چکیده

هورامان ناحیه‌ای است که بخشی از استان‌های کردستان و کرمانشاه در ایران و استان سلیمانیه در اقلیم کردستان عراق را پوشش می‌دهد. در این ناحیه به دلیل ویژگی‌های خاص اقلیمی، معماری منحصر به فردی پدید آمده است. این معماری برگرفته از نیازهای طبیعی این اقلیم و فرهنگ مردمان این سرزمین است. در این مقاله سعی شده است به تشریح دو نمونه از شاخصه‌های معماری هورامان یعنی ایوان‌ها و پنجره‌ها پرداخته شود. بر این اساس، ویژگی‌های هر یک از آن‌ها مورد بررسی و سنجش قرار خواهد گرفت. در این راستا ابتدا به بررسی ویژگی‌های جغرافیایی، تاریخی و فرهنگی پرداخته خواهد شد. سپس به مطالعه تأثیرات این ویژگی‌ها بر شاخصه‌های معماری پرداخته خواهد شد. برای نمونه ایوان در معماری هورامان در فصل‌های مختلف سال کاربری‌های متفاوتی داشته است. ایوان در تابستان، محلی برای نشستن و جمع شدن خانواده و مکانی برای پخت و پز بوده است. این کاربری در زمستان و روزهای سرد سال به گونه‌ای دیگر تغییر می‌کند. سپس چگونگی ساخت پنجره و عوامل اثرگذار بر اندازه پنجره‌ها بررسی شده و به تبیین جایگاه و نقش این پنجره‌ها در معماری هورامان پرداخته شده است. همچنین بررسی رنگ پنجره‌های معماری هورامان صورت گرفته است. بر پایه این پژوهش، نقش و ویژگی‌های جغرافیایی و فرهنگی در به وجود آمدن معماری خاص هورامان بسیار پر رنگ است. در واقع انسان، معماری را بر اساس نیاز خود و در ارتباط با محیط ایجاد کرده است که هم پاسخگوی نیاز وی باشد و هم کاملاً با محیط طبیعی پیرامون سکونتگاه او تطابق داشته باشد.

واژگان کلیدی: معماری، هورامان، اقلیم، کردستان، ایوان.

در جستجوی پیوندهای فرهنگی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در معماری اشکانی

الهه حیدری کرباسکی

(کارشناسی ارشد باستان‌شناسی گرایش دوران تاریخی دانشگاه سیستان و بلوچستان،

elahe.heydari7714@gmail.com)

زهرة جوزی

(استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان)

چکیده

اضمحلال و فروپاشی شاهنشاهی هخامنشیان و روی کار آمدن سلوکیان، باعث ایجاد نگرشی جدید در فضای عمومی سرزمین ایران، به خصوص هنر و معماری شد. به عبارتی، زمینه نفوذ هنر یونانی بر هنر ایرانی بیشتر از قبل فراهم شد. به گونه‌ای که در پی آن و در دوران اشکانی، وجود کانون‌های دارای فرهنگ مختلط شرقی - یونانی از نظر تاریخ باستان‌شناسی یک واقعیت است. نکته قابل تأمل این است که تصور می‌شود هنر ایران در دوره پارت تنزل کرده و تماماً تحت تأثیر فرهنگ یونانی قرار گرفته است. اما در واقع حکومت اشکانی پایه‌گذار سبکی جدید و خاص ایرانی در هنر و معماری است. پارت‌ها در زمینه معماری ابتکارات بدیعی داشتند. آن‌ها با برخورداری از پیشینه غنی به احیای هنرهای فراموش شده و یا تغییر یافته ایرانی اقدام کردند. هدف از این مقاله، مطالعه چگونگی و روند تأثیرپذیری اشکانیان از دوره‌های قبل و فرهنگ‌های هم‌زمان با خود و همچنین تأثیرگذاری بر معماری دوره‌های بعد است که با مطالعات کتابخانه‌ای انجام پذیرفته است. بر اساس نتایج به دست آمده، اشکانیان هر آن چه را که از هنر یونانی گرفته بودند، با تجربه و توانایی خود به حد اعلا رساندند و عناصر جدیدی را به معماری افزودند که هنر خاص اشکانیان است. این عناصر جدید سهم بسزایی در شکل‌گیری معماری ساسانیان داشت.

واژگان کلیدی: معماری، اشکانیان، تأثیر پذیری، هنر پارتی.

بررسی تأثیر میزان آگاهی تاریخی و فرهنگی مردم در حفظ و نگهداری محوطه‌های باستانی (مطالعه موردی: محوطه‌های باستانی شهرستان محلات)

ندا خراسانی

(کارشناسی ارشد باستان‌شناسی گرایش دوران تاریخی، khorasani.neda71@gmail.com)

جواد علایی مقدم

(استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه زابل)

چکیده

حفاظت از میراث فرهنگی و آثار باستانی یکی از مهم‌ترین مسائل جامعه متمدن امروزی است. توجه به حفاظت از میراث فرهنگی، به ویژه محوطه‌های باستانی، از چنان اهمیتی برخوردار است که می‌توان آن را یکی از مظاهر توسعه یافتگی یک جامعه دانست و از این‌رو تفاوت آشکاری میان جوامع توسعه یافته و در حال توسعه وجود دارد. به عبارت دیگر، سطح آگاهی افراد یک جامعه نقش بسیار زیادی در میزان توجه به حفاظت و نگهداری آثار و محوطه‌های تاریخی دارد. این آگاهی شامل دانش کافی فردی و جمعی (منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی) می‌شود که تابع عوامل متعدد اقتصادی، فرهنگی، تاریخی و اجتماعی است. آگاهی و دانش کافی از محوطه‌ها و آثار باستانی را می‌توان مهم‌ترین عامل در دستیابی به یک سطح حفاظتی از این نوع میراث فرهنگی دانست که باید از مراحل اولیه آموزشی به افراد مختلف منتقل شود. در این مقاله نگارندگان برآنند تا به بررسی تأثیر میزان سطح آگاهی و دانش تاریخی و فرهنگی بر حفظ محوطه‌های باستانی بپردازند. در این پژوهش که از نظر روش و ماهیت از پژوهش‌های توصیفی - تحلیلی محسوب می‌شود، محدوده مورد مطالعه شامل شهرستان محلات به‌عنوان قطب گردشگری تاریخی استان مرکزی است. گردآوری اطلاعات در این پژوهش از طریق مطالعه میدانی و اسنادی شامل بررسی وضعیت محوطه‌ها و تکمیل پرسشنامه از ساکنان منطقه و همچنین اطلاعات مندرج در منابع مکتوب مرتبط است. نتایج به‌دست‌آمده حاکی از آن است که نوع نگرش فرد که خود ناشی از نگرش جمعی اجتماع و افراد پیرامون است، مهم‌ترین عامل در رفتار وی در مواجهه با آثار و محوطه‌های باستانی است. این نگرش رابطه مستقیمی با میزان آگاهی تاریخی و فرهنگی فرد دارد که از یک‌سو نیازمند آموزش‌های علمی و هدفمند در خانواده و از سوی دیگر نیازمند آموزش در محیط‌های آموزشی، از ابتدایی‌ترین مراحل تا تحصیلات دانشگاهی است.

واژگان کلیدی: میراث فرهنگی، حفاظت محوطه‌های باستانی، دانش فرهنگی و تاریخی، آموزش هدفمند، شهرستان محلات.

بررسی چشم‌انداز گردشگری سنگ‌نگاره‌های تنگ غرقاب - گلپایگان

محمد رضا خوانساری

(دانشجوی کارشناسی‌ارشد باستان‌شناسی موسسه غیرانتفاعی گلستان،

khansari_mohammadreza@yahoo.com)

الهام وثوق بابایی

(استادیار گروه باستان‌شناسی موسسه غیرانتفاعی گلستان)

بابک مغازه‌ای

(کارشناسی‌ارشد برنامه‌ریزی گردشگری)

فاطمه آباقری مرزبجرائی

(کارشناس‌ارشد روان‌شناسی)

چکیده

سنگ‌نگاره‌ها یکی از قدیمی‌ترین آثار هنری بشر هستند که بازتابی از شیوه زیست، آداب و رسوم، فرهنگ و اساطیر یک قوم را نشان می‌دهد. منطقه تیمره، ناحیه بزرگی در بین چهار استان اصفهان، مرکزی، قم و لرستان است که بیش از بیست و یک هزار سنگ‌نگاره با قدمتی هفت هزار ساله را در خود جای داده است. تنگ غرقاب سعیدآباد گلپایگان یکی از برجسته‌ترین محوطه‌های این مجموعه عظیم است که علاوه بر جاذبه‌های طبیعی، آثار تاریخی دیگر همچون سنگ‌نگاره، قلاع تاریخی، کبوتر خانه و حمام دوره صفوی در آن مشاهده می‌شود. امروزه یکی از عمده‌ترین مشکلات باستان‌شناسی، عدم برقراری ارتباط محوطه‌های تاریخی با فعالیت‌های گردشگری می‌باشد که علاوه بر ناشناخته بودن محوطه‌های باستانی در نزد عموم مردم، عدم نگهداری درست و تخریب مجموعه را به دنبال دارد. هدف از این پژوهش، بررسی راهکارها و شیوه‌های بهره‌وری مناسب از ظرفیت‌های توریستی و مزیت‌های اقتصادی این منطقه و برنامه‌ریزی برای تبدیل سایت - موزه سنگ‌نگاره‌های تنگ غرقاب به یک اکو سایت تاریخی، فرهنگی و طبیعی است. ایجاد فضاهای بوم‌گردی، توانمندسازی مردم محلی در زمینه جذب گردشگر با رویکرد خود اشتغالی از طریق عرضه صنایع دستی و تولیدات غذایی و همچنین شناسایی، معرفی و نگهداری آثار باستانی با مشارکت ساکنین محلی و آموزش گردشگران از جمله راهکارهایی برای حفظ چنین مجموعه‌هایی است که علاوه بر حفظ آثار باستانی، باعث اشتغال پایدار و ایجاد حس هویت بومی خواهد شد و در نهایت ارتقا آموزشی و اقتصادی ساکنان را نیز به همراه خواهد داشت.

واژگان کلیدی: سنگ‌نگاره، تنگ غرقاب، اکو سایت، گردشگری.

بررسی عوامل مؤثر در تخریب و فرآیند حفاظت از سنگ‌نگاره‌ها (مطالعه موردی: منطقه گُشت سراوان)

نسیم دادمهر

(کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، na.dadmehr@gmail.com)

بهروز برجسته‌دلفروز

(دکتری زبان‌های ایرانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان)

زهره جوزی

(دکتری باستان‌شناسی تاریخی، دانشگاه سیستان و بلوچستان)

چکیده

هنر صخره‌ای در برگیرنده کهن‌ترین آثار تاریخی و هنری بجا مانده از بشرند و یکی از بهترین پنجره‌هاست که رو به گذشته‌های دور دارد و از طریق آن می‌توان از منظرهای گوناگون زندگی انسان‌های اعصار کهن را رصد کرد. سنگ‌نگاره‌ها، کتاب نوشته‌های باستانی از حضور انسان در محیط‌های مختلف در ادوار گوناگون تاریخی بوده است. بلوچستان ایران، در انتهای رشته‌کوه‌های مرکزی ایران و دریای عمان قرار دارد. منطقه‌ی سراوان بلوچستان با دارا بودن تعداد زیادی از این سنگ‌نگاره‌های به یادگار مانده از دوران کهن، از مهم‌ترین مناطق دارای سنگ‌نگاره در ایران است. در این میان سنگ‌نگاره‌های تاریخی ناحیه گُشت سراوان شامل مرزبانیک (مارزبانیک)، بندیک، گُدگ سهرُکی، کهنانی، دوراپ، آپ انار و گیشان دارای اهمیت قابل توجهی می‌باشند. گردآوری اطلاعات در این مقاله از طریق روش کتابخانه‌ای و میدانی بوده است. همچنین بر اساس هدف، از نوع تحقیقات تاریخی و توصیفی است؛ بنابراین این پژوهش به عنوان یک پژوهش ترویجی - کاربردی، در حوزه تاریخی و با بهره‌گیری از ابزارهای مشاهده و مطالعات اسنادی به انجام رسیده است. هدف اصلی این مطالعه شناسایی و در صورت امکان حفاظت از سنگ‌نگاره‌های گُشت (محل‌های موردبررسی دره بندیک) است. مقاله حاضر ضمن بررسی سنگ‌نگاره‌های گُشت واقع در شهرستان سراوان استان سیستان و بلوچستان، به بررسی امکان ساخت سایت موزه و طرح ساماندهی این محوطه‌ها در این منطقه، جهت حفظ و معرفی سنگ‌نگاره‌ها و ایجاد امکان جذب گردشگران می‌پردازد.

واژگان کلیدی: سراوان، گُشت، سنگ‌نگاره‌ها، سایت موزه.

بازیابی هویت منطقه‌ای یا چالش‌های مطالعاتی معاصر: ماهیت سلسله‌های تاریخی هزاره اول ق.م ایران در شمال شرق و خراسان بزرگ

محمدصادق داوری

(دانش آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه نیشابور، m.sadeghdavari@yahoo.com)

حسن باصفا

(دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه نیشابور، basafa@neyshabur.ac.ir)

چکیده

سلسله‌های تاریخی ایران از منظر گاه‌شناختی در هزاره اول ق.م به حیات خود ادامه داده‌اند. برحسب حجم مطالعات و فعالیت‌های باستان‌شناسی در ترکمنستان، باستان‌شناسان شوروی سابق، این برهه زمانی را در گاهنگاری عصر آهن طبقه‌بندی کرده‌اند که در حال حاضر نیز رواج دارد. آن‌ها تاریخ‌های تقریبی ۱۵۰۰-۳۰۰ ق.م را برای فرهنگ عصر آهنی یاز و امروزه ۱۵۰۰ یا ۱۶۵۰-۵۰۰ ق.م را نیز برای فرهنگ داهستان در نظر گرفته‌اند. مسئله مهم بی‌توجهی به برهه زمانی و اتفاقات سیاسی هزاره اول ق.م مقارن با سال ۹۰۰-۲۱۷ ق.م هم‌زمان با شکل‌گیری سلسله ماد، دوره هخامنشی، سلوکی و حتی شکل‌گیری دوره اشکانی در این منطقه است. درحالی‌که تاکنون معماری مشابه با دوره ماد، مواد فرهنگی شاخص هخامنشی، سلوکی و همچنین اشکانی به‌وفور از این مناطق شناسایی شده و در اغلب موارد درگیر فرضیه ورود یا عدم ورود اقوام آریایی به ایران بوده است. در پژوهش حاضر تلاش می‌شود به روش بازبینی مواد فرهنگی و رویکرد کندوکاو متون تاریخی، ماهیت و جایگاه سلسله‌های مذکور را به‌عنوان اصلی‌ترین پرسش‌های پژوهش، در توالی فرهنگی خراسان بزرگ تا حدی روشن نموده و با طرح فرضیه‌ای جدید بتوان مطالعات منطقه را حول مسائل دست اول متمرکز کرد تا مسائل داده محور. نتایج پژوهش بیانگر اشاره مکرر متون و کتیبه‌های تاریخی به سرزمین‌های شمال شرق ایران و آسیای میانه در برهه زمانی مورد نظر و وجود برخی مواد فرهنگی شاخص این دوره‌ها است که با مطالعه نقوش پلکان کاخ آپادانای تخت جمشید، این‌گونه استنباط می‌شود که مردمان خراسان بزرگ طی این ادوار تاریخی در موارد معدودی مستقل و در اغلب موارد تحت لوای این سلسله‌ها به حیات خود ادامه داده و تنها از شاخصه‌های فرهنگی خود استفاده کرده‌اند؛ بنابراین عدم وجود کاخ، گونه‌های سفالی رایج در مراکز دولتی و همچنین عدم وجود کتیبه، دلیل بر فقدان جایگاه سلسله‌های تاریخی مذکور در خراسان بزرگ نخواهد بود.

واژگان کلیدی: خراسان بزرگ، هزاره اول ق.م، سلسله‌های تاریخی، شاخصه‌های فرهنگی، گاهنگاری.

بررسی الگوی روند تخریب محوطه‌های سنت دالمایی در غرب ایران ضرورت آگاهی بخشی و لزوم نجات بخشی

رقیه رحیمی سرخنی

(استادیار گروه باستان‌شناسی دانشکده میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی دانشگاه مازندران،

r.sorkhani@umz.ac.ir)

چکیده

سنت سفالی دالما در غرب ایران در بازه زمانی هزاره پنجم تا اوایل هزاره چهارم قبل از میلاد به دست می‌آید. یکی از ویژگی‌های این سنت فرهنگی افزایش تعداد محوطه‌ها نسبت به دوره‌های قبل و گسترش سبک سفالی آن فراتر از مرزهای سیاسی امروز ایران است. متأسفانه، محوطه‌های دالمایی در ایران در معرض تخریب شدید عوامل انسانی و طبیعی قرار دارند و از آنجایی که بسیاری از پژوهش‌ها در زمینه این سنت فرهنگی ابتر و به‌نوعی تکرار پژوهش‌های پیشین بوده و هنوز سؤالات بسیاری در ارتباط با این سنت فرهنگی وجود دارد که پاسخی به آن‌ها داده نشده و نیازمند به انجام پژوهش‌های بیشتر به‌ویژه در بخش میدانی و کاوش هستیم، تخریب فزاینده این محوطه‌ها امکان پاسخگویی به سؤالات را برای پژوهشگران، محدود می‌کند. در این مقاله تلاش شده تا ۹۵ محوطه در دره‌ها و دشت‌هایی در غرب ایران با تمرکز بر محوطه‌های دالمایی انتخاب شود و میزان تخریب و عوامل تخریب این محوطه‌ها بررسی گردد. سپس، در راستای مفاهیم باستان‌شناسی عمومی، باستان‌شناسی نجات بخشی، باستان‌شناسی پیشگیری کننده، مدیریت منابع فرهنگی و توریسم فرهنگی، در اولویت بندی پژوهش‌های میدانی این دوره پیشنهادهایی ارائه شود.

واژگان کلیدی: دالما، تخریب، عوامل انسانی، عوامل طبیعی، باستان‌شناسی عمومی، باستان‌شناسی نجات بخشی، باستان‌شناسی پیشگیری کننده، توریسم فرهنگی، مدیریت منابع فرهنگی.

نگاهی اقلیمی - جغرافیایی به پوشش گیاهی ایالت کرمان با استناد به کتیبه کاخ آپادانای داریوش اول هخامنشی در شوش

الما رحیمی صادق

(دانش آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه نیشابور)

ابراهیم رایگانی

(استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه نیشابور، e.raiygni@neyshabur.ac.ir)

میثم شهسوار

(استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه جیرفت، Shahsavari1982@gmail.com)

چکیده

کتیبه‌های برجای مانده از پادشاهان هخامنشی از منابع الهام‌بخش تفسیرهای تاریخی و باستان‌شناسی به شمار می‌روند. اگر این اسناد نوشتاری به عنوان سنگ بنای یک اثر معماری به خدمت گرفته شود، میزان اطلاعات برداشت شده از آنها مضاعف می‌گردد. در کتیبه کاخ داریوش هخامنشی در شوش به انواع مصالح و تأمین کنندگان آنها برای ساختمان کاخ پرداخته شده است. ذکر ملل مختلف در این کتیبه علاوه بر برداشت‌های سیاسی با موضوع ملل تابعه، به طور ضمنی از محیط و بسترهای اقلیمی و جغرافیایی این تأمین کنندگان مصالح یاد شده حکایت دارد. کرمان از جمله ایالت‌های ذکر شده بود که به دلیل تأمین چوب موسوم به «یاکا» در کنار قندهار از آن نام برده شد. پژوهش پیش‌رو با هدف بررسی استنادی و میدانی این گونه خاص گیاهی به انجام رسیده است. ضرورت پژوهش، بررسی بستر اقلیمی و جغرافیایی یکی از مصالح ذکر شده در کتیبه داریوش و راستی‌آزمایی آن است. پرسش اینست که بستر اقلیمی و جغرافیایی ایالت کرمان (کارمانیا/ بوتیا) چه ارتباطی با درخت «یاکا» دارد؟ مطالعات تاریخی و گیاه‌شناسی در ارتباط با خاستگاه این نوع گیاه و چوب حاصل از آن چگونه در تناظر با هم قرار می‌گیرند؟ گردآوری داده‌های پژوهش از طریق مطالعات استنادی و بررسی‌های پیمایشی صورت گرفته و داده‌ها به روش باستان‌شناسی ادراکی تحلیل و ارزیابی شده است. نتیجه آنکه از منظر جغرافیایی اقلیمی از آنجا که در کنار نام کرمان، قندهار نیز برای تأمین چوب «یاکا» قید شده، بسترهای نسبتاً گرم، مکان‌هایی برای رشد این گیاه در جنوب شرق ایران در نظر گرفته می‌شوند. از طرفی مطالعات پیمایشی، گیاه‌شناسی و بررسی‌های مردم‌نگارانه نشان داد برخی از درختان خطه جنوب شرق از جمله درختان «جُک» یا «جُغ» احتمالاً همان درخت «یاکا» در کتیبه داریوش هخامنشی است که امروزه نیز به وفور توسط بومیان برای دیوار و پوشش بنا مورد استفاده قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: کاخ شوش، درخت یاکا، دوره هخامنشی، کرمان.

تجارب و اقدامات حفاظتی در چغازنبیل و چشم‌انداز گردشگری فرهنگی آن در آینده

عاطفه رشنوئی

(مدیر پایگاه میراث جهانی چغازنبیل و هفت‌تپه)

مهرنوش زاده‌دباغ

(مسئول امور پژوهشی پایگاه میراث جهانی چغازنبیل و هفت‌تپه)

چکیده

رویکردهای حفاظتی و مدیریتی به محوطه میراث جهانی چغازنبیل تاکنون بر محور زیگورات شهر، به‌عنوان یک بنای یادمانی چرخیده است، درحالی‌که چغازنبیل بقایای یک شهر باستانی از دوره ایلام است. این رویکرد در نیم قرن اخیر بر شیوه‌های مدیریتی، تفسیر و ارائه محوطه نقش کلیدی داشته و متعاقباً بر تعریف گردشگری و نوع مرادده مردم با آن نیز تأثیر گذاشته است. زمانی که چغازنبیل فراتر از زیگورات آن، در جایگاه یک شهر با همه اندام‌های شهری و در تعامل با محیط پیرامون آن نگریسته شود، می‌تواند مسیر حفاظت و مدیریت آن را تغییر دهد. حتی در پهنه بسیار گسترده‌تری می‌توان چغازنبیل را در یک منظر باستان‌شناسی ایلامی در کنار معدود محوطه‌های شناخته شده و مهم این دوره همچون شوش، هفت‌تپه، دهنو و دستوا و گروه بی‌شماری از محوطه‌های ایلامی کمتر شناخته شده، مورد بازیابی و بازشناسی قرار داد. توجه به چنین منظری می‌تواند مستقیماً نظام‌های حفاظتی را در سطح کلان از نو تعریف کند و بر توسعه بر پایه انواع گردشگری در این منظر تکیه کند.

واژگان کلیدی: چغازنبیل، منظر باستان‌شناسی ایلامی، حفاظت، مدیریت، گردشگری پایدار.

باستان‌شناسی و توسعه پایدار: مطالعات میراث فرهنگی و کاوش‌های نجات‌بخشی در ایران

علیرضا سرداری

(عضو هیأت علمی پژوهشکده باستان‌شناسی، sardary@yahoo.com)

چکیده

در مطالعات باستان‌شناسی نجات‌بخشی و مقوله میراث فرهنگی در معرض خطر، معمولاً پنج عامل مخرب وجود دارد که شامل: (۱) جنگ‌ها و درگیری‌های نظامی، محلی (۲) حفاری‌های قاچاق و غیرمجاز (۳) عملیات کشاورزی (۴) فرسایش و عوامل طبیعی (۵) طرح‌های توسعه و فعالیت‌های عمرانی می‌شود. در این بین، طرح‌ها و پروژه‌های عمرانی که بعد از انقلاب صنعتی در اروپا با رشد سریع فناوری و مکانیزه شدن (ماشینی شدن) پدیدار شدند، نقش عمده‌ای در تخریب و نابودی میراث فرهنگی و محوطه‌های باستان‌شناسی داشته‌اند. ترویج و گسترش صنعتی شدن و توسعه کشاورزی مکانیزه در کشورهای دیگر (و همچنین در ایران به‌ویژه از دهه ۱۳۳۰ در راستای سیاست‌های اصل چهارم هاری ترومن، رئیس‌جمهور ایالات متحده)، ناگهان سرعت تخریب آثار تاریخی همراه با آسیب به محیط‌زیست و منابع طبیعی را شدت بخشید. در سال‌های اخیر با شکل‌گیری فرایند توسعه پایدار، راه‌حلی برای الگوهای اقتصادی، زیست‌محیطی، اجتماعی و فرهنگی متعادل مطرح گردیده و به‌تبع آن، میراث فرهنگی و باستان‌شناسی به‌عنوان اثرات اجتماعی - فرهنگی توسعه با پشتیبانی و نظارت سازمان‌های یونسکو و ایکوموس جدی گرفته شده است. ایران به‌مثابه «جامعه کژ مدرن»، از عصر پهلوی اول توسعه در آن به شکل آمرانه صورت گرفت و علی‌رغم پیشرفت‌ها و نهادسازی‌های کارآمد آن زمان، به دلیل ضعف رویکرد حفاظت‌محور، بسیاری از محوطه‌ها و بافت‌های تاریخی آسیب‌دیده و نابود شدند. در این دوره با تصویب قانون عتیقات در سال ۱۳۰۹ (به‌عنوان یکی از پیشروترین قوانین مدرن ایرانی)، این امکان وجود داشت که جلو برخی از این تخریب‌ها نیز گرفته شود. تلاش‌هایی نیز در اوایل دهه ۱۳۵۰ برای تهیه نقشه باستان‌شناسی کشور و ارائه آن به نهادهای سیاست‌گذار اقتصادی و عمرانی صورت گرفت که در نهایت عقیم ماند. بعد از انقلاب و در سال‌های سخت دوره جنگ نیز تلاش‌هایی توسط باستان‌شناسان و متخصصان میراث فرهنگی صورت گرفت؛ با وجود این، در اوایل دهه ۱۳۸۰ بود که با اهتمام مدیریت پژوهشکده باستان‌شناسی و پشتیبانی سازمان میراث فرهنگی، رویکردی جدید به مقوله توسعه و حفاظت از محوطه‌های باستان‌شناسی پدیدار شد. چنانکه با تصویب آیین‌نامه بند ج ماده ۱۱۴ برنامه چهارم، نحوه تعامل توسعه با میراث فرهنگی در ایران نسبتاً روشن گردید. از این مقطع به بعد با شکل‌گیری و فعالیت «واحد باستان‌شناسی نجات‌بخشی» یا همان «واحد مطالعات طرح‌های عمرانی»

در پژوهش‌کنده باستان‌شناسی، با همکاری اداره میراث فرهنگی استان‌ها برخی از مطالعات و نظارت بر پروژه‌های عمرانی صورت گرفت که البته همراه با ضعف‌ها، قوت‌ها و نقدهایی بوده است. بسیاری از این مطالعات و نظارت‌ها در قالب برنامه‌های بازدید استعلامی، بررسی و شناسایی، کاوش نجات‌بخشی بود و در مواردی منجر به توقف طرح عمرانی نیز شده است. در این گفتار تلاش خواهد شد در چهار مبحث پیوسته به هم مروری بر مسائل و مفاهیم مرتبط با گفتمان توسعه پایدار و باستان‌شناسی نجات‌بخشی، پیشینه این فعالیت‌ها و مطالعات در سطح کلان جهانی، سابقه قوانین و ضوابط حقوقی و نهادهای حاکمیتی مربوطه در ایران شود و در آخر نتایج و دستاوردهای این فعالیت‌ها در ایران به‌ویژه در دو دهه اخیر، همراه با پیشنهادات و راهکارها بررسی و ارزیابی گردد.

واژگان کلیدی: باستان‌شناسی نجات‌بخشی، توسعه پایدار، مدیریت میراث فرهنگی.

نقش موزه‌ها در هویت‌بخشی فرهنگی جامعه

بی‌تا سودایی

(دانشیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین، تهران،
bita.sodaei@gmail.com)

چکیده

یکی از چالش‌های اساسی کشورهای در حال توسعه، در برخورد با پدیده جهانی شدن و مواجه با فرهنگ جدید از خودبستگی و بحران هویت است. متأسفانه امروزه رسانه‌های غربی با توسل به انواع علوم و فنون مختلف سعی در تخریب هویت ملی و فرهنگی کرده‌اند و این بدان خاطر است که ایرانیان درک صحیحی از پیشینه تمدنی، فرهنگی و مذهبی خود ندارند و کورکورانه به تقلید از غربیان می‌پردازند. نهادینه شدن هویت ملی و فرهنگی، زمانی تحقق خواهد پذیرفت که منشأ باورهای فرهنگی و مظاهر مادی آن را شناسایی نموده و علل شکست‌ها و موفقیت‌های را در طول تاریخ دریافته تا بتوانیم به راهکارهای مناسب و منطبق با شرایط فعلی جامعه جهت توسعه و تعالی کشورمان ایران دست یابیم. بی‌شک توجه به آموزش و اطلاع‌رسانی در میان مردم خاصه جوانان عاملی مهم در شناسایی ریشه‌های هویتی و ملی در ایران دارد. موزه‌ها با حفظ و زنده نگه‌داشتن آثار فرهنگی برجای مانده از تمدن‌های باستانی می‌توانند در تقویت هویت ملی و فرهنگی جامعه نقش بسزایی ایفا نمایند. امروزه موزه‌ها و مراکز فرهنگی به‌عنوان یک نهاد اجتماعی در ارتقای دانش بشری و نیز گسترش علم و پایدارسازی آموزش تأثیر بسزایی دارد. هدف از این مقاله بررسی نقش موزه‌ها در حفظ و تقویت هویت فرهنگی در جامعه است و تلاش کرده است با استفاده از شیوه‌های نوین، پیشنهادات و راهکارهایی را جهت نهادینه ساختن میراث و هویت اسلامی - ایرانی ارائه دهد مانند ایجاد اتوبوس موزه در مراکز مهم و پر رفت و آمد همچنین ایجاد سایت موزه در محوطه‌های مهمی که کاوش‌های باستان‌شناسی انجام شده است. نتایج نشان می‌دهد موزه‌ها می‌توانند در سیر تحول فرهنگی - اجتماعی جامعه نقش بسیار مهمی ایفا نمایند که منجر به آشنایی جوانان با فرهنگ و تمدن ایران و آگاهی و رشد فکری‌شان می‌شود.

واژگان کلیدی: موزه، هویت، فرهنگی، ایران.

بیان کوتاهی از مدیریت ۱۸ فصل کاوش و پژوهش در شهر سوخته

سید منصور سیدسجادی

(سرپرست کاوش‌های بین‌المللی شهر سوخته و دهانه غلامان)

چکیده

یکی از ضرورت‌های مطالعات باستان‌شناسی، هر از گاهی ارائه بیلابنی از این فعالیت‌ها به جامعه مخاطب آن است تا معلوم شود در طی زمانی که گذشته، چه کرده‌ایم و آیا کارهای انجام گرفته توسط ما و همکارانمان در مجموع مثبت و قابل قبول بود؟ نقاط ضعف و قدرت این کارها چه بوده؟ و آیا تأثیری در باستان‌شناسی کشور داشته یا خیر؟ البته گزارش‌های فنی و علمی هر یک از این کارها، در موقعیت‌های مختلف به اطلاع علاقمندان رسیده و خواهد رسید. اما در این مورد خاص نگارنده گزارش کوتاهی از چگونگی کار گروه باستان‌شناسی شهر سوخته در ۱۸ فصل گذشته را هدف قرار داده است. تا سال ۱۳۷۶ خورشیدی، جز از دو سه کار کوچک آموزشی، هیچ فعالیت جدی و برنامه‌ریزی شده باستان‌شناسی در استان سیستان و بلوچستان انجام نشده بود و صدای تیشه‌های باستان‌شناسان در این سرزمین وسیع شنیده نمی‌شد. تمامی داده‌های باستان‌شناسی منحصر به نتایج فعالیت‌های اندک گروه‌های باستان‌شناسی غیرایرانی فعال در زمان پیش از انقلاب بود. در طی یک همایش باستان‌شناسی در سال ۱۳۷۵ در زاهدان، اقبال آن را یافتیم با آقای جلیل گلشن معاونت پژوهشی وقت سازمان میراث فرهنگی ملاقات کنیم. در ضمن این ملاقات، آقای گلشن پیشنهاد از سرگیری کاوش‌های شهر سوخته را که پس از انقلاب به مدت ۱۸ سال مغفول مانده بود، به اینجانب ارائه و نگارنده با افتخار فراوان و اشتیاق کامل پذیرفت و سپس از سال ۱۳۷۶ این کاوش‌ها آغاز شد و با توجه به داده‌های همان نخستین فصل، مورد استقبال بسیار گرم جامعه علمی کشور و خارج از کشور قرار گرفت. به حدی که بسیاری از پژوهشگران و مؤسسات علمی اروپائی همه ساله درخواست شرکت در این کاوش‌ها را داده که در برخی از موارد و به صورت موضعی و تخصصی با شرکت آنها موافقت شد. گروه باستان‌شناسی شهر سوخته و دهانه غلامان از همان ابتدای موجودیت خود علاوه بر انجام پژوهش‌های میدانی باستان‌شناسی، کار آموزش باستان‌شناسان جوان‌تر را نیز در برنامه خود گنجانده و به همین علت علاوه بر اعضای رسمی گروه باستان‌شناسی سازمان میراث فرهنگی، کلیه اعضای هیأت علمی گروه باستان‌شناسی دانشگاه زاهدان و برخی از اعضای هیأت علمی گروه باستان‌شناسی زابل نیز درخواست شرکت در این کاوش‌ها را نموده و با حضور خود در شهر سوخته در زمینه‌های گوناگون علمی باستان‌شناسی و به ویژه عملیات میدانی و نیز روش‌های تحقیق موفق به کسب تجربیاتی گرانبها شدند که راه آنان را در انجام پژوهش‌های علمی بعدی هموار کرد. انتشار به موقع نتایج کاوش‌ها نیز از نکات مورد توجه گروه

باستان‌شناسی شهر سوخته و دهانه غلامان بوده است و تاکنون بیش از ۲۵۰ جلد کتاب و مقاله به فارسی و سایر زبان‌های زنده دنیا منتشر شده است. یک گروه از این انتشارات، بولتن‌های موضوعی است که برای آشنائی عموم مردم با شهر سوخته به زبان ساده علمی نگاشته شده و تأثیری بسزا در آشنایی مردم غیرمتخصص با تمدن و فرهنگ سیستان داشته است. کوشش‌های کارشناسان و اعضای گروه باستان‌شناسی شهر سوخته و دهانه غلامان طی چهارده فصل تلاش‌های مستمر، منجر به ثبت نام شهر سوخته به عنوان نخستین تپه پیش از تاریخ و هفدهمین اثر ایرانی در فهرست میراث فرهنگی جهان شد که افتخاری بس غرورانگیز برای این گروه باستان‌شناسی بود و بدون اغراق و بدون هیچ چشم‌داشتی شبانه‌روز در انجام وظایف خود در شناساندن آثار این تمدن بزرگ به دنیای علمی کوشیده‌اند. آمارها و اطلاعاتی که در این مقاله ارائه شده، بر اساس فعالیت‌های انجام گرفته طی ۱۸ فصل کاوش و پژوهش تا سال ۱۳۹۸ است. امید است که مسیر تحقیق و پژوهش در حوزه فرهنگ که زیربنای توسعه جوامع است همچنان تداوم داشته باشد.

واژگان کلیدی: شهر سوخته، سیستان، کاوش علمی، باستان‌شناسی، ایران.

بررسی ابعاد مسأله دیاژنز در بافت اسکلت‌های باستانی در راستای حفاظت و مدیریت میراث فرهنگی و محوطه‌های باستان‌شناختی؛ با تکیه بر تجارب جهانی: مطالعه موردی دندان‌های باستانی ساکنان گورستان باستانی گوهر تپه

فهیمة شیخ شعاعی

(دانش‌آموخته دکتری باستان‌شناسی دانشگاه تهران، Fahimeh_shoae@yahoo.com)

چکیده

دیاژنیزیس یا تغییرات شیمیایی مواد اسکلتی از جمله استخوان و دندان پس از تدفین، یکی از چالش‌های مهم و حساس پیش روی استخوان‌شناسان، باستان‌شناسان زیستی و پزشک باستان‌شناسان است. بررسی مناسب «شاخص‌های دیاژنزی قابل اندازه‌گیری» مواد اسکلتی به دست آمده از محوطه‌های باستانی یکی از قدم‌های اولیه و بنیادین در راستای شناسایی، حفاظت و مدیریت صحیح این دسته از میراث فرهنگی است. مواد اسکلتی‌ای که از محوطه‌های باستانی به دست می‌آیند، بی‌چون‌وچرا در طول زمان دچار تغییر می‌شوند؛ بنابراین رسالت واقعی یک باستان‌شناس تنها کشف و مطالعه این آثار نیست بلکه باید برای صیانت و پاسداری از آن‌ها نیز به همان میزان تلاش داشته باشد. همین مسئله هشدار می‌دهد که همیشه استخوان در راستای حفاظت و مدیریت میراث فرهنگی‌ای که در قالب مواد اسکلتی (از جمله «استخوان» یا «دندان») مدفون در محوطه‌های باستان‌شناختی به ما به ارث می‌رسد. مسأله‌ای که به ما گوشزد می‌کند، این آثار بارز در صورت تخریب یا نابودی، بازگشت‌ناپذیر است؛ بنابراین در راستای تحقق این رسالت بزرگ، پژوهش حاضر با تکیه بر تجارب جهانی، به بررسی یکی از شاخص‌های دیاژنزی قابل اندازه‌گیری در تعدادی از نمونه‌های دندان، به دست آمده از محوطه باستانی گوهر تپه واقع در شمال ایران، می‌پردازد. نام این روش، اندازه‌گیری نسبت کربن بر نیتروژن (C/N) از کلاژن باقیمانده در نمونه‌های اسکلت باستانی است. روش مورد استفاده برای سنجش این نسبت، آنالیز ایزوتوپی کربن و نیتروژن نمونه‌های مورد مطالعه است.

واژگان کلیدی: حفاظت از میراث فرهنگی، دیاژنز، دندان باستانی، آنالیزهای ایزوتوپی، نسبت C/N.

مالکیت گذشته؛ نگاهی به چالش‌های پیش‌روی باستان‌شناسان در تقابل یا همراهی با سکه‌شناسان

حسین صبری

(دکتری باستان‌شناسی و پژوهشگر مستقل، Hosein_sabri@hotmail.com)

چکیده

انسان به طور ذاتی نیازمند رجوع به گذشته است و اقوام مختلف در طول تاریخ تلقی خاص خود را نسبت به گذشته داشته‌اند که تقریباً در قوالب دینی آنها قابل تعریف است. با آغاز دوره مدرن و گسترش دانش در گروه‌های تخصصی، تلقی از گذشته طبق جنبه‌های علمی خاص نیز بسط یافت و این در حالی است که تلقی‌های غیردانشگاهی نیز توسعه یافته و در سطح اجتماع جایگاه‌های مهم خود را حفظ کرده‌اند و در عین حال منافع و تضادهای در هم تنیده‌ای می‌توانند با یکدیگر داشته باشند. از جمله گروه‌ها می‌توان به باستان‌شناسان و سکه‌شناسان اشاره کرد که اولی در چارچوب دانشگاه و به شکلی روشمند و دومی (حداقل در ایران) چارچوبی غیرروشمند و تفننی دارد، هر چند نمی‌توان آن را به طور کلی عاری از نگاه علمی دانست. کنشگران سکه‌شناسی در ایران از گروه‌های مختلف اجتماع با زمینه‌های فکری متنوع هستند. وجه مشترک این دو گروه، بهره‌مندی از فرهنگ مادی جوامع گذشته است. از عمده تفاوت‌های آنان نیز می‌توان برای سکه‌شناسان، عدم اهمیت منشاء و موقعیت باستان‌شناختی سکه و نیز نحوه دستیابی آن دانست. این در حالی است که منشاء و نحوه دستیابی به هرگونه شیء (از جمله سکه) برای باستان‌شناسان حائز اهمیت است که اطلاعات فراوانی از نحوه زندگی گذشته فراهم می‌سازد. توجه باستان‌شناسان به تمامی اشیاء که یکی از انواع آن می‌تواند سکه باشد باعث تفاوت با نگاه سکه‌شناسان است که فقط معطوف سکه هستند و تمام توجه خود را صرف سکه می‌کنند. همین تعارض‌ها باعث بدبینی و تشکیک در دانش هر دو گروه نسبت به یکدیگر و نادیده گرفتن دانسته‌های گروه متقابل می‌شود. همین امر باعث ضررهای فراوانی می‌شود که از بزرگترین نقایص این عدم بهره‌مندی، عدم وجود شرایط با ثبات حفاظتی و خطر فراوان از بین رفتن سکه‌ها به عنوان اشیاء باستان‌شناختی هستند. از دیگر نقایص نیز می‌توان به فراگیرتر شدن تعرض به محوطه‌ها و تخریب اطلاعاتی اشاره کرد که می‌تواند همراه سکه‌ها از بافت یک محوطه به دست آید. از سوی دیگر، سکه‌شناسان ایرانی در اثر ممارست فراوان با سکه‌ها اطلاعات ذی‌قیمتی دارند که نادیده گرفتن آنها سبب خسران باستان‌شناسان در مطالعات جوامع گذشته خواهد بود. باستان‌شناسان می‌توانند در طبقه‌بندی روشمند و احیاء کارکرد موزه‌های سکه‌ها سودمند باشند.

واژگان کلیدی: باستان‌شناسی، سکه‌شناسی، تلقی از گذشته.

بحثی پیرامون گذار از دوره کوشانی به ساسانی در شرق ایران بر پایه داده‌های باستان‌شناختی

بهزاد صدقاتی

(دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی گرایش دوران تاریخی دانشگاه تهران،
behzadsedaghati1996@gmail.com)

چکیده

در این نوشتار سعی بر این شده است تا چگونگی روند گذار از دوره کوشانی به ساسانی در شرق فلات ایران بر اساس مدارک باستان‌شناختی (اعم از داده‌های میدانی و سکه‌شناسی و منابع مکتوب و...) تحلیل شده و به پرسش مهم تاریخی یعنی چگونگی فتح باختر و سرزمین‌های شرق قلمرو ساسانی به دست ایشان پاسخی درخور داده شود و از این رهگذار به چگونگی سقوط امپراتوری کوشانی و مسیره‌های حملات ساسانیان به این خطه به تفکیک هر ناحیه از طریق بررسی و پژوهش پیرامون آثار به‌صورت مجزا مورد بحث قرار گرفته می‌شود.

واژگان کلیدی: کوشانیان، ساسانیان، شرق ایران، باختر، کوشانشاهان.

آموزش عالی، یادگیری فناورانه و اشتغال در باستان‌شناسی

رحمت عباس نژاد سرستی

(دانشیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه مازندران، بابلسر،

(r.abbasnejad@umz.ac.ir

چکیده

در خلال تحولات علمی باستان‌شناسی در ۲۰۰ سال اخیر، رویکردها و رهیافت‌های گوناگونی بروز یافته‌اند. اما مکتب‌ها و یا رویکردهای اصلی این رشته علمی، در چارچوب دو نحله و مکتب فکری اصلی، تحول پیدا کرده‌اند. مکتب فکری اول، تقریباً از ابتدای سده نوزدهم میلادی با مقوله‌های مهمی نظیر گاهنگاری، نظام سه دوره‌ای و تطورگرایی تک‌خطی و چندخطی آغاز شد. استمرار این نحله و مشرب فکری، یک‌بار در نیمه‌ی قرن بیستم با تولد باستان‌شناسی روندگرا صورت پذیرفته و بار دیگر، در طلیعه‌ی هزاره‌ی سوم میلادی با ظهور باستان‌شناسی روندگرایی شناختی و باستان‌شناسی داروینی، انجام گرفته است. باستان‌شناسی تاریخ فرهنگی، مکتب فکری دوم بود که از اواخر سده‌ی نوزدهم و ابتدای قرن بیستم ظهور یافت ولی در نیمه‌ی قرن بیستم، زیر سایه‌ی سنگین باستان‌شناسی روندگرا، کم‌رنگ شد. از دهه ۱۹۸۰ میلادی در اثر تحولی که در رویکرد تاریخ فرهنگی به وجود آمد، رویکرد فراروندگرا پدیدار شد که مباحثی چون میراث نوین، تفسیرهای بافتی و پژوهش‌های زمین-سیما را مطرح ساخت. فراروندگرایی جدید، نظریه‌ی عاملیت، باستان‌شناسی جنسیت و مدیریت منابع فرهنگی در شمار تحولاتی بودند که تقریباً از اوایل هزاره‌ی سوم میلادی در جریان تطور علمی این مکتب بروز یافتند. اگرچه در ابتدای ظهور باستان‌شناسی نو، رویکرد تاریخ فرهنگی به حاشیه رفت و باستان‌شناسی روندگرا میدان‌دار استفاده از روش‌ها و ابزارهای پژوهشی جدید و مشعل‌دار باستان‌شناسی کمی و رایانه‌ای شد ولی واقعیت آن است که اندکی بعد، باستان‌شناسان هر دو رویکرد مذکور از روش‌ها و ابزارهای پژوهشی مشترک استفاده کرده‌اند و باستان‌شناسی محاسباتی و مهارت‌های دیجیتال را توسعه دادند. این تحلیل اجمالی درباره‌ی روند تحولات علمی باستان‌شناسی، نشان می‌دهد که امروزه باید به مقوله‌های فناوری و نسل و همچنین نقش آن‌ها در کاربردی کردن این رشته و پیوند دادن آن به جامعه و حوزه کارآفرینی و اشتغال اهتمام ورزید. دنیای دیجیتال تقریباً از نیمه‌ی قرن بیستم میلادی باعث خلق حداقل سه نسل اصلی شده است که عبارت‌اند از مهاجران دیجیتال، بومیان دیجیتال و نسل هزاره. یادگیری فناورانه مهاجران دیجیتال در باستان‌شناسی شامل آمار، ریاضی، بانک‌های اطلاعاتی، ایجاد بانک داده، سری‌نگاری، نقشه‌کشی، لایه‌نگاری، پردازش تصاویر، چاپ و گرافیک بوده است. نسل بومیان دیجیتال از دهه‌ی ۱۹۸۰، فناوری‌هایی نظیر جی‌آی‌اس، روش‌های طراحی کدکم، چاپ رومیزی، بازسازی تجسمی، زمین



چکیده مقاله علمی پژوهشی دوسالانه بین المللی انجمن علمی باستان‌شناسی ایران
باستان‌شناسی، مردم‌مدیریت میراث فرهنگی در ایران، ایران
آبان ۱۴۰۰



– سیما، شبیه‌سازی رایانه‌ای و آزمون‌های آماری را در پژوهش‌های باستان‌شناسی بهره‌گیری کرد. سرانجام، نسل هزاره، فناوری‌هایی چون محاسبات رایانه‌ای، تصویربرداری هوایی (هلی‌شات)، پردازش تصاویر، روش‌های افزودن واقعیت‌ها به محتواهای دیجیتال (AR/MR)، تحلیل شبکه، جی‌آی‌اس سه‌بعدی، چاپ سه‌بعدی و اسکن لیزری را در باستان‌شناسی مورد توجه و استفاده قرار داده‌اند.
واژگان کلیدی: آموزش عالی، محاسبات رایانه‌ای، اسکن لیزری.

تپه پوستچی شیراز؛ قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها با چشم‌انداز توسعه پایدار شهری

حسنعلی عرب

(استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه هنر شیراز، h_arab@shirazartu.ac.ir)

علیرضا سرداری

(استادیار پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، پژوهشکده باستان‌شناسی)

چکیده

تپه پوستچی در بافت شهری شیراز واقع است و دارای شواهدی از پیش‌تاریخ (دوره نوسنگی تا دوره مس و سنگ مربوط به ۷۲۰۰ تا ۴۲۰۰ پیش از میلاد) بوده که پس از وقفه‌ای طولانی، در دوره صفوی نیز بار دیگر مورد استفاده قرار می‌گیرد. در پژوهش‌های باستان‌شناسی فارس، اطلاعات مربوط به اواخر دوره نوسنگی و چگونگی ورود به دوره مس و سنگ کمتر مورد توجه بوده است. کاوش‌های این محوطه نشان داده که تپه پوستچی قابلیت شناساندن شواهد کافی از این دوره را دارد؛ اما باستان‌شناسی در شهر که بعضاً باستان‌شناسی شهری نیز گفته می‌شود، با گره خوردن به پیکره هویتی شهر، در کانون توجه شهروندان قرار دارد. از سوی دیگر اغلب زیرساخت‌هایی که دیگر محوطه‌ها به آن دسترسی ندارند، به راحتی در این محوطه‌ها فراهم است. شناخت وضعیت موجود محوطه، نخستین قدم برای تدوین برنامه‌های درازمدت راهبردی است. از این رو بررسی نقاط قوت و ضعف داخلی و فرصت‌ها و تهدیدات خارجی این اثر، نشان می‌دهد که این محوطه، پتانسیلی پنهان در توسعه شهر شیراز محسوب می‌شود.

واژگان کلیدی: تپه پوستچی، شیراز، SWOT، نقاط قوت و ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها، سایت موزه.

مطالعه تطبیقی معماری، سفال و معیشت دوره نوسنگی حاجی فیروز در شمال غرب ایران با بین‌النهرین شمالی و فرهنگ حسونا

سیده راضیه عظیمی

(دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه هنر اصفهان، Razieh.Azimi@Ymail.com)

چکیده

دوره نوسنگی را می‌توان رویداد مهم و نقطه عطف در تاریخ و زندگی بشر دانست. مطالعات باستان‌شناختی نشان می‌دهد که چندین ناحیه در ایران، نوسنگی شدن را تجربه کرده‌اند و آذربایجان جزء نواحی بوده که بازتاب کانون‌های نوسنگی بوده است. در ایران این دوره از حدود ۱۰ هزار سال پیش آغاز شده است و تا حدود شش هزار سال پیش ادامه داشته است. از ویژگی‌های این دوره تولید غذا از طریق کشت نباتات و نگهداری دام به‌ویژه بز و گوسفند و خوک هست. در مرحله‌ای از این دوره انسان موفق به تولید و استفاده از سفال شد که از آن زمان به بعد دوره نوسنگی با سفال آغاز می‌شود. در معماری نیز تحولات شگرفی پدید آمد و انسان در ساختن سرپناه با استفاده از مصالح موجود در طبیعت اطراف خود گام‌های مهمی برداشت. در حقیقت وقوع سه انقلاب صنعتی در زمینه‌های تولید غذا، سفال و ایجاد نظم در معماری از پی آمده‌های این دوره هست. از طرفی فرهنگ حسونا یکی از فرهنگ‌های اولیه دوران روستائینی زاگرس است که بعد از کشف محوطه حسونا به‌عنوان یک شاخص برای این دوران مطرح گردید. این فرهنگ ابتدا در نواحی شمالی بین‌النهرین و سپس در مناطق دیگری نظیر ترکیه و شمال غرب ایران یافت شد. در این مقاله که به روش پژوهش کتابخانه‌ای، با رویکرد توصیفی تحلیلی می‌باشد، با طرح پرسش‌هایی درباره شیوه ارتباط بین‌النهرین شمالی و حاجی فیروز، می‌توانیم به ایجاد یک الگوی خاص فرهنگی متأثر از فرهنگ حسونا در مورد معماری، سفال و معیشت دوره نوسنگی برسیم. لازم به ذکر است که این تشابهات فرهنگی حاجی فیروز و شمال بین‌النهرین از مشابهات زیست‌محیطی و فرهنگی تأثیر پذیرفته و به نظر می‌رسد می‌توان مسیری را برای این فرهنگ در نظر گرفت که از شمال بین‌النهرین به سمت دریاچه ارومیه گسترش پیدا کرده باشد که می‌تواند گویای شباهت‌هایی در معماری، معیشت و سفال این منطقه باشد.

واژگان کلیدی: نوسنگی، تپه حاجی فیروز، فرهنگ حسونا، شمال غرب ایران، شمال بین‌النهرین.

جستاری در آسیب‌شناسی محوطه‌های باستانی سیستان

جواد علایی مقدم

(استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه زابل، javadalaei@uoaz.ac.ir)

چکیده

پهن‌دشت سیستان سرزمین هموار و حاصلخیزی است که هر چند در وضعیت فعلی در شرایط نامساعد اقلیمی است لیکن در گذشته دارای شرایط متفاوت و مساعد بوده و در دوره‌های مختلف شاهد شکل‌گیری تمدن‌ها و آثار منحصر به فرد فرهنگی بوده است. در بررسی باستان‌شناختی سیستان ایران، ۱۶۷۲ مکان باستانی شناسایی شد که بازه زمانی از اواخر هزاره چهارم ق.م تا دوران قاجار را در بر می‌گیرد و شامل شهرهای تاریخی، تپه‌ها، محوطه‌ها، قلعه‌ها، عمارت‌ها، کاخ‌ها، آتشکده، زیارتگاه، میل و مناره، آسباد و ... می‌شود. علاوه بر تعدد و تنوع آثار باستانی، میزان سلامت این آثار نیز یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد سیستان است که در چند دهه گذشته آن را ملقب به بهشت باستان‌شناسان ایران نموده است. نکته جالب توجه در مورد آثار باستانی سیستان که موجب مهیا بودن شرایط برای کسب اطلاعات بیشتر و مفیدتر است، همین مسأله وضعیت آثار و محوطه‌های باستانی است. هر چند مطالعات باستان‌شناسی در این منطقه قدمت نسبتاً زیادی دارد، لیکن از یک سو نسبت به تعداد آثار باستانی موجود، اندک است و از سوی دیگر بیشتر منحصر به عصر مفرغ و محوطه شهر سوخته است. البته نکته بسیار مهم دیگر که شاید آن را بتوان مهم‌ترین دغدغه در زمینه آثار باستانی منطقه در عصر حاضر دانست، افزایش سرعت تخریب و نابودی آثار باستانی است که طی هزاران سال باقی مانده است و امروزه به علت سوء مدیریت و عدم برنامه‌ریزی علمی در زمینه‌های پژوهش، حفاظت و مرمت به شدت در معرض خطر قرار گرفته‌اند. مسأله یاد شده که متأسفانه کمتر مورد توجه باستان‌شناسان و دیگر فعالان میراث فرهنگی منطقه است، نگارنده را بر آن داشت تا با هدف دستیابی به برنامه‌ای علمی، دقیق و همه‌جانبه در زمینه مدیریت میراث فرهنگی و محوطه‌های باستانی در بخش‌های مختلف پژوهش، حفاظت و مرمت، به تحقیقی فراگیر در زمینه آسیب‌شناسی محوطه‌های تاریخی، پژوهش‌های باستان‌شناسی و پروژه‌های مرمتی و حفاظتی منطقه سیستان بپردازد. این مقاله بخشی از این تحقیقات است به آسیب‌شناسی و نقد وضعیت میراث فرهنگی در سیستان می‌پردازد.

واژگان کلیدی: سیستان، محوطه‌های باستانی، پژوهش‌های باستان‌شناسی، آسیب‌شناسی، مدیریت علمی.

آموزش باستان‌شناسی و نهادینه نمودن ارزش‌های آثار باستانی در کودکان از طریق تئاتر پداگوژی

جواد علایی مقدم

(استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه زابل، javadalaei@uoz.ac.ir)

طاهره ابوعلیزاده

(کارشناس رشته هنرهای نمایشی)

چکیده

یکی از مهم‌ترین مشکلات امروز در زمینه میراث فرهنگی و باستان‌شناسی، اصلاح رفتار افراد جامعه با آثار باستانی است چرا که رفتار نامناسب و نادرست با میراث فرهنگی و تاریخی در ساده‌ترین شکل به صورت آسیب رساندن به آثار در حین بازدید و در پیچیده‌ترین شکل به صورت حفاری غیرمجاز جلوه می‌نماید که تمامی آن‌ها ناشی از عدم آموزش درست در این زمینه و نهادینه نشدن ارزش‌های ملی و تاریخی جامعه در زمان مناسب است. نهادینه شدن اصول و ارزش‌ها در درون یک فرد ریشه در نوع آموزش دارد به نحوی که هر چه آموزش فرد بهتر و اصولی‌تر باشد، آن فرد، انسان بهتری برای خود و جامعه و حتی جهان می‌گردد. یکی از شیوه‌های نوین در آموزش، استفاده از تئاتر و هنرهای نمایشی است. هرچند قدمت این شیوه به زمان‌های کهن برمی‌گردد اما تقریباً از سال ۱۹۸۰ و با تأسیس اولین پایگاه «تئاتر پداگوژی» در شهرهای لینگن و کلن آلمان به طور رسمی آغاز شد. در ایران نیز این نوع تئاتر پداگوژی در حدود ۱۵ سال است که آغاز به کار نموده است لیکن آن‌طور که شایسته است جایگاه خود را در جامعه ایرانی و نظام آموزشی آن به دست نیآورده است و متأسفانه دامنه استفاده از آن بسیار اندک است. در این پژوهش که در راستای روش‌های جدید آموزش باستان‌شناختی به کودکان و نهادینه نمودن ارزش‌های فرهنگی در آنان صورت گرفته، هدف معرفی تئاتر پداگوژی به عنوان روشی مهم در امور یاد شده است. در این راستا ضمن معرفی تئاتر پداگوژی و ظرفیت‌های آن، به کاربرد آن در آموزش باستان‌شناسی پرداخته می‌شود و در نهایت ضمن پیشنهاد الگوهایی جهت استفاده از ابزار تئاتر در آموزش باستان‌شناسی برای کودکان، به بیان مسائل مرتبط با آن می‌پردازد.

واژگان کلیدی: آموزش باستان‌شناسی، ارزش‌های فرهنگی و تاریخی، ارتقای فرهنگی، تئاتر پداگوژی، شیوه‌های آموزش.

روند تغییرات و تخریبات در چشم‌انداز باستانی سرپل زهاب طی چند دهه اخیر؛ چه بر سر میراث باستانی ما می‌آید؟

سجاد علی بیگی

(استادیار باستان‌شناسی دانشگاه رازی، sadjadalibaigi@gmail.com)

چکیده

سرپل زهاب به دلیل واقع شدن میان ارتفاعات فلات ایران و دشت‌های شرق بین‌النهرین و دارا بودن مدارک باستان‌شناختی متعدد از برهم‌کنش‌های این دو منطقه، از دیدگاه باستان‌شناسی حائز اهمیت است. به این مورد باید حاصلخیزی خاک و پر آبی منطقه و از همه مهم‌تر عبور جاده خراسان بزرگ را افزود. همین موارد باعث شده که تنها در دشت‌های سرپل زهاب نزدیک به ۲۰۰ محوطه باستانی شکل بگیرد. با این حال واکاوی اسناد و مدارک باستان‌شناسی حاکی از این است که محوطه‌های باستانی منطقه سرپل زهاب با سرعت بالایی در حال تخریب و نابودی هستند و عدم مدیریت این روند، میراث باستانی این منطقه بسیار مهم را به نابودی کامل خواهد کشاند. بر پایه اسناد باستان‌شناختی اواخر قرن ۱۹ میلادی تا امروز، محوطه‌های باستانی زیادی در منطقه سرپل زهاب وجود داشته که امروزه یا به کلی از میان رفته یا بخش عمده آن‌ها نابود شده است. نقشه‌های قدیمی ژاک دمرگان از شهر سرپل زهاب یا نقشه‌های ولفرام کلایس در دهه ۱۹۷۰ از دشت قلعه شاهین نشان می‌دهد شمار زیادی از ساخت و سازهای این دشت به واسطه توسعه شهر یا تسطیح اراضی از میان رفته‌اند. نگاهی به نتایج بررسی میدانی سال ۱۳۹۴ نگارنده و مقایسه آن با عوارض مشهود در تصاویر ماهواره کرونا در دهه ۱۹۶۰ نشان می‌دهد توسعه اراضی کشاورزی و استفاده از ماشین‌آلات سنگین، بالای جان تپه‌ها و محوطه‌های منطقه شده است. به این‌ها باید ساخت و حفر سنگرهای نظامی و پایگاه‌های پدافند هوایی جنگ تحمیلی، حفريات غیرمجاز عتیقه‌جویان، ساخت و ساز روی تپه‌های باستانی، صدمات زلزله سال ۱۳۹۶، عدم توجه به مرمت بناها و آثار تاریخی، آسیب‌های حاصل از فعالیت‌های عمرانی و ... را افزود. اجرای طرح گرمسیری توسط وزارت نیرو و به‌ویژه ایجاد سیستم آبیاری تحت فشار توسط وزارت جهاد کشاورزی ضربه مهلکی بر پیکره تاریخ و باستان‌شناسی سرپل زهاب بوده است. با اجرای این طرح حدود ۲۵ هزار هکتار از اراضی منطقه تحت تأثیر قرار گرفت و تقریباً هیچ محوطه باستانی در دشت‌های شهرستان سرپل زهاب وجود نداشت که از گزند اجرای این طرح در امان مانده باشد. از ۱۹۳ محوطه باستانی شناسایی شده در بررسی اخیر، تنها چند محوطه در فهرست آثار ملی ثبت شده و از این تعداد تنها پنج محوطه دارای عرصه و حریم مصوب است. شدت و حدت تخریبات و بازدارنده نبودن مقررات و قوانین باعث شده میراث ملی ما در سرپل زهاب بی‌پناه‌تر از همیشه بماند.

واژگان کلیدی: سرپل زهاب، تخریب محوطه‌ها، تغییر چشم‌انداز باستانی، تسطیح اراضی، طرح گرمسیری.

چند نکته در راستای باستان‌شناسی و جامعه و اهمیت فلسفه در باستان‌شناسی اخلاقی

عباس علیزاده

(پژوهشگر مؤسسه شرق‌شناسی، دانشگاه شیکاگو آمریکا)

چکیده

در یک رویکرد اجتماعی در راستای حل مشکلات باستان‌شناسان در تعامل با جامعه در کل و به‌ویژه با جوامع بومی که پژوهش‌های میدانی در بطن آنها انجام می‌گیرد، در نظر گرفتن سودمند بودن باستان‌شناسی برای جامعه ضروریست. اما سودمند بودن برای جامعه به چه معناست؟ و چگونه باستان‌شناسی می‌تواند برای جامعه، به ویژه جامعه محلی و بومی سودمند باشد؟ تولید دانش فی نفسه کافی و خیر اجتماعی نیست. پرسش بنیادی این است که باستان‌شناسی با چه راهکارهای می‌تواند به علمی کاربردی در حفظ جوامع بومی تبدیل شود؟ مانند بسیاری از رشته‌های آکادمیک، نتیجه اخلاقی کاربردی باستان‌شناسی این است که راهکارهای عملکردی باستان‌شناسی برای جامعه تبیین شود. اما مسأله مهم، ارتباط باستان‌شناسی با جامعه و اهمیت فلسفه در باستان‌شناسی اخلاقی است. در باستان‌شناسی کاربردی، مزایا می‌توانند اجتماعی و محیط زیستی باشند و این شامل چیزی است که در ادبیات غربی باستان‌شناسی به معنی گذشته قابل استفاده برای جامعه بومی است. یعنی مطالعات باستان‌شناسی به حل مشکلات بنیادی بومی بپردازد. مشکلاتی که هم برای جوامع و هم دولت‌های معاصر چالش برانگیز است. بارزترین این چالش‌ها، سدسازی و کارهای عمرانی است. در اینجا نقش اخلاق در تعامل باستان‌شناسان با سیاست‌ها و پروژه‌های دولتی چیست؟ آیا فقط انجام یک سری کاوش و بررسی عموماً شتاب‌زده برای نجات آثار باستانی کافی است، یا اینکه مشکل تخریب محیط زیست و یا تغییرات آب‌وهوایی از طریق داده‌های دیرین محیط زیست‌شناسی و یا با توسل به دانش تاریخی همراه با برآوردی از عواقب شوم بر اقتصاد اقوام و اقتصاد محلی هم بایست مدنظر گرفته شود و عواقب آن به آگاهی بومیان محلی برسد؟ حتی خوش‌نیت‌ترین تحقیقات ممکن است عواقب جدی داشته باشد. برای نمونه مشکلات زیادی که ساخت سد بزرگ اسوان در مصر در سیستم آبیاری و رسوب‌گذاری نیل به وجود آورد که مسبب آن یا نگاه ضعیف به سیستم آبیاری سنتی بود که در بیش از پنج هزار سال کارآمد بود و یا گوش ناشنوای دولت. در ایران هم این مسأله را می‌توان با صدمات اقتصادی و زیست محیطی جبران‌ناپذیری که سدسازی بی‌رویه در جنوب غرب ایران به وجود آورده است، به منزله مصداق بارز در نظر گرفت. باستان‌شناسی و رشته‌های مربوط به آن مانند دیرین‌گیاه‌شناسی، دیرین‌زمین‌شناسی و ... می‌تواند گذشته قابل استفاده را در اختیار برنامه‌ریزان قرار دهند تا از عواقب زیان‌آور آن‌ها تا حد امکان جلوگیری شود، به شرطی که این دو (باستان‌شناسی و جامعه) با نگاه به اهمیت فلسفه سعی در حل مشکلات کشور نمایند، که بحث اصلی این مقاله را تشکیل می‌دهد.

واژگان کلیدی: باستان‌شناسی، اخلاق، فلسفه، جامعه، دولت.

از زاگرس تا البرز و جهانی شدن نوسنگی

حسن فاضلی نشلی

(استاد گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران، hfazelin@ut.ac.ir)

چکیده

بی‌شک نوسنگی شدن و ورود به دوره روستانشینی یکی از مهم‌ترین مقاطع تاریخ بشر محسوب می‌شود نه از آن جهت که تحولی شگرف در طرز معیشت مردم صورت گرفته است، بلکه از آن جهت مهم بوده است که دوره روستانشینی را بایستی یک انقلاب اجتماعی و ایدئولوژیکی محسوب کرد که تمام ابعاد وجودی انسان را تحت تأثیر خود قرار داد. لذا، بسیار مهم است که جایگاه ایران در یک چنین تحول مهم چگونه بوده و سهم ایران در یک چنین تحول تاریخی به چه میزان بوده است. امروزه به مدد پژوهش‌های جدیدی که توسط نسل جدید باستان‌شناسی که در غرب ایران صورت گرفت، میدانیم که در حدود ۹۸۰۰ تا ۹۶۰۰ قبل از میلاد نخستین کانون‌های نوسنگی شدن در غرب ایران اتفاق افتاده است. کاوش در محوطه‌هایی همانند شیخی آباد، چغاگلان، چپاسبز شرقی و برخی از محوطه‌های دیگر نشان از یک دوره انتقالی ۱۸۰۰ ساله در اهلی کردن دام و گیاه دارد و کمابیش در حدود ۸۰۰۰ قبل از میلاد انسان در بخش‌های زاگرس مرکزی وارد یکجانشینی گردید و بنیان‌های یک جامعه تمام‌عیار روستانشینی در ایران فراهم آورد. همچنین از منظر باستان‌شناختی می‌دانیم که حرکت نخستین کشاورزان از زاگرس مرکزی به تدریج به بخش‌های پائین تر زاگرس مرکزی کشیده شد و به آرامی جوامع کشاورزی به سوی زاگرس جنوبی حرکت کرده و در نهایت این جوامع روستایی تا شبه قاره هند گسترش یافته بودند. از طرفی دیگر در شمال ایران و در گوشه‌های شرقی تر آن انسان‌هایی که در غارهایی همانند کمیشانی، هوتو و کمر بند زندگی می‌کردند دارای تجربه بسیار گران‌بهایی در گذار از شکارورزی به سوی کشاورزی از خود بجای گذاشته‌اند که تا حدود زیادی تجربه نوینی داشته‌اند که متفاوت از زاگرس مرکزی بوده است. کاوش‌های اخیر که در شمال ایران انجام گرفته است، از این منظر مهم است که می‌تواند به چگونگی بسط نوسنگی در شمال شرق ایران تا ترکمنستان بسیار کمک نماید. نکته بس مهم اثرات نوسانات اقلیمی در ورود به عصر نوسنگی بوده است که در برخی از نقاط ایران این مهم باعث عدم توافق انسان در شرایط جدید گردیده و موجب گسست تاریخی در سکونت‌گزینی در روستاها شده است. مقاله حاضر به ارزیابی کمی و کیفی بسط و گسترش جوامع نوسنگی در سرتاسر ایران در دو جبهه زاگرس و البرز خواهد پرداخت.

واژگان کلیدی: البرز، نوسنگی، روستانشینی، شکارورزی، اهلی‌سازی.

مدیریت حفاظت و مرمت در محوطه‌های میراث جهانی تخت جمشید و پاسارگاد: مروری بر تجارب مشترک جهانی

حمید فدایی

(دکتری مرمت، عضو هیأت علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری)

چکیده

وجود برنامه مدیریتی حفاظت و مرمت به منظور دستیابی به حفاظت مؤثر از ارزش‌های میراثی در محوطه‌های میراث فرهنگی برای نسل حال و انتقال آن به نسل آینده حایز اهمیت فراوان است. محوطه‌های میراث جهانی تخت جمشید و پاسارگاد از معتبرترین محوطه‌های هخامنشی هستند که می‌توان فرآیند حفاظت از سنگ و تزیینات حجاری و اصول و مبانی مرتبط با آن را اندکی پس از آغاز کاوش‌ها تا کنون در آنها بررسی نمود. در طول دهه‌ها حفاظت و مرمت، معلومات و مهارت‌های تخصصی مورد نیاز برای پایداری محیط تاریخی، توسعه، حفظ و به نسل بعد انتقال یافته است. حضور مهارت‌های تخصصی به خصوص ضمن حفظ ارزش‌های اثر بوده و با پاسداری از ارزش‌های میراث فرهنگی و طبیعی، خود یک منبع حفاظتی است. حفاظت و مرمت در محوطه تخت جمشید اندکی پس از کاوش‌های گسترده محوطه توسط مؤسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو در سال ۱۳۱۰ خورشیدی آغاز می‌گردد. در این میان نقش مؤسسه ایتالیایی خاورمیانه و خاور دور (ایزمئو) در روشمند نمودن مرمت‌های این دو محوطه در فاصله سال‌های ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۷ خورشیدی بسزا است. انجام مطالعات مختلف و عملیات اجرایی مرمت توسط این مؤسسه با برنامه‌ریزی و سازماندهی دقیقی همراه بوده است. قبل از آغاز مرمت، ضوابط و معیارهای دقیق آن تدوین می‌شده است تا اصول و مبانی میزان مداخله مشخص گردد. مستندنگاری و ارایه گزارشات ماهیانه و سالیانه بخشی از مسئولیت گروه‌های مرمت بوده است و با بازدید و نظارت مستمر گروهی از مشاوران مؤسسه ایزمئو و با همکاری دیگر مراکز آزمایشگاهی و مرمت، روند فعالیت‌ها و نیازهای برنامه‌ها مورد ارزیابی قرار می‌گرفته است. در دهه چهل و پنجاه خورشیدی آموزش نیروهای جوان مرمتگر از جمله اهداف حفاظت بوده است. توجه نمودن به مشارکت جامعه محلی در فرآیند حفاظت و مرمت و اعتماد به هنروران بومی و ارایه آموزش در زمینه اصول و روش مرمت به ایشان، به خلق استادکارانی انجامید که دانش تجربی آنها ضمن انتقال به نسل بعدی، تاکنون نیز مورد استفاده قرار گرفته است. اگرچه با وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ فعالیت موسسات و گروه‌های خارجی از جمله همکاری مؤسسه ایزمئو در محوطه‌های تاریخی ایران به یکباره متوقف شد، اما به دلیل همین آموزش‌ها در محوطه و تربیت نیروی مرمتگر متبحر و متعهد است که در غیاب آموزش‌های دانشگاهی آن دوره، فعالیت‌های حفاظتی در محوطه‌ها و بناهای تاریخی متوقف نمی‌شود و نسل

جدید متخصصان و هنروران بومی امکان آن را می‌یابند برای چند دهه موضوع حفاظت و مرمت آثار سنگی را در محوطه‌های شاخص تحت جمشید و پاسارگاد دنبال کنند. پیش از شکل‌گیری بنیاد پژوهشی پارسه - پاسارگاد در آغاز دهه هشتاد خورشیدی، روش آناستیلوز، شیوه رایج در مرمت‌های تخت جمشید بود و مرمت و استحکام‌بخشی سنگ‌های سست با استفاده از ملات ماسه و سیمان و روش‌های فولادگذاری دنبال می‌شد. این در حالی بود که با گذشت چند دهه از کاربرد این روش‌ها، نگرش در محوطه‌های سنگی مطرح دنیا، از مرمت‌های سنگین به جایگزینی روش‌های ساده حفاظتی تغییر عمده‌ای نموده بود. بنابراین پس از آغاز فعالیت بنیاد پژوهشی پارسه - پاسارگاد از مهم‌ترین اهداف، بهبود و ارتقاء شیوه‌های حفاظت و حذف تدریجی مداخلات در محوطه بود. همکاری مجدد با هیأت‌های مرمتگر ایتالیا در زمینه سنگ پس از گذشت بیش از سه دهه در سال ۱۳۹۳ امکان‌پذیر شد. هدف اصلی از این اقدامات حفاظتی که با همکاری مؤسسه عالی حفاظت و مرمت رم (ISCR) و در پاسارگاد اجرا شد، دستیابی به شیوه‌ای مناسب برای نگهداری درازمدت محوطه با انجام کم‌ترین مداخله بر روی مصالح بود؛ به گونه‌ای که از بروز فرسایش‌ها جلوگیری نماید، از پاتین تاریخی ایجاد شده بر سطح اثر حفاظت شود و تصویر تاریخی محوطه احیاء گردد. این همکاری‌ها از سال ۱۳۹۷ با مشارکت مؤسسه مرمت‌گران بدون مرز ایتالیا (RSF) در حوزه‌های مطالعاتی، پژوهشی، آموزشی و اجرایی حفاظت و مرمت در تخت جمشید ادامه یافت. امروزه حفاظت در محوطه‌های میراث جهانی تخت جمشید و پاسارگاد بر پایه مبانی و تجارب مشترک جهانی همچنان دنبال می‌گردد.

واژگان کلیدی: تخت جمشید، پاسارگاد، حفاظت و مرمت، مدیریت.

تأثیر زیست محیط منطقه سیستان بر معماری محوطه هخامنشی دهانه غلامان

کتایون کیان‌پور

(دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه بوعلی سینا همدان، Katauon.kianpoor96@gmail.com)

چکیده

جغرافیا و زیست‌بوم از دیرباز جزء جدایی‌ناپذیر و از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری تمدن‌ها و شهرهاست و این امر حتی تا حال حاضر و ساختارهای شهری کنونی نیز پابرجاست. عامل جغرافیا نه تنها در نحوه و محل ساخت یک محوطه که بر نوع مصالح بکار رفته در سازه نیز نقشی تعیین‌کننده و تأثیرگذار دارد. در این پژوهش سعی شده تا محیط طبیعی و شرایط جغرافیایی دشت سیستان را بیان کرده و تأثیر محیط گرم و خشک منطقه را بر ساخت سازه‌ی هخامنشی دهانه غلامان بررسی کنیم و تفاوت و شباهت‌های شیوه‌ی ساخت این محوطه را با اسلوب معماری هخامنشی در ایران مورد بحث قرار داده تا پاسخی بر چگونگی تأثیر جغرافیا بر شکل‌گیری محوطه‌ها باشد. برآیند مطالعات انجام شده تأکیدی بر بوم‌آورد بودن مصالح داشت چنانکه نبود مصالح چوب و سنگ موجب شکل‌گیری بناهایی با طاق و قوس شده که با اسلوب معماری هخامنشی که ستون‌های فراوان است در تضاد است و شکل‌گیری سقف‌ها به شکل گنبدی و تداوم این سبک تا حال حاضر و همچنین شیوه‌ی پلان بنا به شکلی درون‌گرا که بومی مناطق گرم و خشک است و تفاوت آن با اسلوب معماری هخامنشی که به شکلی برون‌گراست نشان از تأثیر زیست‌بوم بر شکل‌گیری این شهر بوده است. روش انجام این پژوهش به شکل کتابخانه‌ای و استفاده از گزارشات حفاری‌ها و بررسی مقالات مرتبط با معماری هخامنشی صورت گرفته است. از مشکلات تحقیق نیز می‌توان به عامل شن‌های روان منطقه اشاره نمود که بسیاری از بناهای محوطه را از دیده پنهان کرده و مانع از مشاهده و بررسی تمامی پلان‌ها در رسیدن به نتیجه‌ای مطلوب شده است.

واژگان کلیدی: تأثیرات محیط‌زیست، سیستان، دهانه غلامان، معماری، هخامنشی.

ارتباطات فرهنگی میان حوضه رودخانه دامن در بلوچستان ایران با مناطق هم‌جوار در عصر مفرغ؛ بر مبنای گونه‌شناسی سفال‌های محوطه شهردراز

محمد کیخا

(دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان،

(Mohammad.keikha1367@gmail.com)

سحر بختیاری

(دانش‌آموخته دکتری باستان‌شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان)

یاسمن نصیری پور

(دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان)

مجتبی سعادتیان

(دانش‌آموخته دکتری باستان‌شناسی دانشگاه تهران)

سپیده بختیاری

(دانش‌آموخته دکتری باستان‌شناسی دانشگاه مازندران)

چکیده

یکی از اساسی‌ترین راه‌ها جهت درک ارتباطات فرهنگی در دوره‌های مختلف، مطالعه و بررسی سفال است. از مناطق مهم باستانی در منطقه بلوچستان ایران حوضه رودخانه‌ی بمپور می‌باشد. رودخانه بمپور از به هم پیوستن رودخانه‌های کوچکی مانند کارواندر و دامن و شاخه‌های متعدد کوچک دیگر تشکیل شده و در جهت شرقی- غربی جریان می‌یابد. رودخانه دامن و بمپور در عصر مفرغ کانون شکل‌گیری محوطه‌های شاخص و مهمی بوده‌اند که در تبیین و شکل‌گیری اجتماعات انسانی نقش اساسی ایفا نموده‌اند. حوضه رودخانه دامن به‌صورت کریدور ارتباطی بین شمال بلوچستان، مرکز و جنوب آن می‌باشد. در حین پروژه بررسی و گمانه‌زنی جهت تعیین عرصه و پیشنهاد حریم محوطه شهردراز در حوضه رودخانه دامن در شهرستان ایرانشهر به سرپرستی محمدکیخا در پاییز سال ۱۳۹۹ تعداد ۱۱۲ قطعه سفال شناسایی، ثبت و ضبط و مورد مطالعه قرار گرفت. پژوهش حاضر بر آن است تا با مطالعه و تحلیل نمونه‌های سفالی مکشوف از این محوطه و مقایسه‌ی آن‌ها با سفال‌های سایر محوطه‌های هم‌دوره و هم‌جوار، روند جریانات فرهنگی منطقه را مورد بررسی قرار دهد. نظر به اینکه هدف اصلی در این پژوهش، تعیین جایگاه منطقه در جدول گاهنگاری جنوب‌شرق ایران و مطالعه ارتباطات فرهنگی حوزه‌ی بلوچستان به‌ویژه حوضه رودخانه دامن با سرزمین‌های هم‌جوار در شمال



(سیستان ایران و افغانستان)، شرق (بلوچستان پاکستان)، جنوب (سواحل مکران) و غرب (دره صوغان) است. بنابراین در راستای نیل به این هدف، از مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی‌های میدانی استفاده شد و مشخص گردید که محوطه‌ی شهردراز در حوضه‌ی رودخانه دامن تداوم فرهنگی در طول عصر مفرغ (هزاره سوم ق.م) داشته و سفال این منطقه نیز بیشترین مشابهت و همسانی را با سفال‌های محوطه‌های باستانی بمپور و منطقه پاکستان دارد. علاوه بر این، بر اساس مطالعات گونه‌شناختی سفال به نظر می‌رسد که در عصر مفرغ، حوضه‌ی رودخانه دامن، نه تنها ارتباطات منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای گسترده‌ای داشته‌اند، بلکه یکی از مسیرهای مهم ارتباطی و نقطه اتصال محوطه‌های حوزه‌ی بلوچستان مرکزی با محوطه‌های دره صوغان، بلوچستان جنوبی، سیستان و بلوچستان پاکستان بوده‌اند.

واژگان کلیدی: حوضه رودخانه دامن، محوطه شهردراز، عصر مفرغ، برهمکنش‌های فرهنگی، طبقه‌بندی، مقایسه گونه‌شناختی.

بررسی و مطالعه تطبیقی منظر کشاورزی در سه باغ جهانی اکبری، فین و شاهزاده

سعیده مرادزاده میرزایی

(دانش آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه بیرجند، saeedhmaradzadeh@birjand.ac.ir)

سیدمحمد رضا خلیل‌نژاد

(عضو هیأت علمی دانشگاه بیرجند)

سامان فرزین

(عضو هیأت علمی دانشگاه بیرجند)

چکیده

در منابع پژوهشی، باغ‌های ایرانی به دو گونه تولیدی و تزیینی تقسیم شده‌اند. این موضوع، نتیجه نگرش حکیمانه باغبانان سنتی و طراحان باغ ایرانی به دو مقوله باغبانی زینتی و کشاورزی متمرکز در زمینه استفاده بهینه از امکانات محیطی و ارتقای بهره‌وری از آب، زمین و گیاه برای استفاده‌های انسانی فراهم آمده است. این پژوهش با ارائه تصویری واقعی از وضعیت فعلی منظر کشاورزی باغ‌های مورد مطالعه، قصد دارد تا با عنایت به اهمیت موضوع منظر کشاورزی (آن بخش از منظر سبز باغ که باهدف تولید محصولات خوراکی ماهیتی تولیدی دارد) و بررسی وضعیت آن در گذشته و حال، طراحان معماری منظر را در راستای حفظ و احیاء منظر اصیل باغ ایرانی یاری رساند. لذا این مطالعه با روش توصیفی-تحلیلی و جمع‌آوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای به همراه مطالعات میدانی در باغ اکبری می‌باشد. نگارندگان در پی معرفی و شناساندن منظر کشاورزی اصیل باغ ایرانی است که در پی این مطالعات باید اذعان داشت متأسفانه در باغ فین کاشان این منظر کاملاً از بین رفته و به منظر زینتی غیر اصیل تبدیل گشته است و درختان میوه بومی و ایرانی جای خود را به سطوح چمنی با بذر خارجی داده‌اند که نتیجه مصرف‌گرایی و آفت تزیین‌گرایی است؛ اما خوشبختانه منظر تولیدی باغ اکبری و شاهزاده موجود بوده که لازم است اقدامات جدی در خصوص حفاظت و بهسازی آن انجام گیرد.

واژگان کلیدی: منظر کشاورزی، باغ ایرانی، باغ اکبری، باغ فین کاشان، باغ شاهزاده.

باستان‌شناسی سیاسی: پژوهش‌های شهرسوخته و نقدی به رویکردهای باستان‌شناسی پسااستعماری در ایران

حسین مرادی

(دانش‌آموخته دکتری باستان‌شناسی و معاون گروه باستان‌شناسی شهرسوخته،

h_moradi57@yahoo.com)

چکیده

مقاله پیش رو در وجه نخست، به محوطه‌هایی که کاوش‌های باستان‌شناختی در آن‌ها انجام شده به‌عنوان پدیده‌ای پویا و تأثیرگذار در حوزه‌های جغرافیایی انسانی نگاه کرده و تعامل چنین پدیده‌های ظاهراً مرده‌ای را با محیط‌های انسانی بررسی می‌کند. از این منظر می‌توان دامنه تأثیرات محوطه‌های باستان‌شناختی را به زمینه‌های مختلفی همچون فرهنگی، اقتصادی و علمی/فنی طبقه‌بندی کرد. زمینه فرهنگی که مبنای بحث این نوشتار است، خود دارای زیرمجموعه‌های وسیع‌تری است که با مسائل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در ارتباط است. بیشتر نگاه پژوهش حاضر بر اساس مسأله بنیادی «هویت» بنا شده است. بر این اساس، شهرسوخته در سیستان به‌عنوان هدف پژوهش حاضر، یکی از معدود محوطه‌های باستانی خاورمیانه است که کاوش‌های باستان‌شناسی در آن از حدود ۵۰ سال پیش آغاز و تا امروز با یک وقفه بیست‌ساله از آغاز انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۷۵ ادامه داشته است. تداوم کاوش‌های باستان‌شناختی در یک محوطه باستانی در جغرافیایی که پایداری‌های سیاسی و مدیریتی در آن چندان قابل پیش‌بینی نیست (به‌صورت جهان سوم)، به‌ندرت دیده می‌شود. چنین پیوستگی در کاوش‌های باستان‌شناسی در یک محوطه باستان‌شناختی افزون بر مسائل علمی و فنی می‌تواند تأثیرات عمیق اجتماعی و اقتصادی در محیط و جغرافیایی که این محوطه باستانی در آن قرار گرفته است بگذارد که این مسائل در ارتباط با تأثیری که کاوش‌های باستان‌شناسی شهرسوخته در سرزمین کهن سیستان و بلوچستان داشته مورد بررسی قرار گرفته است. این تأثیرات فرهنگی، خود را در قالب ارائه شکل جدیدی از هویت بومی بروز داده و باستان‌شناسی به‌عنوان خط سومی از روایت هویت در سرزمین سیستان و بلوچستان، باعث تغییر در مناسبات سیاسی و اجتماعی مردم با مردم و با حاکمیت در این استان شده است. بخش سوم پژوهش رویکرد کاوش‌های باستان‌شناسی شهرسوخته را در پیش و پس از انقلاب توسط دو گروه باستان‌شناسان اروپایی و ایرانی مورد بررسی قرار می‌دهد و از این منظر نقدهایی به باستان‌شناسی ایران که بیشتر محصول تربیت و رویکردهای پسااستعماری در آموزش عالی ایران است وارد می‌کند و کاوش‌های باستان‌شناسی را از این منظر مورد دقت و واکاوی قرار خواهد داد.

واژگان کلیدی: ایران، شهرسوخته، قومیت، هویت، تأثیرات اجتماعی.

پیوند فرهنگی ایلامیان و هخامنشیان بر پایه داده‌های باستان‌شناسی

علیرضا مس‌فروش

(دانش‌آموخته کارشناس ارشد باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس،

Alireza.Mesforoush@gmail.com)

چکیده

بنا به نظر مورخان هنر، هنر هخامنشیان در ابتدا تلفیقی از هنر سرزمین‌های مفتوحه بود که در این میان تمدن ایلام نقش بسزایی داشت، به‌طور قطع چگونگی پیوندهای فرهنگی میان این دو حکومت را باید در دوران گذار از فرهنگ ایلامی به فرهنگ پارسی جستجو کرد. در دوران ایلام نو ته‌اجمات پی‌درپی آشوریان، علیه همسایگان شرقی خود، یعنی مادها، پارس‌ها و به‌خصوص ایلامیان در میان سده‌های هشتم تا اوایل قرن هفتم ق.م، منجر به ایجاد روابط دوستانه‌ای میان پارسی‌ها و دولت ایلام، در قالب اتحادهای سیاسی نظامی، برای مقابله با خطر آشوریان شده بود، به نظر می‌رسد پارسیان در طول سده‌های هم‌جواری و ارتباط با ایلامیان تحت تأثیر آن‌ها قرار گرفته و تبادلات فرهنگی میان آن‌ها صورت پذیرفته که نمود آن را می‌توان بر روی داده‌های باستان‌شناسی مشاهده نمود. به‌رغم این که در ابتدا، این امر برای ایلامیان چندان خوشایند نبود و منجر به شورش‌هایی از جانب آنان شد، اما در نهایت آن‌ها حکومت پارسیان را بر خود پذیرفتند، ولی همچنان برخی از اندیشه‌های مذهبی و فرهنگی خود را در قالب آثار هنری وارد هنر پارسیان کردند. مطالعه‌ی برخی از مواد فرهنگی بر جای مانده از این دوران، در شکل‌گیری و گسترش حکومت هخامنشی از اهمیت فراوانی در حوزه‌ی علم باستان‌شناسی و تاریخ هنر برخوردار می‌باشد. این نوشتار در پی پاسخ به پرسش‌هایی در خصوص این که چه داده‌هایی باستان‌شناسی از برهم‌کنش‌های فرهنگی میان ایلام و هخامنشی خلق شد و چگونه می‌توان از طریق این داده‌ها و سایر مواد فرهنگی برجای مانده، پیوندهای فرهنگی میان آن‌ها را تحلیل کرد؟ و این که در نهایت در گذار از ایلام به هخامنشی، این تبادلات فرهنگی یک‌سویه و یا دوسویه بوده است؟ می‌باشد. روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش به‌صورت تحقیقات کتابخانه‌ای و توصیفی - تحلیلی است و در این راستا مقالات و کتب مربوطه مورد مطالعه قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: ایلامیان، پارسیان، داده‌های فرهنگی، برهم‌کنش‌های فرهنگی.

نامعاصر بودگی، سرگشتگی تاریخی و آشفتگی هویتی

حکمت‌الله ملاصالحی

(استاد گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران)

چکیده

به سخن آموزگار بنام فلسفه سیاسی کشور ما سید جواد طباطبایی؛ «کمتر کشوری در جهان متمدن وجود دارد که کارگزاران بلندپایه آن به اندازه فرمانروایان ایران از تاریخ کشور خود بیگانه باشند. البته این یکی از فضیلت‌های کشور ماست. در این کشور دیواری کوتاه‌تر از تاریخ ایران وجود ندارد و این بی‌توجهی به تاریخ در کشور و در مقابل توجه داشتن دشمنان کشور به تاریخ باعث می‌شود تا در بیشتر جبهه‌ها بر ما چیرگی داشته باشند». به عبارتی نامعاصر بودگی، سرگشتگی تاریخی و آشفتگی هویتی را بیش از ۱۵۰ سال است که به عنوان یک معضل تجربه می‌کنیم. هرچند سه مفهوم گفته شده در ظاهر جدا از هم هستند، اما در مصداق به هم پیوسته هستند. در این مقاله سعی می‌شود چشم‌اندازی کلی از آن چه بیش از ۱۵۰ سال است که با آن دست به گریبان هستیم، ارائه شود. مملکت‌داری و اتخاذ تصمیم‌های خردمندانه و هوشمندانه در بزنگاه‌های تاریخی و فراز آمدن بر مخاطرات و چالش‌های پیش‌رو در آوردگاه‌های هول‌انگیز جامعه، جهان و تاریخ تحولات عصری که نمیشناسیمش و با آن معاصر نیستیم، نمی‌توانیم یا نمی‌خواهیم با آن هم‌عصر بشویم و باشیم، از تحولات عظیم و رخداد‌های بی‌سابقه و سرنوشت‌ساز تاریخی، فکری، مدنی و معنوی آن شناخت عمیق و وسیع نداریم و برایمان درست تعریف شده نیست و تعریف روشن و شفاف از آنچه در درون و بیرون تاریخ و فرهنگ و جامعه و جهان ما اتفاق می‌افتد نداریم و با آن احساس هم‌بودی، هم‌زیستی و هماهنگی نمی‌کنیم و نداریم و خود را همگام و همراه نمی‌بینیم و چنان در تعارض و تقابل می‌بینیم که نمی‌توانیم با آن همراه و همگام شویم، همگی از نامعاصر بودگی، سرگشتگی تاریخی و آشفتگی هویتی سرچشمه می‌گیرد که با نگاه درست به گذشته از طریق مطالعه درست باستان‌شناسانه با نگاه فلسفی می‌توان بر آن چیره شد.

باستان‌شناسی و قرن وحشت

سید حسن موسوی شرقی

(دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه تهران، hassan.musavi.sh@ut.ac.ir)

چکیده

شاید بتوان گفت خشونت، بارزترین ویژگی قرن‌ست که در آن زندگی می‌کنیم. هر روز اخبار هولناک قتل‌های رخ داده از سراسر دنیا به جهان مخابره می‌گردد و ما گویی در هجوم بی‌پایان انواع خشونت‌ها گرفتار آمده‌ایم. به‌عنوان یک انسان، شهروند هر گوشه از جهان که باشیم این حجم از اتفاقات تلخ و رویدادهای دهشتناک ما را به وحشت می‌اندازد؛ اما به‌عنوان پژوهشگران انسان‌شناس به معنای کلی آن، در مواجهه با دنیایی سرشار از رنج انسان دیگری شده، چه احساسی داریم؟ اندوه شاید عمیق‌ترین واکنش احساسی ما فارغ از هرآنچه آموخته‌ایم باشد اما برای هر متخصص دانشگاهی و در اینجا باستان‌شناس این سؤال اخلاقی وجود دارد که فارغ از این احساس، برای انسان درمانده امروز، برای هزاران زندگی فروپاشیده در هجوم انواع خشونت‌ها چه می‌توان کرد؟ باستان‌شناسی دهه‌ها به‌عنوان رشته‌ی مطالعه انسان گذشته از ورای مواد فرهنگی برجای مانده از او شناخته می‌شده است و از زمان شکل‌گیری‌اش به‌عنوان یک رشته دانشگاهی تلاش نموده است تا به زوایای مختلف زندگی انسان در گذشته بپردازد و در این پرداخت به ماده‌ی فرهنگی متعهد بماند. تعهد اخلاقی در باستان‌شناسی امروز تعهد به ماده فرهنگی انسان دیروز است اما آیا همین مقدار از اخلاقیات کافی است؟ آیا به‌راستی باستان‌شناسی به همه ابعاد زیست‌انسانی می‌پردازد؟ باستان‌شناسی معاصر از زمان تولدش به این موضوع پرداخته است که تعهد اخلاقی یک باستان‌شناس باید فراتر از ماده فرهنگی که به انسان باشد و تعهد به انسان جز با پرداختن به همه‌ی زوایای زندگی او از جمله خشونت و رنج زیست‌ش امکان‌پذیر نیست. از منظر باستان‌شناسی، آنچه می‌شود برای انسان در رنج امروز انجام داد، باستان‌شناسی معاصر به معنای واقعی آن و نه باستان‌شناسی در بستر معاصر است.

واژگان کلیدی: باستان‌شناسی معاصر، گذشته نزدیک، خشونت، زیست‌انسانی، انسان معاصر.

سدسازی و چالش‌های حفظ آثار باستانی

حامد مولایی کردشولی

(کارشناس ارشد باستان‌شناسی Hamed_Mowlaiey@yahoo.com)

حمید طباطبایی محمدی

(دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه تهران)

چکیده

انسان از ابتدای خلقت با تغییر در محیط‌زیست همواره با اکوسیستم به ستیز برخاسته است. هرگونه دست‌کاری منابع طبیعی اثرات مخربی را در پی خواهد داشت، اما به‌ناچار بشر از دیر باز تا کنون جهت رفع موانع پیش‌رو برای رسیدن به اهداف خود به روش‌های مختلف، از جمله، معدن‌کاوی، حفر چاه و قنات، سدسازی و ساخت‌وسازهای توسعه‌ای و عمرانی، طبیعت را مورد تخریب قرار داده است. کل موجودی آب سیاره ما که با عنوان هیدروسفر می‌شناسیم حدود $1/360/000$ کیلومتر مکعب است که $97/3$ درصد از این مقدار شور و تنها $2/7$ درصد باقیمانده آب شیرین است. به همین دلیل بشر سعی داشت با ارائه روش‌هایی به ذخیره آب شیرین و در کنار آن تولید انرژی از آب بپردازد و همین امر موجب پدید آمدن علم مهندسی سد شد. ماجرای سدسازی از سال‌های پایانی دهه 1320 در ایران آغاز و از دو دهه پیش روند سدسازی در کشور با حجم وسیعی روبه‌رو شد، به طوری که تا سال 1400 آمار کلی سدهای ملی کشور به 214 سد خواهد رسید. سدها در هنگام ساخت و بهره‌برداری تغییرات مخرب فیزیکی (خصوصاً آثار و بقایای باستانی)، شیمیایی، بیولوژیکی، بهداشتی و تغییرات اکولوژیکی را در اقصی نقاط جهان پدید آورده است. هدف از نگارش این پژوهش مطالعه و بررسی انواع اثرات مخرب سدها بر آثار باستانی است. در نتیجه با اهمیت اثرات مثبت سدها، لازم است اثرات منفی سدسازی جهت توسعه پایدار مورد مطالعه قرار گیرد. در این مقاله اثرات موردنظر و ارائه راه‌کار آن در جهت جلوگیری از تخریب آثار مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: سدسازی، آثار باستانی، تخریب، توسعه پایدار، محیط زیست.

اقتصاد معیشتی، میراث باستانی؛ چالش‌ها و فرصت‌ها

سید مصطفی نبوی چاشمی

(دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه تهران، mostafa.nabavi@ut.ac.ir)

حمیده بنیادی

(دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه تهران)

چکیده

میراث فرهنگی هر کشوری هویت آن جامعه است و افراد آن جامعه در صورت داشتن آگاهی و شناخت از پیشینه و گذشته خود، رفتارهای درستی در قبال یادگارهای باستانی و فرهنگی کشور خواهند داشت؛ اما پرسش اصلی این است که داشتن شناخت به‌تنهایی برای ارج نهادن به میراث فرهنگی و باستانی کافی است؟ از سویی، اقتصاد و معیشت جوامع، بستر اصلی تعیین رفتارهای اعضای جامعه در قبال مسائل روزمره را شکل می‌دهد و جهت فلش ارزش‌گذاری و ارزش‌پذیری برای امان‌های همسان و جوجه زندگی روزمره اعضای جامعه، منطقی و مطلقاً به سمت اقتصاد فردی و اجتماعی است، بدین گونه که هرچه سطح رفاه فرد و خانواده در جامعه‌ای بالاتر باشد، رفتارهای آن جامعه معقول‌تر و هدفمندتر است. در این نوشتار سعی شده است با توجه به آیت‌های اقتصادی یک جامعه و نوسانات آن، رفتار اعضای آن جامعه در قبال آثار باستانی و میراث فرهنگی سنجیده شود و نهایتاً به یک تابع مناسب برای ارتباط بین معیشت و بحران‌ها و آسیب‌های آثار باستانی و میراث فرهنگی دست یافت. در راستای این هدف از منابع مکتوب و میدانی استفاده شده است. داشتن رفاه نسبی از سوی اعضای جامعه از نظر تئوری و عملی باعث توجه به میراث فرهنگی و باستانی می‌شود و عکس این موضوع نیز صادق است، در صورتی که جامعه‌ای از فقر نسبی رنج ببرد، افراد جامعه به رفتارهای نامعقول روی می‌آورند که از اثرات آن عدم استفاده از پتانسیل اقتصادی میراث باستانی است.

واژگان کلیدی: میراث فرهنگی، اقتصاد، درآمدزایی، آثار باستانی، معیشت.

رسانه‌های بر بستر اینترنت در خدمت باستان‌شناسی برای مردم: بررسی قابلیت‌ها و ارائه راهکار جهت تعامل اصولی و اثربخش با مخاطبان برخط

زینب نظری طهرانی

(کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه تهران، z.nazari@ut.ac.ir)

چکیده

با ورود تکنولوژی به زندگی انسان در قرن بیستم تغییرات بنیادینی در جنبه‌های مختلف زندگی شخصی و حرفه‌ای رخ داده است. از سال ۱۹۸۳ با معرفی شبکه جهانی اطلاعات (اینترنت) تا کنون رویکردهای ارتباطی بشر کاملاً دگرگون شده است. باستان‌شناسی برای مردم به‌عنوان شاخه‌ای از باستان‌شناسی که یکی از رسالت‌های مهم آن فرهنگ‌سازی در جامعه در تعامل مردم با میراث فرهنگی است، اثرگذاری آن به جذب حداکثری مخاطبان وابسته است. با تغییر رویکردهای ارتباطی در جهان و پیشتازی رسانه‌های دیجیتال به‌ویژه رسانه‌های بر بستر اینترنت، متخصصان فعال در حوزه باستان‌شناسی چه در بدنه نهادهای دولتی همچون وزارت میراث فرهنگی و چه در قالب متخصصان آزاد نیز لازم است برای اثربخشی هرچه بیشتر فعالیت‌های خود در این حوزه، در کنار شیوه‌های تعامل سنتی، با شناخت دقیق قابلیت‌های ابزارهای دیجیتال برای ارتباط با مخاطبان، رویکردهای خود را به‌روز نموده و به‌کارگیری این ابزارها رسانه‌هایی قدرتمند برای ارتباط با مردم جامعه و جریان‌سازی هم‌سو با رسالت‌های این حوزه باستان‌شناسی ایجاد نمایند. در این مقاله با معرفی قابلیت‌های ابزارهای بر بستر اینترنت، رسانه‌های دیجیتال و بررسی و تحلیل بازخوردهای یک نمونه مطالعاتی استفاده از شبکه اجتماعی در حوزه باستان‌شناسی برای مردم برای ارتباط با مردم عادی، به ارائه راهکار برای کاربرد مؤثر این دانش در خدمت باستان‌شناسی پرداخته می‌شود. در نهایت به‌روزترین رسانه‌های اینترنتی و نحوه‌ی تعامل اصولی بر پایه علوم دیجیتال برای ایجاد رسانه‌های قدرتمند و مؤثر باستان‌شناسی برای مردم پیشنهاد می‌گردد.

واژگان کلیدی: میراث فرهنگی، فرهنگ‌سازی، باستان‌شناسی برای مردم، مخاطب، رسانه، اینترنت.

معناکاوی آماری در تفسیر یافته‌های باستان‌شناختی: هم‌بستگی ویژگی‌های سفالی

ساره نعمت‌الهی نیا

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی پیش از تاریخ دانشگاه تربیت مدرس، تهران

sare.nematollahinia@modares.ac.ir

احسان اسفندیاری راد

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور مشهد

چکیده

فرضیه‌سازی و سپس آزمون این فرضیه‌ها مرحله‌ای بنیادین در تفسیر نهایی یافته‌های باستان‌شناختی است. تکیه بر طی مراحل روش علمی در کنار مطالعه توصیفی یافته‌های منفرد، موجبات امکان سنجش معناکاری همبستگی‌ها و سایر انواع ارتباطات میان مواد منفرد باستانی را در نتیجه‌گیری‌ها و تفسیرهای مان فراهم می‌آورد. در این مطالعه از نتایج مطالعات گونه‌شناختی سفالی استفاده کرده‌ایم و با انجام آزمون‌های آماری بر آن‌ها به آزمون فرضیات محتمل درباره ارتباطات میان ویژگی‌های سفالی پرداخته‌ایم. پیوندهای ویژگی‌های سفالی (از قبیل شاموت، رنگ، میزان حرارت و پخت، ظرافت، پرداخت، پوشش و نیز نوع گونه) در نرم‌افزار SPSS با استفاده از آزمون کراسکال - والیس، آزمون کی دو استقلال و تحلیل واریانس یک طرفه (آنالیز انوا) سنجیده شده است. اگرچه رابطه میان برخی از این متغیرها از نظر آماری معنادار نبود، اما نتایج حاکی از پیوندهای چند جانبه سایر متغیرها با یکدیگر است.

واژگان کلیدی: آزمون‌های آماری، سفال دوره مس‌سنگی، آزمون کی دو استقلال، تحلیل واریانس یک طرفه، آزمون کراسکال - والیس.

گردشگری فرهنگی از منظر باستان‌شناسی

رضا نوری شادمهانی

(استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه کاشان، noorshad@kashanu.ac.ir)

چکیده

یکی از انواع گردشگری فرهنگی، بازدید از محوطه‌های باستانی و بناهای تاریخی است. در این نوع گردشگری علاقمندان به تاریخ درازدامن و معماری کهن ایران با هدایت «راهنمایان سفر» به بازدید از محوطه‌ها و بناها می‌پردازند. اما نگارنده به تجربه دریافته که بیشتر راهنمایان سفر از منظر باستان‌شناسی به آثار تاریخی ایران نمی‌نگرند و این موضوع باعث عدم درک صحیح این آثار و وارد آمدن آسیب به آنها شده است. نگارنده در این نوشتار، به مهم‌ترین این معضلات پرداخته است که عبارتند از: «جمع‌آوری قطعات سفال از سطح و پیرامون محوطه‌ها و تپه‌های باستانی»، «عدم توجه به منظر فرهنگی نقش برجسته‌ها» و «عدم استفاده از مسیرهای اصیل و قدیمی آثار». نیک می‌دانیم که گردشگری «بودن» در جایی خاص را برجسته می‌سازد و یکی از اسناد بودن در یک محل، آوردن سوغات است. از آنجا که به همراه آوردن سوغات یکی از ملزومات مفرح گردشگری فرهنگی است، بیشتر گردشگران از روی محوطه‌ها و تپه‌های باستانی قطعات سفال برداشته و به منازل خود می‌آورند. البته اینان درک درستی از جایگاه قطعات سفال در تبیین گاهنگاری و تحلیل فضاهای غنوده در درون این محوطه‌ها و تپه‌ها ندارند. اینجاست که نقش راهنمای سفر که از منظر باستان‌شناسی به گردشگری می‌نگرد برجسته می‌گردد. وی پیش از سفر به اینگونه مقاصد باید اهمیت قطعات سفال حتی معمولی‌ترین آنها را به گردشگران گوشزد نموده و آنها را از آوردن قطعات سفال بپرهیزاند. از سوی دیگر، نقوش برجسته از تصویری‌ترین مقاصد گردشگری فرهنگی ایران هستند. اما متأسفانه در توصیف و تحلیل آنها کمتر به منظر فرهنگی‌شان توجه می‌شود و معمولاً تمام توجه راهنمای سفر و گردشگران به قابی که نقش برجسته را در بر گرفته محدود می‌گردد. این در حالی است که برای درک صحیح از چرایی، چگونگی و چیستی اینگونه آثار، توجه به منظر فرهنگی پیرامون نقوش برجسته از الزامات است. در این مورد باید در اولین گام از بازدید، این اصل مهم را در نظر گرفت: «پشت به نقش و رو به دشت!» همچنین یکی از روش‌ها برای رسیدن به درکی درست از خط سیر تاریخی آثار کهن، بهره‌گیری از مسیرهای اصلی است. مسیریایی که پس از خلق اثر از آنها استفاده می‌شده است. متأسفانه امروزه در شهری همانند اصفهان و محوطه‌ای چون پاسارگاد به دلیل طراحی مسیرهای جدید که تناسبی با زمان صفوی و هخامنشی ندارند و نیز عدم شناخت راهنمایان سفر، مسیرهای اصیل یا هرگز استفاده نمی‌شوند و یا به ندرت بهره‌برداری می‌شوند.

واژگان کلیدی: گردشگری فرهنگی، آثار باستان‌شناختی، راهنمای گردشگری، محوطه‌های باستانی.

غارث میراث فرهنگی و تمدنی سوریه در جریان جنگ با داعش و راهکارهای حقوق بین‌الملل برای مقابله با این جنایت جنگی

سپیده هدایتی‌زاده

(دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه بیرجند، Sepideh.hedayati@birjand.ac.ir)

سامان فرزین

(استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه بیرجند)

چکیده

نظر به افزایش مخاصمات مسلحانه داخلی در کشورهای مختلف بخصوص در منطقه خاورمیانه با پیشینه تاریخی بسیار غنی، بحث حفاظت از میراث فرهنگی در جریان این جنگ‌ها امری ضروری می‌نماید چراکه از بین رفتن میراث فرهنگی هر کشور به‌مثابه نابودی بخشی از کل تاریخ بشریت است. نمونه بارز نابودی این میراث جهانی در جریان جنگ، حملات تعدی و کینه‌توزانه گروه اسلام‌گرای افراطی دولت اسلامی عراق و شام (داعش) به آثار باستانی و اماکن تاریخی و فرهنگی در کشور سوریه است که دقیقاً به‌منظور از بین بردن آثار تمدنی پیش از ظهور اسلام صورت می‌گیرد و موجبات نگرانی جامعه جهانی را فراهم آورده است. پس از حملات گروه افراطی داعش در مناطق تاریخی سوریه بسیاری از آثار به‌طور کامل تخریب شده و یا به غارت رفته‌اند. در این مقاله با بهره بردن از شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی سعی بر آن است ضمن برشمردن برخی قوانین بین‌المللی حمایت از میراث فرهنگی در جهت مقابله با غارت اموال فرهنگی در جریان جنگ‌های داخلی، از جمله کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه، به بررسی بازدارندگی و ضمانت اجرایی این قواعد بپردازیم با تأکید بر سرنوشت اموال فرهنگی و میراث تاریخی آسیب دیده در منطقه سوریه پس از جنگ با داعش. **واژگان کلیدی:** حقوق بین‌الملل، میراث فرهنگی، جنایت جنگی، سوریه، داعش.

شهر گمشده حلوان

شوان محمد صابر هورامی

(دانشجوی دکتری دوره اسلامی دانشگاه سلیمانیه، سلیمانیه، اقلیم کردستان عراق)

(shwanemame@yahoo.com)

زریان سالار حمه عارف

(دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه سلیمانیه، سلیمانیه، اقلیم کردستان عراق)

محمد معصومیان

(پژوهشگر همکار دانشگاه کردستان، سنندج، ایران)

چکیده

شهر حلوان، شهری تاریخی در سده‌های میانی ولایت کردستان یا تعبیر منابع اسلامی اقلیم جبال است که در این مقاله به بررسی جغرافیا و مکان قرارگیری احتمالی این شهر در قرون میانه اسلامی خواهیم پرداخت. با استفاده از منابع تاریخی که به شهرها و مناطقی در نزدیکی این شهر قرار داشته‌اند و به ارتباط آن‌ها با حلوان اشاره داشته‌اند سعی شده است تا به محل قرارگیری این شهر گمشده شناسایی شود. در ادامه همین‌طور به‌طور کامل به بحث در خصوص شهر حلوان به‌عنوان یک شهر کردنشین و دارای اهمیت تاریخی پرداخته خواهد شد. منابع تاریخی کمک کرده‌اند تا برخی از ویژگی‌ها و خصوصیات بارز این شهر در دوره‌های مختلفی از آغاز تا پایان حیات آن را مورد مطالعه قرار دهیم. در منابع تاریخی اسلامی از این شهر به‌عنوان یک شهر بسیار مهم در سده‌های سوم و چهارم هجری نام برده‌اند و به‌طور کم و بیش تا پایان سده‌ی هشتم هجری نام آن را در منابع داریم اما پس از این دوره دیگر نامی از این شهر در نوشته‌های تاریخی به میان نمی‌آید. پس بررسی‌های تاریخی و ارائه مکان احتمالی این شهر سعی شده است تا به چگونگی ایجاد آن و مطالعه فضاهای شهری، منابع تأمین آب راه‌های ارتباطی و هرآن چه که برای ایجاد یک شهر و ادامه حیات لازم بوده است پرداخته شود و نیز عواملی که باعث پایان حیات در این شهر شده است پرداخته می‌شود و در نهایت مشخص خواهیم نمود که آیا واقعاً شهر حلوان یک شهر کامل با معیارهای موجود در شهرسازی اسلامی بوده است یا تفاوت‌های آشکاری با الگوهای شهرسازی در تمدن اسلامی در سده‌های میانی دارد؟ اهمیت دادن به این‌گونه مطالعات از این جهت مهم است که علاوه بر مکان‌یابی شهرهای گم شده تاریخی می‌توان میزان اهمیت ولایت کردستان را در دوره‌های مختلف اسلامی مورد بررسی قرار داد کاری که کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: شهرهای گمشده، شهرسازی اسلامی، کردستان، حلوان.



Higher Education, Technological Learning, and Employment in Archaeology

Rahmat Abbasnejad Seresti

Associate Professor, Department of Archaeology, University of Mazandaran, Babolsar, Iran, r.abbasnejad@umz.ac.ir

Abstract

Various approaches have emerged during the scientific developments of archeology in the last 200 years. But the main schools or approaches of scientific Archaeology have evolved within the framework of the two main schools of thought. The first school began around the beginning of the 19th century with important **components** and parameters such as chronology, the three ages system, and Uni-linear and multi-linear evolutionism. The continuation of this school took place once in the middle of the 20th century with the birth of Processual Archaeology and again, at the beginning of the third millennium AD, with the advent of Cognitive Processual Archaeology and Darwinian Archaeology. Cultural History Approach was the second school that emerged in the late 19th and early 20th centuries but faded in the middle of the 20th century under the heavy shadow of Processual Archaeology. From the 1980s onwards, as a result of the Cultural History Approach development, Post Processualism Approach emerged that addressed issues such as modern heritage, contextual interpretations, and landscape **research**. The New Post Processualism, Agency Theory, Gender Archaeology, and Cultural Resources Management were some developments that took place during the scientific evolution of this school almost from the beginning of the third millennium AD. Although at the beginning of the New Archeology, the approach of cultural history was marginalized and Processual Archeology began to use new research methods and tools, as well as quantitative and computer **methods**, but the fact is that Shortly afterward, archaeologists attribute both approaches used common research methods and tools to develop computational archaeology and digital skills. The purpose of this article is that today it is necessary to address the issues of technology and generation, as well as their role in applying Archaeology and linking it to society and the field of entrepreneurship and employment. The digital world has created at least three major generations since about the middle of the 20th century: the digital immigrants, the digital natives, and the millennial generation. The technological learning of the digital immigrant in



archaeology has included statistics, mathematics, databases, serialization, mapping, stratigraphy, image processing, printing, and graphics. Digital natives since the 1980s have used technologies such as GIS, Cad-Cam design methods, desktop printing, visual reconstruction, landscape, computer simulation, and statistical tests in Archaeological research. Finally, the millennial generation has exploited technologies such as computer computing, aerial imaging (helicopter), image processing, augmented reality (AR/MR) techniques, network analysis, 3D GIS, 3D printing, and laser scanning in Archaeological investigation. The present author wants to analyze the technological learning of the generation by examining the process of scientific developments as well as research methods and tools of the two main approaches of Archaeology. Scientific review of higher education programming, development of research methods and tools in archaeology, attention to technological learning, empowerment of researchers in the field of technological skills, especially digital, and creation of a relationship between researcher generations are the results of this study.

Keywords: Scientific Evolution of archeology, Technologies, Technological Learning, Digital Technology, Generation, Employment.



Examining the Role of Archaeological Studies in the Completion of Regional Political Quarrels and Security of National Heritage (Case Study: Persian Gulf's Issue)

Samira Abdali

M.A. in Archaeology, University of Birjand, Samiraabdali24@gmail.com

Sakineh Tahmasbi

M.A. in Archaeology, Shahrekord University,

Abstract

Because of its strategic and specific situation, governments and great powers have always been concerned about the Middle East region. In addition, the existence of fossil fuel resources has increased their importance. The importance of this region certainly is not only due to energy resources, but also this importance from the millennia BC, and since the formation of the first cities in Mesopotamia and trade with distant regions, Persian Gulf waters, and maritime commerce have always been a matter of concern to residents of the area. The Persian Gulf is a part of Iran's land for many thousands of years and based on the oldest official title which is evidence that it was the Persian sea or the Persian Gulf in all its ancient sources and maps. In the last century and after the formation of young Arab states in the south and west of the Persian Gulf, one of the political-cultural conflicts of the region is related to the distortion of its name, such as the "Arab gulf" and "gulf" where Arabic - speaking neighbors have tried to exploit the great historical distortion. Although this issue has been done in the past decades with the efforts of Iranian and foreign researchers and researchers to study the historical distortion, the claim that the political support of several countries is a danger to greater scientific attention to safeguarding the cultural, national, and historical heritage of the country. This paper, which is fundamental research, studies the archaeological studies of the Persian gulf's region and their impact on preserving and protecting the values of cultural and national heritage, and then by analyzing existing data and scientific critique of some activities, it tries to provide a scientific proposal to target the region's archaeological studies.

Keywords: archaeological studies, political archaeology, Persian Gulf, national identity



Assyrianizing the Zagros in Modern Scholarship

Kozad M. Ahmed

Assistant Professor, Head of the Department of Archaeology, Sulaimani University,
kozad.ahmad@univsul.edu.iq

Abstract

The Zagros Region has been at the center of the history of the Ancient Near East. It was the home of several diverse peoples since times immemorial but was largely Indo-Iranized during the first millennium BC. As a main target of the neighboring major powers, especially from Mesopotamia, it was subject to the establishment of colonies (in the third and second millennia BC) and administrative provinces in the first millennium by the Assyrians. This has led to the conclusion by some that parts of the Zagros region were Assyrianized as a consequence of its annexation to the Assyrian Empire and being ruled at times by Assyrian rulers. However, this is hard to be the case in light of written and material data obtained from the inscriptions and from archaeological excavations. This short paper tries to correct this view.

Keywords: Media, Zagros, Assyrian provinces, Mesopotamia.



Archaeological Activities in Iraqi Kurdistan

Kozad M. Ahmed

Assistant Professor, Head of the Department of Archaeology, Sulaimani University,
kozad.ahmad@univsul.edu.iq

Abstract

Archaeological activities in Iraqi Kurdistan were started by western orientalist and their political representatives. Then, other Western archaeologists continued these activities. After that, Iraqi archaeologists and universities expanded these studies. Sir Henri Rawlinson was the first person who visited the sites and monuments of this area. Regarding the Kurdistan region of Iraq, Herzfeld published several books in 1911 and 1924. Also, in 1928, Drotz Garud published a book about the archaeological excavations of the Hazar Merd and Zarzi caves. Between 1940 and 1960, several books were written on Jarmo's project by Braidwood and his team. Also, Ralph Solecki published several books and articles about the Shanidar Cave project. From the 1990s onwards, the activities of local archaeologists expanded, and after 2003, activities such as archaeological activities and salvage excavations continued independently or jointly with Non-Iraqi teams. These studies are continued by Iraqi archaeologists and universities in cooperation with foreign joint groups.

Keywords: Kurdistan Archaeology, Mesopotamia, Iraq.



An Investigation into Pathology of Sistan Ancient Sites

Javad Alaei Moghadam

Assistant Professor, Department of Archaeology, University of Zabol,
javadalaei@uoz.ac.ir

Abstract

The extensive plain of Sistan is a flat and fertile land which, although in the current situation has an unfavorable climatic condition, in the past it had a different and favorable condition and witnessed the formation of civilizations and unique cultural monuments in different periods. In the archaeological study of Sistan, Iran, 1672 archeological sites were identified that cover a time period from the end of the fourth millennium BC to the Qajar era and include historical cities, mounds, sites, castles, mansions, palaces, fire temples, shrines, mills and minarets, windmills, etc. In addition to the multiplicity and variety of ancient monuments and remains, the intactness of these monuments is also one of the unique features of Sistan, which in the past few decades has been called the "Paradise of Iranian Archaeologists". The interesting point about the ancient monuments of Sistan, which paves the way for obtaining more useful information, is the situation of the monuments and sites. Although archeological studies in this region are relatively old, on the one hand, they are very insufficient relative to the number of available monuments, and on the other hand, they are mostly limited to the Bronze Age and the site of Shahr-e Soukhteh. However, another very important point that can be considered as the most significant concern regarding the ancient monuments in the region in the present era is the increase in the rate of destruction and annihilation of monuments that have remained for thousands of years and today are at high risk due to mismanagement and lack of scientific planning regarding research, conservation, and restoration. The mentioned issue, which I, unfortunately, less considered by archaeologists and other cultural heritage activists in the region, led the author to engage in a comprehensive investigation on the pathology of historical sites, archaeological research, as well as conservation and restoration projects in the Sistan region with the purpose of achieving a scientific, accurate and comprehensive plan about the management of cultural heritage and ancient sites. The present article is part of this research and deals with the pathology and critique of the cultural heritage situation in Sistan.

Keywords: Sistan, Ancient Sites, Archaeological Research, Pathology, Scientific Management.



Archaeological Education and Institutionalizing the Values of Antiquities in Children through Theater Pedagogy

Javad Alaei Moghadam*

Assistant Professor, Department of Archaeology, University of Zabol, javadalaei@uoz.ac.ir

Tahereh aboalizadeh

B.A in Performing Arts

Abstract

One of the most important modern problems in cultural heritage and archeology is to modify the behavior of people in society through antiquities since inappropriate and incorrect treatment of cultural and historical heritage in the simplest manner appears in the form of damaging monuments during visits and in the most complicated manner manifests as illegal excavation, all of which result from lack of proper education in this area and non-institutionalization of national and historical values of the society at the right time. The institutionalization of principles and values in an individual is rooted in the type of education so that the better and more principled the individual is educated, the better person they become for themselves, society, and even the world. One of the new methods in education is the use of theater and performing arts. Although this practice dates back to ancient times, it officially began around 1980 with the establishment of the first "Theater Pedagogy" base in Lingen and Cologne, Germany. In Iran, this type of theater pedagogy has been operating for about 15 years, but it has not achieved its proper position in Iranian society and its educational system as it really deserves, and unfortunately, the scope of its use is very small. In this research, which has been conducted in line with new methods of archeological education for children and the institutionalization of cultural values in them, the purpose is to introduce theater pedagogy as an important method in the above-mentioned matters. Accordingly, while introducing theater pedagogy and its capacities, its application in archeology education is discussed, and finally, while proposing models to use theater as a tool in archeology education for children, the related issues are discussed.

Keywords: Archaeological Education, Cultural and Historical Values, Cultural Promotion, Theatre Pedagogy, Educational Methods.



From the Royal Residence to a Ruin in the Desert; Necessity and Strategies for Preserving the Royal Residence of Dowlatabad-e Borkhar in Isfahan

Saeed Amirhajloo

Assistant Professor, Department of Archaeology, Tarbiat Modares University,
s.amirhajloo@modares.ac.ir

Abstract

The support of the Safavid kings, especially Shah Abbas I, for urban planning, created one of the brightest periods in the history of urban planning and architecture in Iran. Shah Abbas I attempted to develop the old cities and villages and build new ones for economic, political, and religious purposes. He also undertook important construction projects, such as constructing and improving the roads and midway buildings. One of these projects was to build a paved desert road in central Iran, and several royal midway buildings were established along the route. The Dowlatabad village in the north of Isfahan was one of these midway resorts used by the Safavid sultans. But this village was abandoned more than a century ago. Today, this historical site is being destroyed. This study's main issue is the development and decline process of Dowlatabad and the necessity and strategies for its preservation. Accordingly, the first purpose of this study is to introduce Dowlatabad as a newly established village or town in the Safavid period. The second one is to explain its developments concerning political and social events, and the third one is to study how to preserve this little-known historic site. Research data were collected through field and documentary methods. Then, the strategies and principles of preserving the site were explained based on social and cultural context. The results show that Dowlatabad, as a village or town whose space is a combination of the royal elements and the common society, played an important role in the road network of Isfahan during the Safavid period. The preservation of this site provides more information about the social classes of the Safavid era, the role and function of the suburban villages of Isfahan, and their relation to the capital. Therefore, it is necessary to "diagnosis; evaluation the current and past condition of the site", "Intervention; Improvement", and "monitoring; Impact of interventions and protection conditions" should be considered as a process of conservation.

Keywords: Historical village, Safavid period, Shah Abbas I, Dowlatabad, Royal residence.



Shiraz Poustachi Tepe; Strengths, weaknesses, opportunities, and threats with a vision of sustainable urban development

Hassanali Arab

Assistant Professor in Archeology, Shiraz University of Arts

h_arab@shirazartu.ac.ir

Alireza Sardari

Assistant Professor, Iranian Center for Archaeological Research (ICAR)

Abstract

Poustachi Tepe is located in the urban context of Shiraz and has evidence from the prehistoric period (Neolithic period to the period of chalcolithic related to 7200 to 6200 BC) and after a long break, it is occupied again in the Safavid period. Entering the chalcolithic period has not been considered in Fars archeological research, while Poustachi tepe provides good evidence of this period. archeology in the city, also called urban archeology, is in the spotlight. Due to the location of Poustachi Tepe in Shiraz, most of the infrastructure that other sites do not have access to is easily provided on this site. Understanding the current situation is the first step in developing long-term strategic plans. Therefore, the study of internal strengths and weaknesses and external opportunities and threats of this work, shows that this site is a hidden potential in the development of Shiraz.

Keywords: Poustachi Tepe, Shiraz, SWOT, strengths and weaknesses, opportunities and threats, site-museum



Genesis and the Formation of the Dalma Tepe Culture

Veli Bakhshaliyev

Professor, Nakhchivan Branch of the Azerbaijani National Academy of Sciences,
Azerbaijan Republic
velibahshaliyev@mail.ru

Abstract

In 2019, excavations of the Nakhchivan Tepe settlement were found a Neolithic layer that characterized ceramic products with impression ornament. The finding allows reviewing the connections between the Neolithic cultures of Mill Plain, Karabakh, and the basin of Lake Urmia. On the basis of research, it can be said that the cultures of the Mill Plain and Karabakh, which are characterized by impression ornament, contributed to the formation of Dalma Tepe culture. It can be assumed that the area of formation of Dalma Tepe culture covered the territories of Nakhchivan and the basin of Lake Urmia. Research shows that the Nakhchivan Tepe settlement was part of the area of Dalma Tepe culture formation. Thus, it can be concluded that the culture of Dalma Tepe, which appeared at the junction of the borders of the Middle East and the South Caucasus, reflects the traditions of the cultures of these two regions. This culture from the main center spread south of Lake Urmia, to Iran, Iraq, and East Anatolia.

Keywords: South Caucasus, Karabakh, Nakhchivan Tepe, North-West Iran, impression ceramics, painted pottery.



An Analysis of the Symbolism in Gilgamesh Image in Lorestan Bronze Art

Zahra Cheraghi

M.A. in Archaeology, Mohaghegh Ardebili University, zahracheraghi751@gmail.com

Seyyed Mahdi Hosseini Niya

P.hD in Archaeology, Mohaghegh Ardebili University

Reza Rezaloo

Associated Professor, Mohaghegh Ardebili University

Mohammad Eskandari Pooya

M.A. in Archaeology, Mohaghegh Ardebili University

Mohammad Reza Chegani

M.A Student in Archaeology, Bu-Ali Sina University

Abstract

Some of the historical objects of the Lorestan region, which are now being exhibited in local and foreign museums, are bronze objects, which are symbolically divided into four categories; Animal motifs, plant motifs, human motifs, and geometric motifs. By studying these objects, we see the continuation of these motifs through passing them down from generation to generation until today's works of art and artifacts. These motifs have been drawn more artistically and skillfully, and each of them has a specific semantic and conceptual content and theme; so that the knowledge and study of these objects reveal the beliefs of the people of that period. Lorestan's bronze art, in addition to being native art, has also been influenced by the art of other cultures such as Mesopotamia, Assyria, and the Caucasus. Numerous pictures are carved on the bronzes of the region, one of which is the image of Gilgamesh. In this study, this image is studied from a symbolic point of view and its relationship with the beliefs of the people in the region is analyzed. The research method is descriptive-analytical and data collection has been done using library resources. According to the research findings, it is concluded that the picture of Gilgamesh, on the necks of women and chariots, has been a kind of spell against evil eyes and the power of the devil. This image has been used in decorative objects such as; Headbands, votive items, and even weapons.

Keywords: Bronze objects, Lorestan, The role of Gilgamesh, Symbolism of the role of Gilgamesh



Recovering Regional Identity or Contemporary Study Challenges: The Nature of Historical Dynasties of the First Millennium BC in Northeast Iran and Greater Khorasan

Mohammad Sadegh Davari

M.A. in Archaeology, University of Neyshabur, m.sadeghdavari@yahoo.com

Hassan Basafa

Associate Professor, Department of Archeology, University of Neyshabur

basafa@neyshabur.ac.ir

Abstract

The historical dynasties of Iran were formed chronologically in the first millennium. According to the archeological surveys and activities in Turkmenistan, former Soviet archaeologists have classified this period in the Iron Age chronology, which is still prevalent today. They have considered the following approximate dates for the Iron Age cultures, which include Yaz and Dahistan, based on which the approximate date of Yaz is 1500-300 BC and Dahistan is 1500 or 1650-500 BC. An important issue in the first millennium BC is the lack of attention to this period and its political events, the most important part of this period is 217-900 BC. This period coincides with the formation of the Median, Achaemenid, Seleucid, and even the formation of the Parthian dynasty in this region. So far, architecture similar to the Median period, and cultural materials such as Achaemenid, Seleucid, and Parthian have been identified in abundance from these areas and in most cases have been involved in the hypothesis of the entry of Indo-Iranian into Iran. In this research, an attempt has been made to review the cultural materials and the exploratory approach of historical texts to clarify the nature and position of the mentioned dynasties in the cultural sequence of Greater Khorasan. Then, the studies of the region can be analyzed based on the information rather than data-driven issues. The results show that historical texts and inscriptions have made frequent references to the lands of northeastern Iran and Central Asia. Also, the cultural materials of these periods have been reported. By studying the designs of the stairs of Apadana Palace of Persepolis, it is inferred that the people of Greater Khorasan during these historical periods in a few cases independent and in most cases under the banner of these dynasties have survived and used only their cultural characteristics. Therefore, the absence of palaces and common types of pottery in government centers, as well as the absence of inscriptions, will not be a reason for the lack of status of these historical dynasties in Greater Khorasan.

Keywords: Greater Khorasan, first millennium BC, historical dynasties, cultural features, chronology.



Archaeological Studies as a Way to Increase Cultural Ties in Sistan and Baluchestan Province

Razieh Ebrahimi

M.A. student in archaeology, University of Mazandaran,
Raziyeh.ebrahimi70@gmail.com

Javad Alaei Moghadam

Assistant Professor, Department of Archaeology, University of Zabol

Abstract

Iran is a land of various ethnic groups, each of which has shaped Iranian culture by sharing its precious heritage. A culture that has maintained its stability and cohesion for thousands of years, despite the invasions of other governments. Unfortunately, in the past centuries, with the incompetence of some Iranian governments and at the same time the influence of Western colonialism, which tried to create ethnic and religious differences in order to dominate the vast land of Iran, attacks were made on Iran's national unity. Recently, the effects and consequences of some of their actions are still visible. One of the regions of Iran where, unfortunately, this issue can be seen is Sistan and Baluchestan province. This province consists of two main ethnic groups, Baluch and Sistani, which are currently different from each other in three aspects: ethnic, linguistic, and religious. Existing differences that have not had many destructive effects over the centuries in the form of close cultural and economic relations, have now manifested themselves as one of the cultural problems of the region that has caused differences, which is rooted in forgetting the cultural and constructive relations between the two regions. In this article, the authors intend to study the similarities and cultural and social relations between the two regions of Sistan and Baluchestan using descriptive-analytical methods and historical and archaeological studies and citing data collected by the library method. The concept of identity and cultural symbol and their importance among these tribes based on archaeological studies and the constructive role of this relationship in the cultural promotion of both Baluch and Sistani peoples.

Keywords: Archaeological studies, Sistan and Baluchestan, Cultural Links, Historical subscriptions, Cultural development.



Evaluation the Economic and Social Characteristics of Sustainable Development in the Residential Buildings of the Qajar Period in Ashtiyan

Nayer Hajitaher

M.A student in Archaeology, Tarbiat Modares University

Saeed Amirhajloo

Assistant Professor, Department of Archaeology, Tarbiat Modares University,
s.amirhajloo@odares.ac.ir

Abstract

Sustainable development means meeting the needs of people, without destroying their capabilities and resources and conserving resources for the future. Therefore, in sustainable development, the present needs are met in a way that will not depress the ability of future societies to meet their needs, and the present and future peoples will have equal access to resources. The sustainability of development in every society and territory will be achieved in different ways. One of them is the economic and social stability of societies. Economic and social security in a society can be considered as an indicator of the development of that society. Residential buildings - as the most abundant and important urban elements - along with other types of architecture, play a role in achieving sustainable development from an economic and social perspective. Accordingly, the purpose of this article is to study the economic and social characteristics of sustainable development in Qajar residential buildings in Ashtiyan. The question is how the economic and social characteristics of sustainable development are reflected in the elements of residential architecture in Ashtiyan during the Qajar period? How do these features apply to today's architecture? The method of data collection is documentary and field and the research method is descriptive-analytical. Finally, in this article, we explained the importance of the economic and social characteristics of sustainable development and its evidence in the residential architecture of Ashtiyan during the Qajar period.

Keywords: Sustainable Development, Islamic Archeology, Qajar Architecture, Ashtiyan Residential Buildings.



Studying Regional and Transregional Cultural Ties in the Parthian Architecture

Elahe Heydari Karbaski

M.A. Student in Archaeology, University of Sistan and Baluchestan,

Elahe.heydari7714@gmail.com

Zohreh Jozi

Assistant professor, Department of Archeology, University of Sistan and Baluchestan

Abstract

The collapse of the Achaemenid Empire and the coming to power of the Seleucid Empire led to a new attitude in the overall space of Iran, especially in art and architecture. In other words, Greek art dominated Iranian art such that the archeological reality of a combined Oriental-Greek culture is evident in the era of Parthian. Importantly, it is assumed that Greek culture influenced Iranian art and degraded during the Parthian period. Indeed, the Parthian dynasty established a new and unique Iranian style in art and architecture. Originating from a wealthy background and blessed with fresh architectural innovations, the Parthians tried to revive forgotten or changed Iranian arts. The present desk research aims to study how prior and contemporary cultures have influenced the Parthian and to determine its effect on the architecture of later periods. According to the research findings, the Parthians exalted their acquisitions of Greek art through their potential and experience, added new elements to the architecture, which was an extraordinary art of Parthians, and played a critical role in shaping the Sassanid architecture.

Keywords: Architecture, Parthian, affectability, the art of Parthians



Archaeological Heritage Management: Some Experiences from Sialk, Iran

Javad Hoseinzadeh Sadati

(Department of Archaeology, University of Kashan)

Abstract

Archaeological heritage management which recently get much attention both inside and outside of the territory of archaeology, encompasses a variety of issues and concerns, which can be categorized into conservation (physically and valuably), utilization and exploitation, and development. Conservation of archaeological heritage in Iran, as a country in transition (namely a developing country) which is dotted by tens of thousands of valuable archaeological sites, demands huge efforts both from local and state governments, and local and the general public. Among others, one of the serious challenges in the management of its cultural heritages is the increase in population and development of modern cities on one side and destroying of archaeological sites through modern constructions on another. Sialk, one of the most famous archaeological sites of the country, is now located in the heart of Kashan, one of the main historical and touristic cities in central Iran. Due to such constructional damages and lack of concerning management in the last decade, the site became an urban problem which its existence had been prone to demolish. At the same time the pressures of some local NGOs and heritage activists on state authorities and local government, the sites attract some attention again from different aspects of society. In this paper, I will first review some aspects and context of archaeological heritage management in Iran and after a quick introduction of Sialk, I will review what has been done in the conservation and management of the site in the last 3 years, and what will be our future plan for its development.

Keywords: Heritage Management, Tepe Sialk, Archaeology of Kashan.



Temporal Pattern of Dental Caries at the Western Flank of the Central Plateau of Iran

Tabasom Ilkhan

Ph.D. Student, Department of Archaeology, Simon Fraser University, tabasom_ilkhan@sfu.ca

Joanna Trębicka

Antiquity of Southeastern Europe Research Centre, University of Warsaw

Javad Hosseinzadeh

Assistant Professor, Department of Archaeology, University of Kashan

Ali Shojaee-Esfahani

Assistant Professor, Department of Archaeology, Art University of Isfahan

Babak Rafi'i-Alavi

Assistant Professor, Department of Archaeology, Art University of Isfahan

Hasanali Arab

Assistant Professor, Department of Archaeology, Shiraz University of Arts

Alireza Sardari

Iranian Center for Archaeological Research, Research Institute of Cultural Heritage and Tourism

Arkadiusz Softysiak

University of Warsaw: Warszawa, PL

Abstract

Dental caries is an infectious disease caused by an interaction between acidophilic microbiota in the oral cavity and the human diet rich in fermentable carbohydrates. Its frequency and pattern are usually interpreted as a proxy for diet and behavior in past human groups. Here we compare the general frequency of dental caries and inter-tooth patterns between three sites located in the western part of the Iranian Central Plateau: Tappeh Poustchi (Late Islamic cemetery), Estark (Late Bronze Age and Iron Age cemetery), and Kafarved-Varzaneh (Early Bronze Age site complex). There is no significant difference in the general frequency, but Estark differs from two other sites in terms of inter-tooth pattern and the location of the initial lesion (occlusal versus interproximal). It may be the effect of differences in diet and masticatory behavior between pastoralists buried at Estark and farmers buried at two other sites. Our research shows that overall caries frequency should not be considered as a sufficient indicator of subsistence.

Keywords: Dental caries, Inter-tooth pattern, Kafarved-Varzaneh, Estark, Tappeh Poustchi.



Cultural Connections Between Daman River Basin in Baluchistan of Iran and Adjacent Regions in the Bronze Age Based on the Typology of Pottery in the Site of Shahr-e Deraz

Mohammad Keikha

Ph.D. Student in Archaeology, Bu-Ali Sina University, Mohammad.keikha1367@gmail.com

Sahar Bakhtiari

Ph.D. in Archaeology, University of Sistan and Baluchestan

Yasaman Nasiripour

Ph.D. Student in Archaeology, Tarbiat Modares University

Mojtaba Saadatian

Ph.D. in Archaeology, University of Tehran

Abstract

One of the most basic ways to understand cultural connections in different periods is to study pottery. The Bampur River Basin is one of the most important ancient sites in the Baluchistan region of Iran. The Bampur River is formed by small rivers such as the Karavandar and the Daman and several other small tributaries and flows in the east-west direction. Daman and Bampur rivers in the Bronze Age have been the center of the formation of significant and important sites that have played a key role in explaining and forming human communities. Daman river basin is a corridor between northern, central, and southern Baluchistan. During the survey of Shahr-e Deraz in the Daman river basin in Iranshahr city under the supervision of Mohammad Kikha in the fall of 2020, 112 pieces of pottery were identified, recorded, and studied. The present research intends to study the cultural trend of the region by studying and analyzing the pottery samples from this site and comparing them with the pottery of another adjacent region in the same period. Considering that the main purpose of this research is to determine the position of the area in the chronological table of southeastern Iran and study the cultural relations of the Baluchistan region, especially the Daman river basin with adjacent areas in the north (Sistan Iran and Afghanistan), east (Baluchistan Pakistan), south (Makran coasts) and the west (Soghan valley), so in order to achieve this goal, library studies and field studies were used and it was found that the site of Shahr-e Deraz in the Daman river basin had a cultural continuity during the Bronze Age (third millennium BC) and the pottery of this site is most similar to the pottery of the ancient sites of Bampur and Pakistan. In addition, based on the typological studies of pottery, it seems



that in the Bronze Age, the Daman river basin not only had extensive regional and trans-regional connections, but also have been one of the important communication routes and connection points of the central Baluchistan region with the areas of Soghan Valley, Sistan, South Baluchistan of Iran and Baluchistan of Pakistan.

Keywords: Daman River Basin, Site of Shahr-e Deraz, Bronze Age, Cultural Interactions, Classification, Typological Comparison.



Tourism Perspective of the Site - Museum of Tang Gharghab Petroglyphs

Mohammad Reza Khansari

M.A. Student in Archaeology, Golestan Institute of Higher Education,
khansari_mohammadreza@yahoo.com

Elham Vosogh Babae

Assistant Professor, Department of Archaeology, Golestan Institute of Higher Education

Babak Maghazei

M.A. in Tourism Planning

Fatemeh Abaghari

M.A in Psychology

Abstract

Petroglyphs are one of the oldest works of human art that reflect the lifestyle, customs, culture, and myths of the nation. Teymareh region is a large area among the four provinces of Isfahan, Markazi, Qom, and Lorestan, which contains more than twenty-one thousand petroglyphs with a seven-thousand-year history. Tang Gharghab is located on Saeed Abad in Golpayegan city and is one of the most prominent sites of this huge complex, in addition to natural attractions, other historical monuments such as lithographs, historical castle, pigeon houses, and baths of the Safavid period can be seen. Today, one of the main problems of archeology is the lack of connection between historical sites and tourism activities, which in addition to the unknown archaeological sites to the public, leads to improper maintenance and destruction of the collection. The purpose of this study is to provide suggestions for transforming the site-museum of Tang Gharghab petroglyphs into a historical, cultural, and natural eco-site. Creating eco-tourism spaces, empowering local people to attract tourists with a self-employment approach through the supply of handicrafts, and food products as well as identifying, introducing, and preserving antiquities with the participation of local residents and educating tourists are some of the ways to preserve such collections. In addition to preserving the antiquities, it will lead to sustainable employment and a sense of indigenous identity, and ultimately to the educational and economic development of the residents.

Keywords: Petroglyphs, Tang Gharghab, Eco-site, Tourism.



Investigating the Effect of People's Historical and Cultural Awareness on the Preservation of Ancient Sites (Case study: Archaeological sites of Mahallat city)

Neda Khorasani

M.A. in Archeology, Khorasani.neda71@gmail.com

Javad Alaei moghadam

Assistant Professor, Department of Archeology, University of Zabol,

Abstract

The protection of cultural heritage is one of the most important issues in today's civilized society. Attention to the protection of cultural heritage, especially ancient sites, is so important that it can be considered one of the manifestations of the development of society, and therefore there is a clear difference between developed and developing societies. In other words, the level of awareness of the people of a society has a great role in the level of attention to the protection and preservation of historical monuments and sites. This awareness includes sufficient individual and collective knowledge (regional, national and international) that is subject to various economic, cultural, historical, and social factors. Adequate knowledge and knowledge of sites and antiquities can be considered the most important factor in achieving a level of protection of such cultural heritage that should be transferred from the early stages of education to different people. In this article, the authors intend to examine the effect of the level of awareness and historical and cultural knowledge on the preservation of ancient sites. In the above research, which is considered as descriptive-analytical research in terms of method and nature, the study area includes Mahallat city as one of the historical tourism hubs of Markazi province. Gathering information in this research through field and documentary study includes reviewing the condition of the sites and completing a questionnaire from the residents of the area, as well as information contained in written sources. The results indicate that the type of attitude of the individual, which is itself the result of the collective attitude of the community and the people around him, is the most important factor in his behavioral feedback in the face of ancient monuments and sites. This attitude is directly related to the level of historical and cultural awareness of the individual, which on the one hand requires scientific and purposeful education in the family and on the other hand requires education in educational environments, from the earliest stages to university education.

Keywords: cultural heritage, protection of ancient sites, cultural and historical knowledge, purposeful education, Mahallat city.



The Impact of the Environment of Sistan Region on the Architecture of the Achaemenid Site of Dahaneh-Gholaman

Katauon kianpour

M.A. student in Archaeology, Bu-Ali Sina University of Hamadan,
Katauon.kianpour96@gmail.com

Abstract

Geography and ecology have long been an integral part and one of the most important factors in the formation of civilizations and cities, and this is still true today and in the current urban structures. The factor of geography has a decisive and influential role not only in the manner and place of construction of an area but also in the type of materials used in the structure. In this research, we have tried to express the natural environment and geographical conditions of the Sistan plain and investigate the effect of the hot and dry environment of the region on the construction of the Achaemenid structure at the Dahaneh Gholaman and discuss the differences and similarities of the construction method of this site with the style of Achaemenid architecture in Iran to be an answer to how geography affects the formation of sites. The results of the studies emphasized the vernacular of the materials, as the lack of wood and stone materials has led to the formation of buildings with arch and arch that are in conflict with the style of Achaemenid architecture, which has many pillars And the formation of domed roofs and the continuation of this style until now, as well as the plan according to the introverted form that is native to hot and dry areas And its difference with the Achaemenid style of architecture, which is extroverted, has shown the impact of ecology on the formation of this city. The method of this research is the documentary. Therefore, the excavation reports were used and the articles related to Achaemenid architecture were reviewed. One of the problems of the research is the flow of sand in the area, which has hidden many buildings in the area and prevented the observation and review of all plans to achieve the desired result.

Keywords: Environmental impacts, sistan, Dahaneh_Gholaman, Architecture, Achaemenid.



Archaeological Discoveries in the Surên Mountain and its Foothills (Preliminary Report from 2016-2021 Fieldworks)

DLshad A. Marf Zamua

Assistant Professor, Department of Archaeology, Sulaimani University,
DLshadazamua@gmail.com - DLshad.Marf@univsul.edu.iq

Amanj M. Amin

Directorate of Antiquities of Sulaimani

Abstract

The Sharezur plain in Iraqi Kurdistan is bordered from the east by a rough mountain range called Surên. This mountain range also marks the modern Iraqi-Iranian border. This paper presents the results of fieldwork conducted by the author of this paper in the Surên range and its foothills. During this fieldwork, several archaeological sites have been recorded for the first time, including several rock art sites, a number of caves, rock-cut tombs, stone settlements, etc. The recorded archaeological sites are dated to different periods from the first millennium BCE to the early first millennium AD.

Keywords: rock art, rock-cut-tomb, Suren Mountain, Zagros, settlements.



Cultural connection between Elamites and Achaemenids based on archaeological data

Alireza Mesforoush

M.A. in Archaeology, Tarbiat Modares University,
alireza.mesforoush@gmail.com

Abstract

According to art historians, Achaemenid art was originally a combination of the art of the conquered lands, in which the Elamite civilization played an important role. Certainly, the cultural ties between the two governments should be sought in the transition from Elamite to Persian culture. In the New Elam period, successive Assyrian attacks, Against their eastern neighbors, the Medes, Persians, and especially the Elamites Between the eighth century and the early seventh century BC, led to the establishment of friendly relations between the Persians and the government of Elam, It was formed in the form of military-political alliances to counter the Assyrian threat, It seems that the Persians were influenced by them during the centuries of proximity and relationship with the Elamites and cultural exchanges between them, which can be seen on archaeological data. Although at first this was not pleasant for the Elamites and led to revolts on their part, in the end, they accepted the rule of the Persians, however, they also introduced some of their religious and cultural ideas in the form of works of art into Persian art. The results of this study are based on archaeological data such as Parts of architecture, reliefs, metal works such as military tools and fittings, seals, and pottery Indicating a cultural connection between the Elamites and the Achaemenids The existence of influences from marriage and religion can also be traced from the interaction between them. Therefore, the study of cultural materials left over from this period, In the formation and expansion of the Achaemenid rule is of great importance in the field of archeology and art history. This article seeks to answer questions about What archaeological data were created from the cultural interactions between Elam and the Achaemenids and how can through this data and other cultural materials, analyze the cultural ties between them? and that finally in the transition from Elam to Achaemenid, Were these cultural exchanges one-way or two-way? The method of data collection in this study is in the form of library research and descriptive-analytical and in this regard, relevant articles and books have been studied.

Keywords: Elamites, Persians, cultural data, cultural interactions



Minarets in the Kurdistan Region (An archaeological Comparative Study)

Ali Hijran Mohammad

Academic Staff, Department of Archaeology, Sulaimani University

Zryan Salar Hama Aref

Associate Professor, Department of Archaeology, Sulaimani University,

zryan.hama@univsul.edu.iq

Abstract

The minaret is one of the most important architectural elements that give the mosque a distinct characteristic, the minaret is part of a mosque from which Muslims are called for prayers. The minaret is an important theme in the history of Islamic architecture as it is one of the features of the architecture of Islamic mosques. The field of architecture shows the architectural style associated with Islam in special as it is reflected in building mosques throughout each period of history. It is obvious that the Al Mudhafariah minaret has unique architectural characteristics and decorative features. The minaret is constructed of baked bricks as the rest of the mosques in Erbil at that period. However, the minaret is distinct in its construction. in terms of form and construction material. It contains a double spiral stair. The shape of the minaret is resulted from cutting the bricks and putting them in accordance with a specific engineering design. The minaret is also characterized by its height and leaning. Brick and gypsum are used in building the minarets. Whereas the minaret of the Mosque of Amadiyah, which is one of the majestic cultural monuments in the city, is characterized by its height as well as the magnificent decorative formations that adorn its base. The minaret of the Grand Mosque in The City of Sulaymaniyah, built near the door of the mosque, consists of a cylinder decorated in different colors. Those decorations are found in the old and new minarets. The azan balcony is above the square base, which has been turned into a circular. The minaret of the Khormal Mosque, in terms of construction and shape, is similar to the minaret of the Grand Mosque of Sulaymaniyah.

Keywords: Al-Mudhafariah Minaret, the minaret of Khormal, Al Amadiyah Mosque, Grand Mosque in Sulaymaniyah.



Dams and Challenges of Preserving Archaeological Monuments

Hamed Molaei Kordshouli

M.A. in Archaeology, Hamed_Mowlaiey@yahoo.com

Hamid Tabatabaee Mohammadi

Ph.D. Student in Archaeology, University of Tehran

Abstract

From the beginning of their lives, human beings have always been in conflict with the ecosystem as a result of causing the change in the environment. Any attainment on natural resources brings about destructive effects. Nevertheless, inevitably human beings have long been removing the leading obstacles to achieving their goals in various ways, including mining, digging wells and aqueducts, dams, and construction. Such developmental projects have caused destruction in nature. The total water inventory of our planet, known as the hydrosphere, is about 1,360,000 cubic kilometers, 97.3% of which is saline and only 2.7% is fresh water. For this reason, man has looked for ways of storing fresh water alongside which, energy from water can also be produced, eventually leading to the emergence of dam engineering. The story of dam construction in Iran began in the late 1320s. Two decades ago the dam construction process in the country was faced with a large volume so by the year 1400, the total number of national dams will have reached 214. The construction and Operation of dams have brought forth destructive physical, chemical, biological, health, and ecological changes around the world. The purpose of this study is to gain knowledge about the various destructive effects of dams on ancient monuments. Therefore, by taking the importance of the positive effects of dams into account, gaining a deeper understanding of the negative effects of dam construction for sustainable development is a necessity. In this article, the intended effects and their solutions as a way to prevent the destruction of archaeological monuments have been studied and evaluated.

Keywords: Dam construction, Archeological monuments, Demolition, Sustainable development, Environment.



Chinese - Iranian Trade Interactions: A Study Based on the Celadon Distribution in Iran during Islamic Period

Majid Montazer Zohouri

Assistant Professor in Archaeology, University of Tehran, Iran, majidzohouri@ut.ac.ir

Abstract

The period of Iranian-Chinese relations during pre-Mongol and Mongol times is called by historians "the age of Chinese influence on Persian ceramics." Celadon Porcelain was one kind of Chinese ceramics, which presented the most important stimulus for the development of fine pottery in the Islamic world. The oldest Celadons have been found in the excavations of the Siraf Port in the 9th century CE. Before that, Islamic potters produced mainly simple non-glazed kitchen and storage wares. Import of Chinese ceramics, including Celadons, to Iran, forced Islamic potters to learn that pottery making need not be restricted to serving mere utilitarian ends, but that it could be developed into the production of skilled artistic objects for the luxury market. Celadon Porcelains which have a body of hard soil and green to the brown color range, were discovered with a variety of restoration glazes in several Iranian archaeological sites dating to the Ilkhanid/Timurid periods (13-15th centuries), such as Kish Island, Firuzabad (Fars), Sirjan, Jiroft, Zahedan-i Kohneh, Ashraf tepe of Isfahan, Ray, Takht-i Suleiman, Sultaniyya, Rab'-i Rashidi, Bisotun and Ardashir Khore. This paper intends to study these identified archaeological sites of the 13-15th centuries, with the goal of providing the taxonomy of Celadon Porcelains in Iranian Sites, and in order to determine their distribution patterns and their abundance in relation to the historical trade routes. The finds of the paper propose, that Chinese Celadons which varied in color and quality, were imported to Iran through the main and secondary trade routes, mainly, during the 13-15th centuries CE.

Keywords: Iran, China, Celadon, Trade, Abundance, Distribution Patterns.



A Comparative Study of the Agricultural Landscape in the Three Gardens of Akbari, Finn and Shahzadeh

Saeedeh Morad Zadeh Mirzaee

M.A. in Archaeology, University of Birjand, saeedhmoradzadeh@birjand.ac.ir

Seyyed Mohammad Reza Khalilnezhad

Assistant Professor, Department of Handicrafts, University of Birjand

Saman Farzin

Assistant Professor, Department of Archaeology, University of Birjand

Abstract

According to research sources, the Persian garden has always had two parts of productive and decorative green space, which is the result of the wise attitude of traditional gardeners and garden designers to the two categories of ornamental gardening and fruitful agriculture in the field of optimal use of environmental facilities and productivity. By presenting a realistic picture of the current state of the agricultural landscape of the studied gardens, this study intends to help landscape architects in preserving and reviving the original landscape of the Persian garden by considering the importance of the agricultural landscape and examining its status in the past and present. Therefore, the research method is descriptive-analytical and data were collected in a library method along with field studies in Akbarieh, Finn, and Shahzadeh world Heritage gardens. Based on the results of the research, it should be acknowledged that unfortunately in fin Garden, the productive landscape was completely destroyed and became an unoriginal ornamental landscape, but in recent years, the project to review the agricultural landscape of Fin Garden by planting fruit trees is underway. There is also the productive landscape of Akbarieh and Shahzadeh, which requires serious measures to be taken to protect and improve them.

Keywords: Agricultural landscape, Persian garden, Akbarieh garden, Fin Garden, Shazadeh garden.



Political Archaeology: Shahr-i Sokhta Excavations and Some Critics on Postcolonial Implications of Archaeology in Iran

Hossein Moradi

Assistant director of Shahr-i Sokhta excavations

h_moradi57@yahoo.com

Abstract

The main approach of the present article firstly focuses on the archaeological sites as a dynamic and effective phenomenon in the geographical units of human populations. This research aims to study the interactions between excavated sites and people who live near the site. Based on this study, we can divide the effects into people near the archaeological site into three main categories including socio-political, economical, and scientific contexts that each of them is connected to different subjects and branches. Among them, the socio-political context is the main core of the research and ethnicity is the key subject in the article. In the area with the homogeneous or heterogeneous texture of ethnicity, such cultural effects blurt themselves as a new form of identity or rebirth of forgotten ethnicity and archaeology acted as a third narration of ethnicity (mythological and religious) in this vast and historical area and it may make some big change in relationships between people, government and concept of borders. For which study, the prerequisites are the *long duree* in archaeological excavations in the sites and Shahr-i Sokhta in Sistan (southeast of Iran) is the key site with a last and long history of excavations in the Iranian plateau. Historically, these activities began in 1968, and because of the Iran revolution in 1978, after 20 years of pause, it has been started again in 1997. Such continuity in the Middle East that political and management decisions stability in not predictable is rare and this Bronze Age site provides a good case study for researching the social effects on different parts of human life in a historical area with mythological background reflected in religious and literary texts. By this approach, the third part of the research compares the archaeological excavation at Shahr-i Sokhta done by Western archaeologists before 1978 and the Iranian excavation after 1997 in relation to the socio-political context. Making some critics of the postcolonial implications of archaeology in Iran both in education and in excavation policies is the final destination of the research.

Keywords: Iran, Shahr-i Sokhta, Ethnicity, Identity, Social effects.



Archaeology and the Century of Horror

Hassan Musavi-Sharghi

Ph.D. Student in Archaeology, University of Tehran, Hassan.musavi.sh@ut.ac.ir

Abstract

Violence is the most prominent feature of the century in which we live. Every day, horrific news of murders is spread around the world, and it is as if we are caught in an endless onslaught of all kinds of violence. As humans, the citizens of every corner of the world, the mass of tragic and horrific incidents terrifies us. But as anthropologists in the broadest sense of the word, how do we feel about a world full of otherized human suffering? Grief is our deepest emotional response to the disasters around us, regardless of what we have learned academically, but for every academic person, especially for an archaeologist, there is a moral question: What can be done for thousands of helpless people and lives ruined by violence? Archaeology has been known for decades as the field of study of past humans based on the cultural materials left by them, and since its formation has tried to study various aspects of human life and in this regard is committed to material culture. Archaeology has introduced itself as a discipline whose main commitment is to cultural materials. Moral commitment in archeology present is a commitment to the cultural material of the past, but that moral obligation is enough? Does archaeology truly examine all aspects of human life? Contemporary Archaeology has been arguing since its inception that an archaeologist's moral commitment must go beyond cultural materials but to humans, and commitment to humans is not possible except by addressing all aspects of their life, including violence and suffering. From an archaeological point of view, what can be done for contemporary humans is contemporary archaeology in the true sense of the word, not archaeology in the contemporary context.

Keywords: Contemporary Archaeology, recent Past, Violence, Human life, Contemporary human



Iranian Archaeological Collections Stored in the United States: Current Conditions and Future Prospects

Kyle Olson

Department of Anthropology, University of Pennsylvania
kols@sas.upenn.edu

Abstract

Large collections of Iranian antiquities are held in the permanent collections of a range of institutions located in the United States, including university museums, fine arts museums, natural history museums, and private collections. The largest of these collections were created by American-funded archaeological expeditions that received these artifacts as the result of partage, i.e., the division of finds, mandated in the 1930 Bill for the Protection of National Vestiges, between 1930 and the 1960s. Significant work is ongoing in the U.S. to analyze and publish these collections, whether in print or online. This paper will address the current status of Iranian archaeological collections stored in the United States and will raise the question: what are the needs of Iranian researchers who want to access these collections and how can American archaeologists work to meet these needs? This paper will not be able to provide answers or solutions but is intended to begin a dialog to continue for years to come.

Keywords: Archaeology, Iran, Archaeological Collections, United States.



Garmaser (Garmasser) During the Post-Kassite Period from 1162-911 B.C

Rafida A. Abdelsamad Al-Qaradaghi

Department of Archaeology, Sulaimani University, rafida.abdulsamad@univsul.edu.iq

Aram Ali Hama Amin

Department of Archaeology, Sulaimani University.

Abstract

This paper deals with the Assyrian royal inscriptions in relation to the Diyala region, after assessing Tukulti-Ninurta I (1244-1208 BC) eight kings came to the throne, but they were not active enough to be mentioned until Tiglath-Pileser I (1115-1077 BC) who could change the situation. Elam, after thirty years of occupying the Diyala region, came to a result that it is difficult to keep control over the Diyala region, the Elamites abandoned the region, which made it easy for the Assyrians to control it. Tiglath-Pileser I was ambitious enough to put a hand on it. It was a time when more than one power was struggling to change the balance of forces. Tiglath-Pileser I campaigned against Karduniaš. He claims that he came further to Karduniaš, controlled the Lower Zab basin, conquered the city of Armanu which was ruled by Agar-Salua till the city of Lubdu, the cities near the mountain of Kamula and Kaštilla, took their tribute and properties, brought them to his city Aššur. In another text, he claims that (went forward to Karduniaš. I occupied the city of Turšan on the other side of the Zab, the city of Arman, the city of Agar-Salua till the city of Lubdu. I crossed the river of Radanu, I occupied the cities near the mountain of Kaštilla and the mountain of Kamula". After Tiglath-Pileser, Aššur-Bel-Kala marched toward the mountain of Epiḫ in the land of Lullumu to hunt: ((*deer and wild bulls*)) in the mountain of Epiḫ; Uraše. In the time of Aššur-Dan II who could not dominate these lands like Tiglath-Pileser, he had enough just to plunder the countries without dominating them.

Keywords: Garmaser, Post-Kassite, Assyrian, royal inscriptions, Diyala region.



An Investigating on the Pattern of Destruction of Dalma Sites in Western Iran: The Importance of Awareness and the Necessity of Salvation

Roghayeh Rahimi Sorkhani

Assistant Professor, Faculty of Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism, University of Mazandaran, R.sorkhani@umz.ac.ir

Abstract

The Dalma tradition dated from the fifth millennium BC to the early part of the fourth millennium BC in the west of Iran. The Dalma period is particularly interesting because of the increase in the number of sites and the extremely large geographic spread of its ceramics beyond the political border of Iran. Unfortunately, Dalma tradition sites are at risk due to natural and cultural factors constantly damaging cultural remains. Since much of the research is conducted in archaeological surveys and many studies have been repetitions of previous research, therefore, there are still many questions related to this cultural tradition that have not been answered and need to be researched especially in the excavation. The increasing destruction of archaeological sites limits researchers' ability to answer questions. A total of 95 Dalma sites were selected in the west of Iran. This study aimed to investigate the destruction factors and the amount of destruction to be able to offer suggestions based on the concepts of public archaeology, salvage archaeology, preventive archaeology, CRM, and cultural tourism archeology in this period.

Keywords: Dalma, Destruction, natural factors, cultural factors, salvage archaeology, public archaeology, preventive archaeology, CRM, cultural tourism archeology



Preservation Experiences and Actions at the Chogha Zanbil World Heritage Site and Cultural Tourism Perspectives in the Future

Atefe Rashnui

Manager of Chogha Zanbil World Heritage Site

Mehrnoush Zade Dabagh

Head of the research committee at Chogha Zanbil World Heritage Site

Abstract

The preservation and management approach at the Chogha Zanbil World Heritage Site has focused on the ziggurat of the city as a unique monument, not as a remaining city from Elamite civilization. Such an approach has played a key role in the management, protection, and interpretation of the site, consequently, it has affected the tourism definition in the region and communication with local people. Beyond the ziggurat, Chogha Zanbil as a city with all its elements and settings can change the current protection and management situation. Even more than that, in a broader area, Chogha Zanbil can be reinterpreted as one city in the Elamite archaeological landscape among other well-known Elamite sites such as Susa, Haft Tappeh, Dehno, Dastwa and so many less-identified sites from the Elamite era. Elamite archaeological landscape has the ability to redefine the large-scale protective system and emphasize the development based on the various types of tourism.

Keywords: Chogha Zanbil, Elamite archaeological landscape, Preservation, Management, Sustainable tourism.



The Lost City of Helwan

Shwan Mohammad Saber

Ph.D. Student in Archaeology, Sulaimani University, shwanemame@yahoo.com

Zryan Salar Hama Aref

Associate Professor, Department of Archaeology, Sulaimani University

Mohammad Masoomian

Research Fellow, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran

Abstract

The city of Helwan is a historical city in the middle centuries of Kurdistan Province or the interpretation of Islamic sources of the Jabal region, which this article will examine the geography and possible location of this city in the Islamic Middle Ages. Using historical resources located in cities and areas near the city and pointing to their relationship with Helwan, it has been tried to identify the location of the lost city. The following will also be discussed in full about Helwan as a Kurdish city of historical significance. Historical sources have helped to study some of the city's distinctive features and privates in periods ranging from start to finish. In Islamic historical sources, this city is mentioned as a very important city in the 3rd and 4th centuries AH and we have more or less its name in sources until the end of the 8th/10th century, but after this period, the name of this city is no longer mentioned in historical writings. Therefore, historical studies and the possible location of this city have been tried to investigate the childhood of its creation and study of urban spaces, water resources of communication roads, and everything that was needed to create a city and continue living, as well as the factors that have led to the end of life in this city, and finally, we will determine whether Helwan is really a complete city with existing criteria. It Has been in Islamic urbanism or has obvious differences with urban patterns in Islamic civilization in the middle centuries? It is important to note such studies because, in addition to locating historically lost cities, the importance of Kurdistan Province in different Islamic periods can be examined in different Islamic periods.

Keywords: Lost Cities, Islamic Urbanization, Kurdistan, Helwan.



The Characteristics of Architecture in hawraman; Porches (Eywan) and Windows as a Case Study

Zryan Salar Hama Aref

Associate Professor, Department of Archaeology, Sulaimani University,
zryan.hama@univsul.edu.iq

Shwan Mohammad Saber

Ph.D. Student in Archaeology, Sulaimani University

Abstract

The discussion of architecture is generally a broad discussion. So, because of its diversity and broadness, especially in different aspects of life, we have to talk only about the architecture of hawraman (Heh and Raman) in this research". Architecture in the hawraman region is very controversial and debatable. Our demand in this study was to briefly mention two architectural features of hawramn. Those two features are the porch (Eywan) and the window (Porch.), which are of particular importance in the architecture of hawraman houses. In the discussion of these two features, we intend to define the geography of the hawraman region. for example, it is divided into how many regions? what are the parts of this region? history of human life? What are the reasons that make these two features so important? Also, we clarify that Nature directly affects human products and inventions. So hawraman's history and way of life is another case of this discussion.

Keywords: hawraman, Architecture, Feature, Window, Porch.



A Discussion about the Transition from the Kushan to Sassanid Periods in Eastern Iran Based on Archaeological Data

Behzad Sedaghati

M.A. in Archaeology, University of Tehran, behzadsedaghati1996@gmail.com

Abstract

In this article, an attempt has been made to analyze the process of transition from the Kushan period to the Sassanid period based on archaeological evidence (including field data, numismatics, written sources, etc.) and give a correct answer to the important historical question, that is, how the Sassanid's conquered Bactria and the lands east of the Sassanid territory. And in this way, how the Kushan Empire fell and the routes of the Sassanid invasions to this region, separately for each region and discussed separately through the study and research of the works.

Keywords: Kushans, Sasanian, East Iran, Bactria, Kushano Sasanian.



Investigation of the Dimensions of Diagenesis Challenge in the Tissue of Ancient Skeletons in Order to Protect and Manage Cultural Heritage and Archaeological Sites; Relying on Global Experiences: Case Study of Ancient Teeth of the Inhabitants of the Ancient Cemetery of Gohar Tappeh

Fahime Sheikhshoae

Ph.D. in Archaeology, University of Tehran, Fahimeh_shoae@yahoo.com

Abstract

Diagenesis or chemical changes of skeletal material, including bone and teeth after burial, is one of the most important and sensitive challenges facing osteologists, biological archaeologists, and archaeologists. The proper study of "measurable diagenetic indicators" of skeletal material which are obtained from ancient sites, is one of the first and most fundamental steps toward the identification, protection, and proper management of this category of cultural heritage. Skeletal materials obtained from ancient sites change unquestionably over time. Therefore, the real mission of archaeologists is not only to discover and study these works, but they should also have the same amount of effort to protect and safeguard them. This is a constant warning in order to protect and manage cultural heritage in the form of skeletal material (including "bones" or "teeth") buried in archaeological sites that we inherit. An issue that reminds us, is that these valuable cultural materials are irreversible if destroyed. Therefore, the present study, in order to fulfill this great mission, examines one of the measurable diagenetic indicators on a number of dental specimens. Those ancient teeth were obtained from the Gohar Tappeh located in northern Iran. The method is called measuring the ratio of carbon to nitrogen (C / N) of the collagen remaining in ancient skeletal specimens. The method used to measure this ratio is an isotopic analysis of the carbon and nitrogen of the studied samples.

Keywords: Protection of cultural heritage, Diagenesis, Ancient teeth, Isotopic analyses, C/N ratio.



The Role of Museums in the Cultural identity of Society

Bita Sodaei

Associate Professor, Department of Archaeology, Islamic Azad University, Varamin, Tehran, Iran, bita.sodaei@gmail.com

Abstract

One of the main challenges for developing countries is dealing with the phenomenon of globalization and facing a new culture of alienation and identity crisis. Unfortunately, today the Western media has tried to destroy the national and cultural identity by using various sciences and technologies, and this is because Iranians do not have a correct understanding of their civilizational, cultural, and religious background and blindly imitate Westerners. The institutionalization of national and cultural identity will be realized when the source of its cultural beliefs and material manifestations is identified and has found the causes of failures and successes throughout history so that we can achieve appropriate solutions in accordance with the current conditions of society for the development and excellence of our country. Undoubtedly, attention to education and information among the people, especially the youth, is an important factor in identifying the roots of identity and nationality in Iran. Museums can play an important role in strengthening the national and cultural identity of society by preserving and keeping alive the cultural relics of ancient civilizations. Today, museums and cultural centers as social institutions play an important role in promoting human knowledge as well as expanding science and stabilizing education. The purpose of this article is to investigate the role of museums in preserving and strengthening cultural identity in society, which has tried to offer new methods, suggestions, and solutions to institutionalize the Islamic-Iranian heritage and identity. Such as creating museum buses in important and busy centers as well as creating virtual museum sites that play an important role in introducing national identity. The results show that museums can play a very important role in the socio-cultural evolution of society, which leads to the familiarity of young people with Iranian culture and civilization and their awareness and intellectual growth.

Keywords: Museum, Identity, Culture, Iran.



From the Gorgan Wall to the Caspian Gates in the Caucasus: Post-Excavation Work and Publication of our Joint Project on the Northern Defenses of the Sasanian Empire

Eberhard W. Sauer

Professor, School of History, Classics and Archaeology, Classic,
<https://orcid.org/0000-0002-1727-453X>
eberhard.sauer@ed.ac.uk

Jebrael Nokandeh

General Director, National Museum of Iran, iranationalmuseum@gmail.com

Hamid Omrani Rekavandi

Homrani1347@yahoo.com

Abstract

From 2013 to 2016, our joint project explored the northern defenses of the Sasanian Empire in Iran and in Georgia. Our presentation focuses not so much on our fieldwork and our results, but on the work accomplished since 2016 in seeing the project through to publication. A particular focus of our work has been to establish the history and nature of the occupation of forts on the Great Wall of Gorgan. This involved excavation of a large trench in Fort 2, after a prior geophysical and aerial survey, that established the width of one of the two barracks within the fort. For each room, we produced a stratigraphic matrix and submitted samples from key contexts for radiocarbon dating. This yielded significant insights into the history of occupation. The fort was probably established in the fifth century and occupied at least until the late sixth or, more probably, the first half of the seventh century. It is clear now that there were multiple phases of structural alteration. Ovens and fire-places, for example, can be attributed to three distinct phases. The spatial distribution of significant artifacts was plotted, and this has shed much new light on the use of space, with textile production, for example, taking place only in certain rooms of the barracks, i.e. those that were well insulated. Careful context recording and scientific dating have also allowed us to gain new insights into the history of construction and occupation of sites in the hinterland of the Gorgan Wall, from the 0.5 ha fort of Buraq Tappeh to the 125 ha fortress of Qal'eh Pol Gonbad-e Kavus. Similar strategies have been applied at Sasanian Dariali Fort in the Caucasus. The use of rectified drone photographs enabled us to produce an exact plan.



A sequence of radiocarbon dates has allowed us to assign the original construction of the fort to the late fourth or early fifth century, followed by sixth centuries of heavy occupation. We have since explored how the chronology of occupation of the sites examined relates to recorded history. There is a strong case, for example, that the erection of Dariali Fort may be related to the famous invasion of the Huns of AD 395, which affected both the Eastern Roman and the Sasanian Empires. A comparison of Persian and Roman installations reveals common trends, probably the result of contact and the competitive build-up of military capabilities. The largest Sasanian fortresses, however, are of much greater dimension than their late Roman counterparts. The remote survey, small-scale excavations, careful context recording, scientific dating, and contextualizing of our results have enabled our joint project to transform our understanding of imperial military capabilities in the late antique world.

Keywords; Gorgan Wall, Caspian Gates, Caucasus, Sasanian Empire.



Archaeology Museums and Their Visitors (Iraqi Kurdistan as a Case Study)

Othman Tawfeeq Fattah

Lecturer and PhD candidate, Department of Archaeology at University of Sulaimani,
Othman.tawfeeq@univsul.edu.iq

Abstract

My paper deals with archaeology museum-goers and non-goers in the Iraqi Kurdistan context. In this region, museums and their users have not yet been studied. Therefore, there are questions related to museum visitors that need to be answered. Despite the fact that since the mid of the last century in some developed countries museums and their audiences have been studied such as the United States of America and the United Kingdom. The paper divides into two sections. Does the first part deal with the museum's awareness of its public? In this section, the author will try to find out how museums welcome the public and what sorts of facilities do they have? Do museums fulfill them? Do museums have attraction galleries? The second section covers public awareness of museums. What activities do people in Kurdistan especially in Solemani (the area of the case study), need museums to have? Do people aware enough of museums? How close they are to the places and collections link them with their ancestors? Do museum visitors diverse? In this section, readers will come across a questionnaire and it's analyzed, this questionnaire has been done to get a closer view of people and museums relationships. This article is the starting point for such research in Iraqi Kurdistan. And it has two main goals. Firstly, to bring international scholars focus on this field. The second aim is to introduce the archaeology museums of this region to non-Iraqi scholars.

Keywords: Archaeology Museum, Iraqi Kurdistan, Cultural Heritage.



Society of Iranian Archaeology



Tarbiat Modares University

2nd Biennial International Conference of the Society of Iranian Archaeology; “Archaeology, Public, and Cultural Heritage Management in Iran and Aniran”

(Abstracts)

Dr. Mohammad Esmail Esmaeili Jelodar

Dr. Morteza Khanipour

Dr. Saeed Amirhajloo

